

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فصلنامه علمی

دوره‌ی پنجم – شماره‌ی یازدهم

پاییز ۱۴۰۱

فصلنامه آراء دادگستری اصفهان

فصلنامه علمی

شماره شایا: ۱۸۴۱ - ۲۷۱۷ ISSN

دوره پنجم / شماره یازدهم / پاییز ۱۴۰۱

شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۹۲/۱۷۲۸ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱

صاحب امتیاز: دادگستری کل استان اصفهان

مدیر مسئول: محمد حسین آقایی، معاون قضایی رییس کل و معاون منابع انسانی و امور فرهنگی دادگستری کل استان اصفهان

سر دبیر: محمد حسین آقایی، معاون منابع انسانی و امور فرهنگی دادگستری کل استان اصفهان

مدیر اجرایی: مهدی اسدی

ویراستار فنی: راضیه عرب

ویراستار متون انگلیسی: سید محمد مهدی مرتضوی

طرح جلد: امیر حسین چوپانی

شمارگان: ۱۰۰ نسخه چاپی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ جنگل

تاریخ انتشار: پاییز ۱۴۰۱

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا): محمد حسین آقایی، سیامک بهارلویی، حسن

پوربافرانی، مسعود حیدری، مسعود راعی، حمید رئوفیان نائینی، ابراهیم شریفی گرم دره، علی نوریان

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا): محسن رحمانی فرد، سید احمد عسگری ارجنکی،

محمد جواد عبدالحی، مجتبی فرهمند

نشانی: اصفهان - خیابان چهارباغ بالا - چهارراه نظر - ستاد مرکزی دادگستری کل استان اصفهان -

معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی - طبقه چهارم - اتاق ۴۰۲ - واحد پژوهشی

صندوق پستی: ۷۵۹۶۷ - ۸۱۷۳۶

تلفن: ۰۳۱ - ۳۶۲۲۶۷۳۹

فکس: ۰۳۱ - ۳۶۲۴۰۵۲۵

وب سایت: ara.dadgostari-es.eadl.ir

faslnameh.ara@gmail.com

پست الکترونیکی:

مسئولیت مطالب و مقالات مندرج در این فصلنامه بر عهده نویسندگان آنها است.

پژوهش، کوششی برای یافتن بهترین راهکارهای ممکن برای حل مشکلات موجود در همه عرصه‌ها از جمله دستگاه قضای و راهی برای گسترش عدالت و راه حلی برای تعالی حقوق عامه در سطح جامعه است. توسعه علمی و دستیابی به سطوح عالی عدالت در سطح جامعه بدون پرداختن به امر پژوهش با موفقیت چندانی همراه نخواهد بود، در واقع پژوهش، موتور محرک پیشرفت و توسعه پایدار در جامعه به شمار می‌آید؛ اگر پژوهشی نشود، دانش بشری افزایش نخواهد یافت و دچار سکون و رکود خواهد شد.

یک پژوهشگر موفق، محاسنی کنجکاو و خوشگفانه به پدیده‌های اطراف خود دارد؛ او نسبت به آنچه در اطرافش می‌گذرد حساس است و ذهنی پویا و پرسشگر دارد، ذهن پرسشگر او به‌واره در جست یافتن پاسخ‌های تازه برای پرسش‌های موجود است. هم‌چنین، او برای انجام موفقیت آمیز پژوهش خود، باید نظر قرار دادن آموزه‌های اسلامی قرآنی از روش‌های علمی و پذیرفته شده استفاده می‌کند.

اسداله جعفری

ریاست کل دادگستری استان اصفهان

فهرست مقاله‌ها

عنوان	صفحه
آسیب شناسی عدم استقلال مالی و نظام بودجه‌ریزی عملیاتی دستگاه قضایی در احیاء و تضمین حقوق عامه.....	۹
علی اکبر آصفی سمیرمی	
ناصر نعنائی زواره	
محمد رضا مهری	
حقوق عامه در بستر صیانت از منابع طبیعی، اراضی ملی و پیشگیری از تغییر کاربری اراضی کشاورزی با نگرش بر ارائه راهکارهای کاربردی.....	۴۴
سعید اشکرز	
حق بر آموزش و اشتغال معلولان در آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.....	۵۷
محمد رضا زاده نجف	
استقلال و بی طرفی قضات در حقوق بین الملل موضوعه.....	۷۴
محمد ستایش پور	
راضیه سیفی پور	
امنیت اجتماعی در پرتو پاسداشت حقوق عامه از سوی دادستان.....	۹۱
مصطفی عابدزاده	
حقوق زندانیان در وضعیت شیوع بیماری‌های واگیردار.....	۱۰۱
فائزه عسگری	
روح الله اکرمی	
Abstracts.....	۱۱۷

آسیب شناسی عدم استقلال مالی و نظام بودجه ریزی عملیاتی دستگاه

قضایای در احیاء و تضمین حقوق عامه

علی اکبر آصفی سمیرمی^۱

ناصر نعنائی زواره^۲

محمدرضا مهری^۳

چکیده

جهت آسیب شناسی نظام قضائی در احیا و تضمین حقوق عامه اقدام به نگارش این مقاله به روش توصیفی-پیمایشی نموده و ابزار گردآوری اطلاعات آن روش کتابخانه‌ای و میدانی با پرسشنامه‌ای به روش دلفی می‌باشد. در این تحقیق از روایی محتوایی (صوری) در خصوص تدوین سؤالات پرسشنامه و از روش روایی سازه در جهت بررسی روابط کلی بین عامل‌ها با یکدیگر و روایی همگرا و واگرا استفاده گردید و برای سنجش پایایی ابزار تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای میزان استقلال مالی قوه قضائیه ۰/۹۸۲، میزان پذیرش ۰/۹۹۵، میزان توانایی ۰/۹۹۵ و میزان فرایند ۰/۹۹۲ محاسبه گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون t تک نمونه‌ای و در جهت رتبه‌بندی عوامل بودجه‌ریزی عملیاتی، از آزمون فریدمن با نرم افزار SPSS استفاده گردید. در جهت آزمون ساختار کلی مدل مفهومی پژوهش از آزمون معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار PLS استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داد که استقلال مالی قوه قضائیه در حال حاضر وجود ندارد ولی در خصوص اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی در حال حاضر اجرای آن ممکن است. همچنین از بین عوامل تعیین شده و مؤلفه‌های انتخابی شامل ۱- پذیرش (قانونی- سیاسی- اجتماعی) ۲- توانایی (منابع انسانی- مالی- فنی و عملیاتی) ۳- فرایندی (انگیزش- زمان- عملکردی)، عامل پذیرش برای استقلال مالی قوه قضائیه با رویکرد بودجه‌ریزی عملیاتی در قوه قضائیه وجود ندارد ولی عامل توانایی و فرایندی در جهت اجرای این موضوع وجود دارد.

کلید واژه‌ها: آسیب‌شناسی، بودجه‌ریزی عملیاتی، حقوق عامه، منابع مالی، نظام قضائی.

aliakbarasafi3186@gmail.com

Nanaei.245@gmail.com

reza_mehri_68@yahoo.com

۱. منشی شعبه ۱۰۱ کیفری دادگستری اردستان.

۲. رئیس اداره اداری و مالی دادگستری شهرستان اردستان.

۳. مدیر سیستم دادگستری شهرستان اردستان.

مقدمه

به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت اصل استقلال دستگاه قضائی و اهمیت بودجه و استقلال مالی در تحقق این مهم در نظام حقوقی کنونی، لوازم قانونی و عملی تأمین استقلال مالی لازم برای این قوه مغفول واقع شده است که با توجه به عوامل تضمین تحقق اهداف و اجرای وظایف قوه مزبور، اقدام عملی در خصوص سوق به سوی استقلال مالی دور از انتظار نخواهد بود. ضمن آنکه هر ساختار و سازمانی به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر و تأمین کارآمدی، نیازمند اصلاح و ترمیم پیوسته بر اساس مقتضیات روز اداری، اقتصادی، اجتماعی و مانند این‌هاست و با توجه به نقش بودجه در سازمان‌ها و ادارات، اصلاح نظام بودجه‌ریزی امری مهم بوده و لذا علاوه بر استقلال مالی مطلوب که مؤثر و حیاتی خواهد بود استفاده از یک سیستم بودجه‌ریزی مناسب در جهت نیل به اهداف آن نیز لازم و ضروری خواهد بود. نکته شایان توجه در این خصوص الزام قانونی مندرج در ماده ۱۴۴ قانون برنامه چهارم توسعه می‌باشد.

۱- اهمیت پژوهش

وظایفی که قوه قضائیه بر عهده دارد وظایف اصلی حاکمیت است که هرگز نمی‌تواند مسئولیت انجام آن‌ها را از خود سلب کند حتی کمبود منابع مالی و کاستی در آن‌ها نمی‌تواند توجیه مناسبی برای عدم ارائه خدمات قضائی باشد. از این رو تأمین منابع مالی باید به نحوی باشد که قوه قضائیه به نحو کارآمد و اثر بخش به وظایف خود عمل کند نه اینکه صرفاً حداقل‌ها را در اختیار داشته باشد. به همین خاطر باید گفت تأمین مالی مناسب برای عملکرد شایسته دستگاه قضائی امری حیاتی است. در واقع قوه قضائیه کارآمد، قوه‌ای است که به اندازه کافی منابع در اختیار داشته باشد تا بتواند اهداف خود را به نحو مؤثری پیگیری کند. قوه قضائیه باید به نحوی تأمین مالی شود که پرونده‌ها توسط قضات و کارمندان در یک بازه زمانی متعارف و استاندارد و منطبق با معیارهای پذیرفته شده حجم کار رسیدگی شوند و در راستای افزایش دسترسی مردم به محاکم جهت حل و فصل اختلاف خود و حمایت از شهروندان در خصوص حقوق فردیشان گام بردارد و با تکیه بر خلاقیت، آموزش و پیشرفت‌های فنی بهتر بتواند به نیازهای شهروندان و کارآفرین‌ها پاسخ دهد، به گونه‌ای مقتدر باشد که بتواند حاکمیت قانون را تنظیم کند و برای توسعه و رشد تجاری و ایجاد یک کشور آباد و توسعه یافته ایفای نقش نماید.

یک نظام حقوقی و سیاسی برای اینکه بتواند به نحو کارآمد به هدف خود برسد، نیازمند

سازگاری و هماهنگی هنجاری و قانونی می باشد تا بتواند منابع را به نحو کارآمد به کارگیرد و از بوجود آمدن اختلال و تراحم جلوگیری کند. بنابراین نمی توان پذیرفت که ارکان اصلی تصمیم گیرنده به صورت ناهمگون و انفرادی اقدام به برنامه ریزی و اجرا کنند و حال آنکه در بسیاری از موارد تصمیم گیرنده و اجرا کننده دو رکن مجزا باشند.

لذا اهداف مربوطه این پژوهش را می توان در موارد ذیل احصا نمود.

- ۱- ارزیابی وضعیت مالی کنونی قوه قضائیه با توجه به نظام مالی و بودجه ای کشور.
- ۲- امکان سنجی استقلال مالی و بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد قوه قضائیه با توجه به ابعاد پذیرش شامل قانونی، سیاسی و اجتماعی.
- ۳- امکان سنجی استقلال مالی و بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد قوه قضائیه با توجه به ابعاد توانایی شامل نیروی انسانی، مالی و فنی و عملیاتی.
- ۴- امکان سنجی استقلال مالی و بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد قوه قضائیه با توجه به ابعاد فرایندی شامل انگیزش، زمانی و عملکرد.
- ۵- اولویت بندی هر یک از عوامل شناسایی شده و میزان تأثیر آن در استقلال مالی و پیاده سازی بودجه ریزی عملکرد.
- ۶- ارائه راهکارهای لازم جهت استقلال مالی قوه قضائیه و بودجه ریزی عملکرد.

۲- مبانی نظری پژوهش

عبارت استقلال مالی تقریباً عنصر کلیدی در دستیابی به استقلال قضایی است. بودجه، عامل اقتصادی بسیار مهمی برای تضمین یک سیستم قضایی کارآمد بوده است. قوه قضائیه به اعتبار اهمیت و جایگاه بسیار مهمی که در اجرای بی طرفانه قوانین و تضمین آن ها دارد باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. افزایش کار دادگاه ها و واحدهایی که خدمات قضائی ارائه می دهند، از یک سو و بودجه ناکافی، سرعت پایین رسیدگی ها و اطاله دادرسی، گران بودن خدمات قضائی و هزینه دادرسی سبب پدید آمدن نارضایتی عمومی شده و امور انباشته شده را بر قوه قضائیه تحمیل می کند لذا اصلاحات، در این خصوص به موارد قابل توجهی نیاز دارد از جمله سیستمی که استقلال مالی را ایجاد کند یعنی تصمیمی که در آن دولت و مجلس نقش محدودی در تصویب و تخصیص بودجه داشته باشند و سیستمی که امکان تصمیم گیری قوه در مورد منابع اختصاص یافته به خود را داشته باشد و در تصمیم گیری های مالی و تهیه بودجه دخالت فعال داشته و رئیس آن به عنوان مقام

مستقل مدیریت قوه نقش پررنگی در محافظت از آن در برابر عوامل بیرونی داشته باشد. بنابراین از آنجا که هدف استقلال قضائی، حفظ استقلال شخص قاضی و رسیدگی عادلانه و بدون تبعیض است، به منظور اجرای کارآمد این وظیفه خطیر، شهروندان باید به توانایی های قوه قضائیه در انجام وظایفش به صورت بی طرفانه و مستقل اعتماد داشته باشند و معتقد باشند که قاضی بدون هر گونه تأثیر از عوامل خارجی می تواند به این امر مهم نائل آید. اصلی ترین مطالبات مردم برقراری عدالت و دستگاه قضائی مقتدر در برابر فساد می باشد. با توجه به استفاده از بودجه عمومی برای تحقق عدالت و اجرای حاکمیت قانون توسط قوه قضائیه این قوه باید در برابر مردم پاسخگو باشد و آن ها را در مورد استفاده از منابع و نتایج بدست آمده با آن منابع آگاه سازد. شفافیت در استفاده از وجوه عمومی برای پیگیری اعتماد عمومی ضروری است. عملکرد مناسب دادگاه ها و اعتماد عمومی، توزیع عقلانی و عادلانه منابع می تواند به اطمینان از برخی ارزش های اساسی کمک کند. ارائه اطلاعات کامل و قابل درک در مورد رویه های دادگاه می تواند فرهنگ حقوقی، دسترسی به عدالت و اعتماد عمومی به دادگستری را ارتقاء ببخشد که این امر پایه قضاوت در جوامع دموکراتیک است.

۳- استقلال واقعی یا استقلال ظاهری

با وجود مشخص بودن جایگاه و وظایف قوه قضائیه در قانون اساسی، ناکارآمدی قوانین موجود باعث شده که رئیس قوه قضائیه با آنکه مسئولیت تمامی امور قضایی و اداری و اجرایی را بر عهده دارد، در نظام بودجه و مالی، اداری و استخدامی این قوه عملاً اختیار لازم را نداشته باشد. بودجه قوه قضائیه و مسائل مربوط به فرایند تصویب و تخصیص آن مؤثرترین ابزار تأثیرگذار قوه مجریه و قوه مقننه بر قوه قضائیه و نقض استقلال آن می باشد. نظام بودجه ریزی قوه قضائیه به واسطه اتصال و ارتباط تنگاتنگ آن با نظام بودجه ریزی عمومی کشور موجب پیامدهایی می گردد. من جمله:

- ۱- کاهش نظارت قوه قضائیه به قوه مجریه.
- ۲- تضعیف حاکمیت قانون و افزایش نقض حریم خصوصی.
- ۳- افزایش فساد و کاهش احترام عمومی به قانون.
- ۴- تخریب عامدانه یا عیب جویی خصمانه.
- ۵- تشکیک در اعتماد عمومی.

- ۶- نارضایتی عمومی و عوام فریبی.
 - ۷- ایجاد تنگناها و مشکلات مالی و محدودیت در برنامه ریزی استراتژیک.
 - ۸- ناکارآمد نمودن مدیریت قوه با ایجاد بحرانهای مالی و بودجهای.
 - ۹- تنش در روابط بین قوه قضائیه با سایر قوا.
 - ۱۰- هجمه و تلاش آگاهانه برای تضعیف قوه قضائیه.
 - ۱۱- کمبود نیرو برای توسعه و اجرای تغییرات لازم.
 - ۱۲- عدم رهبری و عدم وجود ساختارهای تصمیم گیری مالی در دستگاه قضایی.
- از این رو برای برون رفت از شرایط فوق می توان ابعاد مختلفی شامل: ۱- پذیرش ۲- توانایی ۳- فرایندی را مطرح نمود که هر کدام به تنهایی شامل عامل مؤثر در جهت آسیب شناسی نظام کنونی تأمین مالی دستگاه قضایی و احیای حقوق عامه خواهد بود.

۴- فرضیه های پژوهش

۴-۱- فرضیات اصلی

- وضعیت مالی و بودجه ای فعلی قوه قضائیه منطبق بر استقلال مالی و بودجه ای آن است.
- پذیرش لازم برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد.
- توانایی لازم برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد.
- فرایند لازم برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد.

۴-۲- فرضیات فرعی

- ۱- استقلال مالی قوه قضائیه با توجه به رویه حاضر وجود دارد.
- ۲- امکان اجرای بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد.
- ۳- پذیرش قانونی برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد.
- ۴- پذیرش سیاسی برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد.
- ۵- پذیرش اجتماعی برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد.
- ۶- نیروی انسانی توانمند برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد.

- ۷- منابع مالی برای استقلال مالی و اجرای بودجه‌ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد.
- ۸- توان فنی و عملیاتی برای استقلال مالی و اجرای بودجه‌ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد.
- ۹- فرایند انگیزشی برای استقلال مالی و اجرای بودجه‌ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد.
- ۱۰- زمان لازم برای استقلال مالی و اجرای بودجه‌ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد.
- ۱۱- فرایند عملکردی برای استقلال مالی و اجرای بودجه‌ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد.

۵- پیشینه پژوهش

- ۱- آقای طوق، مسلم (۱۳۹۴) طی گزارشی تحت عنوان استقلال مالی قوه قضائیه به طور مختصر به وضعیت بودجه قوه قضائیه در پرتوی قانون اساسی، بررسی حقوق کشورهای دیگر و اسناد بین‌المللی در این زمینه و به مشکلات بودجه‌ریزی در ایران و استقلال مالی قوه قضائیه پرداخته است و در جهت اقدامات عملی نیز پیشنهاداتی نیز مطرح نموده است.
- ۲- تنگستانی، محمد قاسم (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به حدود و لوازم اختیارات رئیس قوه قضائیه در ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری در نظام حقوقی ایران پرداخته و بیان نموده یکی از عناصر استقلال سازمانی قوه قضائیه در نظام حقوقی ایران استقلال اداری است که شامل امور استخدامی و تشکیلاتی قوه قضائیه می‌شود و بنا به بند ۱ اصل ۱۵۸ قانون اساسی از جمله وظایف رئیس قوه قضائیه می‌باشد که متأسفانه دچار محدودیت‌هایی گردیده است و حاکی از آن است که لوازم اعمال صلاحیت مزبور در نظام حقوقی ایران به نحو مناسب پیش‌بینی نگردیده است در صورتی که می‌توان با احکام قانونی مناسب تا حدودی این موضوع را رفع نمود.
- ۳- خادمی، مازیار (۱۳۹۵) به ارزیابی میزان استقلال مالی دستگاه قضا در نظام حقوقی ایران و به مطالعه قواعد نظام‌های تأمین استقلال قضایی در دیگر کشورها و استفاده از ظرفیت اصول و قوانین داخلی آنان پرداخته است. او نیز به این نتیجه رسید هر چند در نظام حقوقی در خصوص استقلال قوه قضائیه تأکیدات فراوان صورت پذیرفته اما اقدام عملی در این خصوص انجام نگرفته است و با مقایسه دستگاه قضایی قبل از انقلاب و پس از آن عنوان می‌نماید استقلال نسبی در حکومت گذشته در خصوص قوه قضائیه (وزارت دادگستری) وجود داشته است.

۴- ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه خود به بررسی و ارائه استراتژی‌های استقرار نظام بودجه‌ریزی عملیاتی در شهرداری اصفهان پرداختند. (تحلیل نقاط SWOT) بدین منظور آن‌ها بر اساس الگوی قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در جهت استقرار و اجرای نظام بودجه-ریزی عملیاتی در شهرداری و شناخت استراتژی‌های مناسب پرداختند. تحلیل فوق در چارچوب مدل الماس و از شش منظر نظام آمار و اطلاعات، برنامه‌ریزی، تحلیل هزینه‌ها، مدیریت عملکرد، مدیریت تغییر و نظام پاداش و پاسخگویی صورت گرفته و در نهایت به استخراج استراتژی‌ها منجر شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد تدوین هدف‌های کمی واقع‌بینانه در لایه میانی به عنوان حلقه ارتباطی برنامه استراتژیک سازمان با برنامه عملیاتی، فراهم‌سازی سیستم یکپارچه اطلاعاتی، استقرار سیستم حسابداری تعهدی و تبیین و اصلاح جایگاه تمامی بخش‌های سازمان به عنوان صاحبان فرایند بودجه‌ریزی ضمن فرهنگ‌سازی لازم، از جمله مهمترین استراتژی‌ها در این حیطة است.

۵- وب و ویتینگتون (۲۰۰۴) اعلام نمود تخصیص بودجه بیشتر به یک بخش به معنای تخصیص بودجه کمتر به بخش‌های دیگر است. وقتی صحبت از قوه قضاییه می‌شود، این موضوع حتی ظریف‌تر است. قوه قضاییه یکی از سه قوه است، باید مستقل باشد، اما بودجه آن در اختیار قوای دیگر (مجریه و مقننه) است. اصل تفکیک قوا برای جلوگیری از تمرکز قدرت در یک شاخه بسیار مهم است، اما کسی که "قدرت کیف پول" را در اختیار داشته باشد دارای "سلاح‌های اضافی" است که می‌تواند در برابر شاخه‌های دیگر استفاده شود. "یک قدرت مؤثر کیف پول، در صورت بروز اختلاف نظر بین آن و سایر شاخه‌های دولت، یک برگ برنده قدرتمند به قانونگذار می‌دهد، موضوعی که به قدری قدرتمند است که می‌تواند استقلال قضایی را تهدید کند.

۶- ویر (۲۰۰۷) تخصیص منابع بر اساس معیارهای شفاف می‌تواند به تضمین استقلال قضایی از سایر شعب دولتی کمک کند. همچنین تخصیص شفاف منابع می‌تواند اعتماد به قوه قضاییه را بهبود بخشد. تخصیص مناسب منابع در مورد حقوق و آموزش قضات می‌تواند صحت و صلاحیت پرسنل دادگاه را تضمین کند. تخصیص منابع با هدف پیگیری عملکرد برابر دادگاه-های مختلف، به تعبیری، برابری شهروندان در برابر قانون بازبینی می‌شود.

۷- فدریکا ویاپیانا (۲۰۱۹) به تشریح مکانیسم‌های بودجه‌بندی در کشورهایی که بودجه‌ای مبتنی

بر عملکرد را اجرا کرده‌اند پرداخته و با مقایسه سه مطالعه موردی با محوریت: ارزیابی نیازهای بودجه، فرایندهای تخصیص بودجه، شاخص‌ها و معیارهای مورد استفاده برای تخصیص بودجه، به دنبال ارتباط بین شاخص‌های عملکرد و بودجه، آزادی رؤسای دادگاه‌ها برای مدیریت منابع، سیاست‌ها و روش‌های تعادل استقلال قضایی و پاسخگویی با تمرکز بر سه مورد مطالعه: فنلاند، فرانسه و هلند است، که روش‌های مختلف بودجه "مبتنی بر عملکرد" را برای دادگستری تجربه کرده بوده است و سپس ویژگی‌های کلی اصلی متداول‌ترین مدل‌های بودجه مبتنی بر عملکرد و نحوه استفاده از این مدل‌ها در دادگستری سه مطالعه موردی انتخاب شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است و به دنبال تجزیه و تحلیل تأثیر روند بودجه‌بندی در مورد عملکرد دادگستری در سه کشور فوق، در مورد سه بعد: کارآیی تخصیصی، توسعه سازمان و ارزش‌ها و سه سطح تجزیه و تحلیل، دادگاه ملی و قاضی منفرد بوده است.

۸- فیلیپ ام. لانگ بروک (۲۰۱۰) به بررسی نظام ساختاری و مالی پیشین دستگاه قضائی هلند پرداخته و ارزیابی خود را در خصوص تغییرات حاصله ناشی از تغییر نظام قضایی نوین بیان نموده است که هدف از تغییر در دادگستری هلند آگاهی بیشتر قضات در دادگاه‌ها به منظور حفظ اعتماد عمومی و احترام سیاسی بوده و همچنین سازماندهی در مقابل تغییرات سریع جامعه که بتواند در برابر فشارهای عمومی مقاومت کند و به حمایت از استقلال قضایی که از ارزش‌های کلیدی این فرایند بوده پرداخته است.

۹- کارولین اکسپلور (۲۰۲۰) به بیان استقلال مالی دادگستری پرداخته و اینکه چرا این استقلال ضروری به نظر می‌رسد. بیان می‌کند چگونه بین استقلال مالی و بودجه‌ای و خود مختاری مالی و خود مختاری بودجه‌ای تفکیک قائل شویم و چگونه بین تخصیص منابع انسانی و منابع مالی رابطه تنگاتنگی وجود دارد و شرایط حال حاضر را بیان نموده است. هدف وی درک بهتر سیستم فرانسه و نحوه مراجعه برخی از بازیگران به استقلال مالی قوه قضائیه فرانسه است. به منظور شرکت در بحث جهانی‌تر در مورد این موضوع که هم محققان را تحریک می‌کند و هم نهادهای بین‌المللی را یکی از چالش‌های این مقاله کمک به تعریف استقلال مالی دادگستری و نشان دادن وجود چندین درجه از آن از طریق مثال فرانسه است.

۶- روش پژوهش

در این پژوهش به دنبال امکان‌سنجی استقلال مالی قوه قضائیه با رویکرد بودجه‌ریزی مبتنی بر

عملکرد می‌باشیم، بنابراین پژوهش حاضر یک تحقیق کاربردی است. همچنین این تحقیق از نظر دسته‌بندی تحقیقات بر حسب نحوه جمع‌آوری داده‌ها، از نوع توصیفی - پیمایشی است. جامعه هدف، قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران است و جامعه آماری تحقیق از ۷۶ نفر از مدیران، رؤساء و کارشناسان خبره و آشنا به مباحث مالی، اداری، حقوقی و افراد مرتبط با قوه قضائیه اعم از وکلاء و کارشناسان و ارباب رجوع بوده و با توجه به محدود بودن تعداد جامعه آماری، کل جامعه آماری به صورت (تمام شماری) مورد سنجش قرار می‌گیرد. پس به منظور دستیابی به نتایج مورد نظر و انجام پژوهش از روش کتابخانه‌ای و روش میدانی استفاده گردید و در جهت شناخت واقعیت‌های بودجه‌ای دستگاه قضایی و بررسی و آنالیز ساختار و فرایند نظام بودجه‌ریزی فعلی و پیامدهای آن بر عملکرد این قوه با مراجعه به بخش‌های متخلف قوه قضائیه در خصوص کسب اطلاعات من جمله لوایح بودجه پیشنهادی، قانون بودجه، اعتبارات تخصیص یافته، منابع انسانی موجود و زیر ساخت‌ها و نیازسنجی‌های آن و عملکرد سالیانه صورت پذیرفت و در ادامه از پرسشنامه در جهت سنجش فرضیات استفاده گردید.

پرسشنامه‌ای با استفاده از روش دلفی شامل سؤالاتی در ارتباط با فرضیه‌های مطروحه در تحقیق برای سنجش متغیرهای پژوهش در ۳۸ سؤال طیف لیکرت پنج گزینه‌ای طراحی شده و به صورت خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد جهت کسب نظرات کارشناسان و متخصصان و مرتبطین قوه قضائیه طی دو مرحله توزیع گردید (به دلیل سنجش نظرات) تا با ابعاد شناسایی شده توسط محقق کامل‌تر و دقیق‌تر شوند به هرکدام از این مقیاس‌ها امتیازی از ۱ تا ۵ داده می‌شود و سپس برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و ضریب کندال با کمک نرم افزار SPSS و معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS استفاده گردید.

جدول ۱- ترکیب سؤالات پرسشنامه

فرضیه	شماره فرضیه	متغیر مورد بررسی	شماره سؤالات مربوط در پرسشنامه	مجموع
اصلی ۱	فرعی ۱		۲، ۱	۲
	فرعی ۲		۴، ۳	۲
اصلی ۲	فرعی ۳	پذیرش قانونی	۹، ۸، ۷، ۶، ۵	۵
	فرعی ۴	پذیرش سیاسی	۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰	۴
	فرعی ۵	پذیرش اجتماعی	۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴	۴
اصلی ۳	فرعی ۶	توانایی انسانی	۲۰، ۱۹، ۱۸	۳
	فرعی ۷	توانایی مالی	۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱	۴
	فرعی ۸	توانایی فنی و عملیاتی	۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵	۴
اصلی ۴	فرعی ۹	فرایند انگیزشی	۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹	۴
	فرعی ۱۰	فرایند زمانی	۳۵، ۳۴، ۳۳	۳
	فرعی ۱۱	فرایند عملکردی	۳۸، ۳۷، ۳۶	۳

۷- یافته های پژوهش

۷-۱- جمعیت شناختی

جمعیت شناختی شامل سن، جنسیت، وضعیت استخدامی، سابقه کار، سابقه مدیریت، تحصیلات، فرایند تنظیم بودجه، آشنایی با بودجه ریزی عملیاتی و آشنایی با سند تحول قضایی به شرح ذیل بوده است:

۱- ۷۱ نفر (۱۰،۴۵ درصد) از افراد نمونه بین ۲۱ تا ۳۰ سال، ۳۴ نفر (۵۰،۷۵ درصد) ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۹ نفر (۲۸،۳۶ درصد) ۴۱ تا ۵۰ سال و ۷ نفر (۱۰،۴۴ درصد) بالای ۵۰ سال سن داشتند.

۲- ۴۴ نفر (۶۵،۶۷ درصد) از پاسخ دهندگان مرد و ۲۳ نفر (۳۴،۴۳ درصد) زن هستند.

۳- ۴۶ نفر (۶۸،۶۶ درصد) از پاسخ دهندگان رسمی و ۱۱ نفر (۱۶،۴۲ درصد) پیمانی هستند و ۱۰ نفر (۱۴،۹۲ درصد) دارای شغل آزاد هستند.

۴- ۹ نفر (۱۳،۴۳ درصد) از پاسخ دهندگان بین ۱ تا ۵ سال، ۱۳ نفر (۱۹،۴۰ درصد) ۶ تا ۱۰ سال،

- ۳۱ نفر (۴۶,۲۶ درصد) بین ۱۱ تا ۲۰ سال و ۱۴ نفر (۲۰,۹۱ درصد) بیش از ۲۰ سال سابقه کار داشتند.
- ۵- ۳۷ نفر (۵۵,۳۳ درصد) از پاسخ دهندگان دارای سابقه مدیریت و ۳۰ نفر (۴۴,۷۷ درصد) فاقد سابقه مدیریت.
- ۶- ۳ نفر (۴,۴۹ درصد) کاردانی، ۳۳ نفر (۴۹,۲۵ درصد) کارشناسی و ۳۱ نفر (۴۶,۲۶ درصد) کارشناسی ارشد یا بالاتر بودند.
- ۷- ۹ نفر (۱۳,۷ درصد) از افراد نمونه فاقد آشنایی، ۱۵ نفر (۲۲,۳۹ درصد) آشنایی کم، ۲۴ نفر (۳۵,۸۲ درصد) آشنایی متوسط، ۱۵ نفر (۲۲,۳۹ درصد) آشنایی زیاد و ۴ نفر (۵,۷ درصد) آشنایی خیلی زیاد با تنظیم بودجه داشتند.
- ۸- ۱۶ نفر (۲۳,۹۵ درصد) از افراد نمونه فاقد آشنایی، ۱۶ نفر (۲۳,۹۵ درصد) آشنایی کم، ۲۵ نفر (۳۷,۴۲ درصد) آشنایی متوسط، ۶ نفر (۸,۹۸ درصد) آشنایی زیاد و ۴ نفر (۵,۷ درصد) آشنایی خیلی زیاد با بودجه ریزی عملیاتی داشتند.
- ۹- ۱۴ نفر (۲۰,۹۰ درصد) از افراد نمونه فاقد آشنایی، ۱۱ نفر (۱۶,۴۲ درصد) آشنایی کم، ۲۱ نفر (۳۱,۳۴ درصد) آشنایی متوسط، ۱۶ نفر (۲۳,۸۸ درصد) آشنایی زیاد و ۵ نفر (۷,۴۶ درصد) آشنایی خیلی زیادی با سند تحول قضایی داشتند.
- ۱۰- ۶۷ نفر (۸۸,۱۵٪) از افراد به پرسشنامه ها پاسخ داده و ۹ نفر (۱۱,۸۵٪) به پرسشنامه ها پاسخ نداده اند.
- ۱۱- ۶ نفر (۸,۹۵٪) در بخش حقوقی، ۱۰ نفر (۱۴,۹۲٪) در بخش مالی و پشتیبانی، ۷ نفر (۱۰,۴۵٪) در بخش راهبردی و فناوری، ۸ نفر (۱۱,۹۴٪) در بخش منابع انسانی، ۱۹ نفر (۲۸,۳۶٪) در بخش اداری و قضایی، ۷ نفر (۱۰,۴۵٪) در بخش مسئولین سیاسی و ۱۰ نفر (بخش مرتبطین به قوه قضائیه: اعضای شورای حل اختلاف، وکلاء، کارشناسان و ارباب رجوع) ۱۴,۹۲٪ می باشد.

۷-۲- تحلیل استنباطی داده های تحقیق

در این تحقیق از روایی محتوایی (صوری) در خصوص تدوین سؤالات و گزینه ای پرسشنامه و از روش روایی سازه در جهت بررسی روابط کلی بین عامل ها با یکدیگر و روایی همگرا و واگرا استفاده گردید و برای سنجش پایایی ابزار تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که مقدار

آلفای کرونباخ بدست آمده برای میزان استقلال مالی قوه قضائیه ۰/۹۸۲ و میزان پذیرش ۰/۹۹۵ و میزان توانایی ۰/۹۹۵، میزان فرایند ۰/۹۹۲ محاسبه گردید از این رو ابزار اندازه گیری در این پژوهش پایاست.

جدول ۲- نتایج مقادیر بارهای عاملی متغیرهای مشاهده پذیر

گویه ها	بار عاملی	انحراف استاندارد	t آماره	P Values
استقلال مالی $Q1 \leq$	۰.۹۸۷	۰.۰۰۳	۳۰۹.۴۹۶	۰.۰۰۰
استقلال مالی $Q2 \leq$	۰.۹۸۲	۰.۰۰۴	۲۱۹.۸۲۰	۰.۰۰۰
استقلال مالی $Q3 \leq$	۰.۹۶۹	۰.۰۰۶	۱۴۹.۹۱۴	۰.۰۰۰
استقلال مالی $Q4 \leq$	۰.۹۵۶	۰.۰۰۸	۱۱۲.۷۹۲	۰.۰۰۰
پذیرش $Q5 \leq$	۰.۸۹۹	۰.۰۹۴	۹.۵۹۰	۰.۰۰۰
پذیرش $Q6 \leq$	۰.۹۰۳	۰.۰۹۴	۹.۵۹۲	۰.۰۰۰
پذیرش $Q7 \leq$	۰.۹۰۳	۰.۰۹۴	۹.۵۸۸	۰.۰۰۰
پذیرش $Q8 \leq$	۰.۹۰۳	۰.۰۹۴	۹.۵۹۲	۰.۰۰۰
پذیرش $Q9 \leq$	۰.۹۰۰	۰.۰۹۴	۹.۶۰۳	۰.۰۰۰
پذیرش $Q10 \leq$	۰.۹۳۴	۰.۰۶۷	۱۳.۸۶۲	۰.۰۰۰
پذیرش $Q11 \leq$	۰.۹۴۶	۰.۰۶۵	۱۴.۴۵۴	۰.۰۰۰
پذیرش $Q12 \leq$	۰.۹۱۴	۰.۰۷۱	۱۲.۹۳۵	۰.۰۰۰
پذیرش $Q13 \leq$	۰.۹۲۱	۰.۰۷۰	۱۳.۲۱۷	۰.۰۰۰
پذیرش $Q14 \leq$	۰.۸۸۱	۰.۰۴۳	۲۰.۴۹۳	۰.۰۰۰
پذیرش $Q15 \leq$	۰.۸۵۹	۰.۰۵۳	۱۶.۲۵۵	۰.۰۰۰
پذیرش $Q16 \leq$	۰.۸۸۴	۰.۰۴۹	۱۷.۹۲۳	۰.۰۰۰
پذیرش $Q17 \leq$	۰.۸۷۴	۰.۰۴۶	۱۹.۰۴۰	۰.۰۰۰
توانایی $Q18 \leq$	۰.۹۵۹	۰.۰۲۸	۳۳.۸۲۰	۰.۰۰۰
توانایی $Q19 \leq$	۰.۹۲۹	۰.۰۳۸	۲۴.۵۶۱	۰.۰۰۰
توانایی $Q20 \leq$	۰.۹۵۳	۰.۰۳۰	۳۱.۷۵۹	۰.۰۰۰

گوپه‌ها	بار عاملی	انحراف استاندارد	t آماره	P Values
توانایی $Q_{21} \leq$	۰.۹۴۷	۰.۰۲۸	۳۳.۷۵۱	۰.۰۰۰
توانایی $Q_{22} \leq$	۰.۹۵۱	۰.۰۲۴	۴۰.۱۵۲	۰.۰۰۰
توانایی $Q_{23} \leq$	۰.۹۲۲	۰.۰۳۶	۲۵.۹۰۹	۰.۰۰۰
توانایی $Q_{24} \leq$	۰.۸۸۱	۰.۰۵۱	۱۷.۳۶۴	۰.۰۰۰
توانایی $Q_{25} \leq$	۰.۹۲۸	۰.۰۷۹	۱۱.۷۹۵	۰.۰۰۰
توانایی $Q_{26} \leq$	۰.۹۲۸	۰.۰۷۹	۱۱.۷۹۳	۰.۰۰۰
توانایی $Q_{27} \leq$	۰.۹۲۸	۰.۰۷۹	۱۱.۷۹۳	۰.۰۰۰
توانایی $Q_{28} \leq$	۰.۹۲۸	۰.۰۷۹	۱۱.۷۹۵	۰.۰۰۰
فرایند $Q_{29} \leq$	۰.۹۰۸	۰.۰۲۵	۳۵.۸۵۶	۰.۰۰۰
فرایند $Q_{30} \leq$	۰.۹۳۹	۰.۰۱۴	۶۹.۵۷۸	۰.۰۰۰
فرایند $Q_{31} \leq$	۰.۹۶۸	۰.۰۰۹	۱۰۹.۳۱۱	۰.۰۰۰
فرایند $Q_{32} \leq$	۰.۹۷۹	۰.۰۰۹	۱۱۲.۰۸۶	۰.۰۰۰
فرایند $Q_{33} \leq$	۰.۹۷۲	۰.۰۰۶	۱۷۲.۵۲۸	۰.۰۰۰
فرایند $Q_{34} \leq$	۰.۹۷۷	۰.۰۰۵	۱۹۸.۷۳۴	۰.۰۰۰
فرایند $Q_{35} \leq$	۰.۹۳۹	۰.۰۱۴	۶۷.۷۲۸	۰.۰۰۰
فرایند $Q_{36} \leq$	۰.۵۸۸	۰.۰۹۹	۵.۹۱۳	۰.۰۰۰
فرایند $Q_{37} \leq$	۰.۵۸۹	۰.۱۰۰	۵.۹۱۶	۰.۰۰۰
فرایند $Q_{38} \leq$	۰.۵۸۸	۰.۰۹۹	۵.۹۱۳	۰.۰۰۰

همانطور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، مقادیر بار عاملی تمام گویه‌ها بیشتر از ۰,۴ است و بنابراین مدل اندازه‌گیری، مدلی همگن است و مقادیر بار عاملی، مقادیر قابل قبولی هستند. نتایج بررسی معناداری مقادیر آماره t در جدول ۲ نشان داد که مقادیر آماره t برای همه گویه‌ها بیشتر از ۲,۵۸ گزارش شد. این بدان معناست که ارتباط بین گویه‌ها با متغیر مکنون مربوط به خود در سطح اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته می‌شود. ضریب تعیین میزان تبیین واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. از مشکلات ضریب تعیین این است که میزان موفقیت

مدل را بیش از اندازه برآورد می کند و کمتر تعداد متغیرهای مستقل و حجم نمونه را در نظر می گیرد، از این رو بعضی از محققان ترجیح می دهند از شاخص دیگری تحت عنوان ضریب تعیین تعدیل شده استفاده کنند (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۴۶). نتایج ضرایب تعیین در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۳- ضریب تعیین

ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	
۰.۰۸۴	۰.۰۹۶	توانایی
۰.۱۴۲	۰.۱۵۳	فرایند
۰.۰۷۲	۰.۰۸۵	پذیرش

ضریب تعیین تعدیل شده بیان می کند که ۱۲ درصد از تغییرات توانایی، ۱۱ درصد از تغییرات فرایند و ۱۳ درصد از تغییرات پذیرش تحت تأثیر متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش است و مابقی عواملی هستند که در مدل در نظر گرفته نشده است.

۳-۷- برازش کلی مدل معادلات ساختاری

مدل هایی که بارویکرد واریانس محور از طریق نرم افزارهای واریانس محور مانند Smart PLS مورد بررسی قرار می گیرند فاقد شاخصی کلی برای نگاه به مدل به صورت یکجا هستند. یعنی شاخصی برای سنجش کل مدل شبیه به رویکرد کواریانس محور وجود ندارد. اما در تحقیقات مختلف در این حوزه پیشنهاد شد که از شاخصی به نام GOF توسط تنهاوس و همکاران (۲۰۰۵) پیشنهاد شد که می توان به جای شاخص های برازشی که در رویکردهای کواریانس محور وجود دارد، استفاده نمود. این شاخص هر دو مدل ساختاری و اندازه گیری را به صورت یکجا در نظر گرفته و کیفیت آن ها را مورد آزمون قرار می دهد. این شاخص به صورت میانگین R^2 و میانگین مقادیر اشتراکی به صورت دستی محاسبه می شود.

$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2}$$

این شاخص مجذور ضرب دو مقدار متوسط مقادیر اشتراکی و ضریب تعیین است. از آنجا که این مقدار به دو شاخص مذکور وابسته است، حدود این شاخص بین صفر و یک بوده و سه مقدار ۰، ۰،۱ و ۰،۲۵ و ۰،۳۶ را به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نمودند.

جدول ۴- نتایج برازش مدل کلی

GOF	مقادیر χ^2 اشتراکی	مقادیر اشتراکی	ضریب χ^2 تعیین	ضریب تعیین	
۰,۲۸۳	۰,۲۹۰		۰,۹۸۱	۰.۹۴۷	استقلال مالی
		۰.۰۹۶		۰.۹۹۰	توانایی
		۰.۱۵۳		۰.۹۸۵	فرایند
		۰.۰۸۵		۰.۹۸۹	پذیرش
۰,۰۷۲	ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده (SRMR)				

با توجه به مقدار بدست آمده برای GOF به میزان ۰,۲۸۳ بوده که نزدیک به مقدار پیشنهادی وتزلس و همکاران (۲۰۰۹) یعنی ۰,۲۵ که متوسط بودن مدل را نشان می‌دهد، می‌باشد و بنابراین برازش مناسب مدل کلی تأیید می‌شود. مقدار مطلوب برای شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده حداکثر ۰,۰۸ است. نتایج بدست آمده از این شاخص نشان داد که مقدار آن برابر با ۰,۰۷۲ گزارش شد که مقداری مطلوب است و بنابراین برازش مناسب مدل کلی تأیید می‌شود.

۷-۴- نتایج آزمون فرضیات

۷-۴-۱- نتایج آزمون فرضیه اصلی اول و زیر فرضیه‌های فرعی مربوط به آن

جدول ۵- نتایج آزمون t تک نمونه‌ای فرضیه اصلی ۱

Sig	df	t	اختلاف زوجی				متغیر	
			فاصله اطمینان		اختلاف میانگین	میانگین نظری		میانگین تجربی
			حد بالا	حد پایین				
.۰۰۰	۷۵	-۳.۷۲۲	-۰.۲۵۳۸	-۰.۸۳۸۳	-۰.۵۴۶۰۵	۳	۲.۴۵۳۹	وضعیت مالی

جدول ۶- نتایج آزمون t تک نمونه ای زیر فرضیه های اصلی ۱

Sig	df	t	اختلاف زوجی				متغیر
			فاصله اطمینان		اختلاف میانگین	میانگین نظری	میانگین تجربی
			حد بالا	حد پایین			
.۰۰۰	۷۵	-۳.۷۲۲	-۰.۲۵۳۸	-۰.۸۳۸۳	-۰.۵۴۶۰۵	۳	۲.۴۵۳۹
.۰۰۰	۷۵	۳.۸۵	۱.۱۹۹۵	۱.۵۴۰۶	.۵۴۰۶	۳	۳.۵۴۰۶

در بررسی فرضیه اصلی اول پژوهش تحت عنوان "وضعیت مالی و بودجه ای فعلی قوه قضائیه منطبق بر استقلال مالی و بودجه ای آن است" نتایج آزمون t تک نمونه ای در جدول ۵ نشان داد که از نظر افراد نمونه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه وضعیت مالی و بودجه ای فعلی قوه قضائیه منطبق بر استقلال بودجه ای آن است رد، و فرضیه صفر پژوهش تأیید می شود.

در بررسی فرضیه فرعی اول پژوهش تحت عنوان "استقلال مالی قوه قضائیه با توجه به رویه حاضر وجود دارد" نتایج آزمون t تک نمونه ای در جدول ۶ نشان داد که از نظر افراد نمونه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه استقلال مالی قوه قضائیه با توجه به رویه حاضر وجود دارد رد و فرضیه صفر پژوهش تأیید می شود.

در بررسی فرضیه فرعی دوم پژوهش تحت عنوان "امکان اجرای بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد" نتایج آزمون t تک نمونه ای در جدول ۶ نشان داد که از نظر افراد نمونه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه امکان اجرای بودجه ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد تأیید و فرضیه صفر پژوهش رد می شود.

۷-۴-۲- نتایج آزمون فرضیه اصلی دوم و زیر فرضیه‌های فرعی مربوط به آن

جدول ۷- نتایج آزمون t تک نمونه‌ای فرضیه اصلی ۲

فرضیه	ضریب مسیر	t آماره	نتیجه
استقلال مالی $\leq$ پذیرش	-۰.۲۹۱	۴.۶۶۹	۰.۰۰۰

جدول ۸- نتایج آزمون t تک نمونه‌ای زیر فرضیه‌های اصلی ۲

فرضیه	ضریب مسیر	t آماره	p-value	نتیجه
استقلال مالی $\leq$ پذیرش قانونی	-۰.۲۸۰	۴.۰۱۸	۰.۰۰۰	رد
استقلال مالی $\leq$ پذیرش سیاسی	-۰.۲۹۰	۴.۲۹۵	۰.۰۰۰	رد
استقلال مالی $\leq$ پذیرش اجتماعی	۰.۳۴۸	۴.۷۷۳	۰.۰۰۰	تأیید

در بررسی فرضیه اصلی دوم پژوهش تحت عنوان "پذیرش لازم برای استقلال مالی و اجرای بودجه‌ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد" نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در جدول ۷ نشان داد که از نظر افراد نمونه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه پذیرش لازم برای استقلال مالی و اجرای بودجه‌ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد، رد و فرضیه صفر پژوهش تأیید می‌شود. در بررسی فرضیه فرعی اول پژوهش تحت عنوان "پذیرش قانونی برای استقلال مالی و اجرای بودجه‌ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد." نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در جدول ۸ نشان داد که از نظر افراد نمونه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه پذیرش قانونی برای استقلال مالی و اجرای بودجه‌ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد، رد و فرضیه صفر پژوهش تأیید می‌شود. در بررسی فرضیه فرعی دوم پژوهش تحت عنوان "پذیرش سیاسی برای استقلال مالی و اجرای بودجه‌ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد." نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در جدول ۸ نشان داد که از نظر افراد نمونه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه پذیرش سیاسی برای استقلال مالی و اجرای بودجه‌ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد، رد و فرضیه صفر پژوهش تأیید می‌شود. در بررسی فرضیه فرعی سوم پژوهش تحت عنوان "پذیرش اجتماعی برای استقلال مالی و اجرای بودجه‌ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد." نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در جدول ۸ نشان

داد که از نظر افراد نمونه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه پذیرش اجتماعی برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد، تأیید و فرضیه صفر پژوهش رد می شود.

۷-۴-۳- نتایج آزمون فرضیه اصلی سوم و زیر فرضیه های فرعی مربوط به آن

جدول ۹- نتایج آزمون t تک نمونه ای فرضیه اصلی ۳

فرضیه		ضریب مسیر	آماره t	نتیجه
استقلال مالی $\leq$ توانایی		۳۱۰۰	۶۷۸.۴	۰۰۰.۰

جدول ۱۰- نتایج آزمون t تک نمونه ای زیر فرضیه های اصلی ۳

فرضیه	ضریب مسیر	t آماره	p-value	نتیجه
استقلال مالی $\leq$ توانایی نیروی انسانی	۰.۳۱۱	۴.۴۸۳	۰.۰۰۰	تأیید
استقلال مالی $\leq$ توانایی مالی	۰.۳۵۱	۴.۷۵۷	۰.۰۰۰	تأیید
استقلال مالی $\leq$ توانایی فنی	۰.۳۰۷	۴.۲۰۳	۰.۰۰۰	تأیید

در بررسی فرضیه اصلی سوم پژوهش تحت عنوان "توانایی لازم برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد" نتایج آزمون t تک نمونه ای در جدول ۹ نشان داد که از نظر افراد نمونه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه توانایی لازم برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملیاتی در قوه قضائیه وجود دارد، تأیید و فرضیه صفر پژوهش رد می شود.

در بررسی فرضیه فرعی اول پژوهش تحت عنوان "نیروی انسانی توانمند برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد." نتایج آزمون t تک نمونه ای در جدول ۱۰ نشان داد که از نظر افراد نمونه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه نیروی انسانی توانمند برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد، تأیید و فرضیه صفر پژوهش رد می شود.

در بررسی فرضیه فرعی دوم پژوهش تحت عنوان "منابع مالی برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد." نتایج آزمون t تک نمونه ای در جدول ۱۰ نشان داد که از نظر افراد نمونه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه منابع مالی برای استقلال مالی و اجرای

بودجه ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد، تأیید و فرضیه صفر پژوهش رد می شود. در بررسی فرضیه فرعی سوم پژوهش تحت عنوان "توان فنی و عملیاتی برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد." نتایج آزمون t تک نمونه ای در جدول ۱۰ نشان داد که از نظر افراد نمونه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه توان فنی و عملیاتی برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد، تأیید و فرضیه صفر پژوهش رد می شود.

۷-۴-۴- نتایج آزمون فرضیه اصلی چهارم و زیر فرضیه های فرعی مربوط به آن

جدول ۱۱- نتایج آزمون t تک نمونه ای فرضیه اصلی ۴

فرضیه	ضریب مسیر	t آماره	نتیجه
استقلال مالی $\leq$ فرایند	۰.۳۹۱	۵.۰۹۶	۰.۰۰۰

جدول ۱۲- نتایج آزمون t تک نمونه ای زیر فرضیه های اصلی ۴

فرضیه	ضریب مسیر	t آماره	p-value	نتیجه
استقلال مالی $\leq$ فرایند انگیزشی	۰.۳۰۷	۴.۲۰۲	۰.۰۰۰	تأیید
استقلال مالی $\leq$ فرایند زمانی	۰.۴۱۱	۵.۰۰۱	۰.۰۰۰	تأیید
استقلال مالی $\leq$ فرایند عملکردی	-۰.۳۹۷	۴.۹۶۷	۰.۰۰۰	رد

در بررسی فرضیه اصلی چهارم پژوهش تحت عنوان "فرایند لازم برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد نتایج آزمون t تک نمونه ای در جدول ۱۱ نشان داد که از نظر افراد نمونه فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه فرایند لازم برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد برای قوه قضائیه وجود دارد، تأیید و فرضیه صفر پژوهش رد می شود. در بررسی فرضیه فرعی اول پژوهش تحت عنوان فرایند انگیزشی برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد." نتایج آزمون t تک نمونه ای در جدول ۱۲ نشان داد که از نظر افراد نمونه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه فرایند انگیزشی برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد، تأیید و فرضیه صفر پژوهش رد می شود. در بررسی فرضیه فرعی دوم پژوهش تحت عنوان "فرایند زمانی برای استقلال مالی و اجرای

بودجه ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد. نتایج آزمون t تک نمونه ای در جدول ۱۲ نشان داد که از نظر افراد نمونه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه فرایند زمانی برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد، تأیید و فرضیه صفر پژوهش رد می شود.

بررسی فرضیه فرعی سوم پژوهش تحت عنوان فرایند عملکردی برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد. نتایج آزمون t تک نمونه ای در جدول ۱۲ نشان داد که از نظر افراد نمونه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه فرایند انگیزش برای استقلال مالی و اجرای بودجه ریزی عملکرد در قوه قضائیه وجود دارد، رد و فرضیه صفر پژوهش تأیید می شود.

جدول ۱۳- نتایج آزمون رتبه بندی فریدمن

ابعاد	میانگین رتبه	رتبه	مجذور کای	df	Sig
پذیرش	۱.۸۳	۳	۵۲.۲۰۷	۲	.۰۰۰
توانایی	۲.۱۱	۲			
فرایندی	۲.۳۶	۱			

برای رتبه بندی عوامل بودجه ریزی عملیاتی، از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که این عوامل در سطح اطمینان ۹۹٪ تفاوت معناداری دارند. مقایسه میانگین رتبه ها نشان داد که فرایندی با میانگین ۲,۳۶ در رتبه اول، توانایی با میانگین ۲,۱۱ رتبه دوم و پذیرش با میانگین ۱,۸۳ رتبه سوم را کسب کردند.

۷-۴-۵- نتایج حضور میدانی: اطلاعات بودجه‌ای

جدول ۱۴- تغییرات بودجه ای دولت طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸

(مبالغ دج شده به میلیون ریال می باشد)

ردیف	سال	لایحه بودجه	قانون بودجه	میزان درصد افزایش یا کاهش لایحه بودجه نسبت به قانون بودجه	میزان درصد افزایش یا کاهش قانون بودجه دولت نسبت به سال گذشته
۱	۱۳۹۱	۱,۶۴۱,۱۴۶,۲۳۶	۱,۶۴۴,۱۷۷,۰۶۱	۰/۱۸	۰
۲	۱۳۹۲	۱,۸۴۸,۶۹۰,۹۴۵	۲,۳۶۰,۴۸۵,۵۰۷	۲۱,۶۸	۳۰,۳۴
۳	۱۳۹۳	۲,۱۸۷,۹۹۸,۵۸۲	۲,۳۵۰,۰۸۴,۶۴۱	۶,۸۹	- /۰.۴۴
۴	۱۳۹۴	۲,۶۷۳,۵۷۷,۲۸۶	۲,۷۴۴,۱۰۱,۶۰۹	۲,۵۷	۱۴,۳۵
۵	۱۳۹۵	۲,۹۷۹,۳۰۵,۹۴۷	۳,۳۵۴,۸۹۵,۱۴۵	۱۱,۱۹	۱۸,۲۰
۶	۱۳۹۶	۳,۷۱۱,۲۳۶,۹۴۱	۳,۹۸۸,۵۳۱,۳۳۵	۶,۹۵	۱۵,۸۸
۷	۱۳۹۷	۴,۲۴۹,۱۱۰,۸۹۱	۴,۴۳۸,۶۰۴,۶۶۸	۴,۲۶	۱۰,۱۳
۸	۱۳۹۸	۴,۷۸۶,۲۶۳,۸۲۸	۵,۲۰۰,۰۸۳,۶۵۲	۷,۹۵	۱۴,۶۴

۷-۴-۶- نتایج تغییرات بودجه‌ای کل کشور در جدول ۱۴

- قانون بودجه سال ۱۳۹۱ نسبت به لایحه دولت افزایش ۰/۱۸ درصدی داشته است.
- قانون بودجه ۱۳۹۲ نسبت به لایحه دولت رشدی ۲۱,۶۸٪ و نسبت به قانون بودجه سال گذشته رشدی ۳۰,۳۴٪ را نشان می‌دهد.
- قانون بودجه ۱۳۹۳ نسبت به لایحه دولت رشدی معادل ۶,۸۹٪ و نسبت به قانون بودجه سال گذشته کاهش ۰/۴۴٪ را داشته است.
- قانون بودجه ۱۳۹۴ نسبت به لایحه دولت رشدی ۲,۵۷٪ و نسبت به قانون بودجه سال گذشته رشدی ۱۴,۳۵٪ داشته است.
- قانون بودجه ۱۳۹۵ نسبت به لایحه دولت رشدی ۱۱,۱۹٪ و نسبت به قانون بودجه سال گذشته ۱۸,۲۰٪ را نشان می‌دهد.

- قانون بودجه سال ۱۳۹۶ نسبت به لایحه دولت رشدی معادل ۶,۹۵٪ و نسبت به سال گذشته معادل ۱۵,۸۸٪ را نشان می دهد.

- قانون بودجه ۱۳۹۷ نسبت به لایحه دولت رشدی معدل ۴,۲۶٪ و نسبت به قانون سال گذشته رشدی معادل ۱۰,۱۳٪ را نشان می دهد.

- قانون بودجه ۱۳۹۸ نسبت به لایحه دولت رشدی معادل ۷,۹۵٪ و نسبت به قانون سال گذشته رشدی معادل ۱۴,۶۴٪ را نشان می دهد.

جدول ۱۵- تغییرات بودجه ای قوه قضائیه طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸

(مبالغ درج شده به میلیون ریال می باشد.)

ردیف	سال	لایحه بودجه فصل قضایی	قانون بودجه فصل قضایی	میزان افزایش یا کاهش فصل قضایی نسبت به لایحه بودجه	میزان افزایش یا کاهش بودجه فصل قضایی نسبت به سال گذشته
۱	۱۳۹۱	۲۶,۰۲۸,۸۷۵	۲۸,۲۳۸,۸۷۵	۷,۸	۰
۲	۱۳۹۲	۲۶,۳۶۹,۵۱۱	۲۹,۵۸۲,۷۴۳	۱۰,۸۶	۴,۵۴
۳	۱۳۹۳	۳۰,۶۴۷,۲۵۹	۳۰,۷۳۹,۹۸۴	۰,۳۰	۳,۷۶
۴	۱۳۹۴	۳۷,۰۳۳,۷۱۸	۳۷,۱۱۳,۷۱۸	۰,۲۱	۱۷,۱۷
۵	۱۳۹۵	۴۹,۳۵۶,۱۵۱	۵۲,۶۰۶,۱۵۱	۶,۱۷	۲۹,۴۴
۶	۱۳۹۶	۶۱,۰۱۶,۷۴۸	۶۱,۰۱۶,۷۴۸	۰	۱۳,۷۸
۷	۱۳۹۷	۸۶,۹۲۲,۸۸۴	۱۰۲,۰۸۳,۴۵۷	۱۴,۸۵	۴۰,۲۲
۸	۱۳۹۸	۱۱۶,۲۵۶,۶۶۹	۱۲۹,۶۴۹,۷۵۲	۱۰,۳۳	۲۱,۲۶

۷-۴-۷- نتایج تغییرات بودجه ای کل کشور در جدول ۱۵

- قانون بودجه سال ۱۳۹۱ نسبت به لایحه دولت افزایش ۷,۸٪ درصدی داشته است.

- قانون بودجه ۱۳۹۲ نسبت به لایحه دولت رشدی ۱۰,۸۶٪ و نسبت به قانون بودجه سال گذشته رشدی ۴,۵۴٪ را نشان می دهد.

- قانون بودجه سال ۱۳۹۳ نسبت به لایحه دولت رشدی ۰,۳۰٪ و نسبت به قانون بودجه سال

گذشته کاهشی ۳,۷۶٪ را داشته است.

- قانون بودجه ۱۳۹۴ نسبت به لایحه دولت رشدی معادل ۲۱٪ و نسبت به قانون بودجه سال گذشته رشدی ۱۷,۱۷٪ را داشته است.

- قانون بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به لایحه دولت رشدی ۶,۱۷٪ و نسبت به قانون بودجه سال گذشته ۲۹,۴۴٪ را نشان می دهد.

- قانون بودجه سال ۱۳۹۶ نسبت به لایحه دولت تغییری نداشته و نسبت به سال گذشته رشدی معادل ۱۳,۷۸٪ را نشان می دهد.

- قانون بودجه سال ۱۳۹۷ نسبت به لایحه دولت رشدی ۱۴,۸۵٪ و نسبت به قانون سال گذشته رشدی ۴۰,۲۲٪ را داشته است.

- قانون بودجه سال ۱۳۹۸ نسبت به لایحه دولت رشدی ۱۰,۳۳٪ و نسبت به قانون سال گذشته رشدی ۲۱,۲۶٪ را نشان می دهد.

جدول ۱۶- میزان اعتبارات جذب شده توسط قوه قضائیه طی سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸

(مبالغ درج شده به میلیون ریال می باشد)

ردیف	سال	قانون بودجه	اعتبارات تخصیص یافته	درصد اعتبار جذب شده به قوه قضائیه
۱	۱۳۹۱	۲۸,۲۳۸,۸۷۵	۰	۰
۲	۱۳۹۲	۲۹,۵۸۲,۷۴۳	۲۲,۴۱۱,۲۰۱	۷۵,۸٪
۳	۱۳۹۳	۳۰,۷۳۹,۹۸۴	۲۶,۰۵۷,۷۶۰	۸۴,۸٪
۴	۱۳۹۴	۳۷,۱۱۳,۷۱۸	۳۲,۲۶۲,۳۷۸	۸۶,۹٪
۵	۱۳۹۵	۵۲,۶۰۶,۱۵۱	۵۹,۵۱۵,۲۱۴	۱۱۳,۱۳٪
۶	۱۳۹۶	۶۱,۰۱۶,۷۴۸	۶۸,۷۷۲,۱۴۴	۱۱۲,۷٪
۷	۱۳۹۷	۱۰۲,۰۸۳,۴۵۷	۸۴,۷۵۰,۵۲۵	۸۳٪
۸	۱۳۹۸	۱۲۹,۶۴۹,۷۵۲	۱۰۳,۱۳۵,۴۰۴	۷۹,۵۴٪

۷-۴-۸- نتایج تغییرات بودجه ای کل کشور در جدول ۱۶

میزان اعتبار جذب شده توسط قوه قضائیه در سال ۱۳۹۲ معادل ۷۵,۸٪ ، در سال ۱۳۹۳ معادل ۸۴,۸٪ ،

در سال ۱۳۹۴ معادل ۸۶,۹٪، در سال ۱۳۹۵ معادل ۱۱۳,۱۳٪، در سال ۱۳۹۶ معادل ۱۱۲,۷٪، در سال ۱۳۹۷ معادل ۸۳٪ و در سال ۱۳۹۸ معادل ۷۹,۵۴٪ قانون بودجه بوده است.

جدول ۱۷- درصد افزایش و کاهش نیروی اداری و قضایی دادگستری طی سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸

ردیف	سال	کارکنان اداری/قضایی	درصد افزایش/کاهش نسبت به سال گذشته	درصد افزایش طبق برنامه پنجم و ششم توسعه ای کشور ^۱	تعداد کسری نیروی کار	درصد افزایش/کاهش طبق قانون
۱	۱۳۹۰	۳۹,۳۰۷	-	-		-
۲	۱۳۹۱	۴۶,۰۳۰	۱۴,۶۰	۴۶,۳۰۷	۲۷۷	-۰,۶۰٪
۳	۱۳۹۲	۴۶,۵۰۵	۱	۵۰,۳۰۷	۳,۸۰۲	-۷,۵۵
۴	۱۳۹۳	۴۷,۹۸۲	۳,۷	۵۴,۳۰۷	۶,۳۲۵	-۱۱,۶۴
۵	۱۳۹۴	۵۱,۲۸۷	۶,۴	۵۹,۳۰۷	۸,۰۲۰	-۱۳,۵۲
۶	۱۳۹۵	۵۲,۷۱۴	۲,۷	۶۳,۳۰۷	۱۰,۵۹۳	-۱۶,۷۳
۷	۱۳۹۶	۵۳,۰۲۲	۰,۵۸٪	۶۷,۳۰۷	۱۴,۲۸۵	-۲۱,۲۲
۸	۱۳۹۷	۵۱,۳۶۶	-۳,۲۲	۷۱,۳۰۷	۱۹,۹۴۱	-۲۷,۹۶
۹	۱۳۹۸	۵۵,۴۶۶	۷,۳۹	۷۵,۳۰۷	۱۹,۸۴۱	-۲۶,۳۴

۷-۴-۹- نتایج جذب نیروی کار اداری و قضایی طبق جدول ۱۸

- با توجه افزایش ۱۴,۶۰٪ نیروی کار در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال گذشته ولی نسبت به قانون مصوب کسری داشته است.

- با توجه به افزایش ۱ درصدی نیروی کار در سال ۱۳۹۲ ولی نسبت به قانون مصوب کسری

۱. طبق تبصره بند ب ماده ۲۱۱ برنامه پنجم توسعه ای کشور قوه قضائیه تعداد ۸۰۰ قاضی و ۱۰٪ پست مصوب اداری جهت تکمیل پست بلا تصدی باید نیرو استخدام نماید و طبق بند ث ماده ۱۱۳ قانون برنامه ششم توسعه تعداد ۸۰۰ نفر قاضی و ۳,۲۰۰ نفر کادر اداری استخدام نماید.

معادل ۷,۵۵٪ را داشته است.

- با توجه به افزایش ۳,۷ درصدی نیروی کار در سال ۱۳۹۳ ولی نسبت به قانون مصوب کسری معادل ۱۱,۶۴٪ را داشته است.

- با توجه به افزایش ۶,۴٪ درصدی نیروی کار در سال ۱۳۹۴ ولی نسبت به قانون مصوب کسری معادل ۱۳,۵۲٪ را داشته است.

- با توجه به افزایش ۲,۷٪ درصدی نیروی کار در سال ۱۳۹۵ ولی نسبت به قانون مصوب کسری معادل ۱۶,۷۳٪ را داشته است.

- با توجه به افزایش ۵,۸٪ درصدی نیروی کار در سال ۱۳۹۶ ولی نسبت به قانون مصوب کسری معادل ۲۱,۲۲٪ را داشته است.

- با توجه به کاهش ۳,۲۲٪ درصدی نیروی کار در سال ۱۳۹۷ ولی نسبت به قانون مصوب کسری معادل ۲۷,۹۶٪ را داشته است.

- با توجه به افزایش ۷,۳۹٪ درصدی نیروی کار در سال ۱۳۹۸ ولی نسبت به قانون مصوب کسری ۲۶,۳۴٪ را نشان می دهد.

ردیف	سال	پرونده های وارده (حقوقی/کیفری)	تغییر نسبت به سال گذشته	پرونده های خروجی (حقوقی/ کیفری)	تغییر نسبت به سال گذشته	پرونده های مانده	تغییر نسبت به سال گذشته
۱	۱۳۹۱	۹,۳۲۳,۷۱۶	۰	۹,۳۱۷,۷۹۲	۰	۲,۵۴۶,۲۰۶	۰
۲	۱۳۹۲	۱۰,۲۸۱,۸۱۱	۹,۳۸	۱۰,۳۴۹,۷۱۵	۹,۹۷	۲,۵۷۹,۶۷۷	۱,۲۹
۳	۱۳۹۳	۱۱,۶۶۷,۱۲۲	۱۱,۸۱	۱۰,۹۰۳,۱۷۸	۵,۷	۲,۵۱۸,۶۱۵	-۲,۴۲
۴	۱۳۹۴	۱۱,۳۱۰,۷۴۲	-۳,۱۵	۱۱,۱۸۷,۷۶۸	۲,۵۴	۲,۶۳۸,۸۶۷	۴,۵۵
۵	۱۳۹۵	۱۲,۵۹۲,۹۶۸	۱۰,۱۸	۱۱,۸۱۸,۰۰۷	۵,۳۵	۲,۵۸۰,۵۴۱	-۲,۲۶
۶	۱۳۹۶	۱۱,۷۶۰,۲۳۷	-۷	۱۲,۴۸۴,۷۵۶	۵,۳۴	۲,۵۹۹,۷۲۳	۰,۷۳
۷	۱۳۹۷	۱۳,۵۶۳,۷۴۵	۱۳,۲۹	۱۳,۳۵۱,۹۷۳	۶,۴۹	۲,۸۹۹,۳۳۹	۱۰,۳۳
۸	۱۳۹۸	۱۳,۹۰۵,۰۷۳	۲,۵۱	۱۴,۰۲۶,۱۳۶	۵,۴	۲,۷۷۶,۲۹۳	-۴,۴۳

جدول ۱۹- درصد افزایش/کاهش در آمار پرونده های محاکم دادگستری

(دادسرا/دادگاه کیفری/حقوقی/تجدیدنظر) طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸

۷-۴-۱۰- نتایج آمار ورودی، خروجی و مانده پرونده‌های قضایی در جدول ۱۹ نشان داده شده است.

- در سال ۱۳۹۲ ورودی پرونده به دستگاه قضایی معادل ۹,۳۸٪ افزایش نسبت به سال گذشته داشته است و با تلاش کارکنان اداری و قضایی پرونده‌های خروجی ۹,۹۷٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است که این امر منجر به کاهش ۱,۲۹٪ در مانده پرونده‌های قضایی گردیده است.

- در سال ۱۳۹۳ ورودی پرونده به دستگاه قضایی معادل ۱۱,۸۱٪ نسبت به سال قبل افزایش داشته است، هرچند با تلاش کارکنان پرونده‌های خروجی ۵,۷٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است اما این امر منجر به افزایش ۲,۴۲٪ در مانده پرونده‌های قضایی گردیده است.

- در سال ۱۳۹۴ ورودی پرونده به دستگاه قضایی ۳,۱۵٪ کاهش نسبت به سال گذشته داشته است و با تلاش کارکنان اداری و قضایی خروجی ۲,۵۴٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است که این امر منجر به کاهش ۴,۵۵٪ در مانده پرونده‌ها گردیده است.

- در سال ۱۳۹۵ ورودی پرونده به دستگاه قضایی ۱۰,۱۸٪ افزایش نسبت به سال گذشته داشته هرچند با تلاش کارکنان اداری و قضایی خروجی ۵,۳۵٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است اما این امر منجر به افزایش ۲,۲۶٪ در مانده پرونده‌ها گردیده است.

- در سال ۱۳۹۶ ورودی پرونده به دستگاه قضایی ۷٪ کاهش نسبت به سال گذشته داشته است و با تلاش کارکنان اداری و قضایی خروجی ۵,۳۴٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است که این امر منجر به کاهش ۷,۳٪ در مانده پرونده‌های قضایی گردیده است.

- در سال ۱۳۹۷ ورودی پرونده به دستگاه قضایی ۱۳,۲۹٪ افزایش نسبت به سال گذشته داشته است و با تلاش کارکنان اداری و قضایی خروجی ۶,۴۹٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است که این امر منجر به کاهش ۱۰,۳۳٪ در مانده پرونده‌ها گردیده است.

- در سال ۱۳۹۸ ورودی پرونده به دستگاه قضایی ۲,۵۱٪ افزایش نسبت به سال گذشته داشته است هرچند با تلاش کارکنان اداری و قضایی خروجی ۵,۴٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشته است اما این امر منجر به افزایش ۴,۴۳٪ در مانده پرونده‌ها گردیده است.

۸- قوه قضائیه پیشرو در دولت الکترونیک

یکی از بخش‌های مهمی که تحت‌الشعاع توسعه فناوری اطلاعات و قابلیت‌های آن قرار گرفته نظام

قضایی است. تشکیلات اداری این قوه در دادگستری بر پایه نظام سنتی استقرار یافته بود که با مشکلاتی از جمله نقصان در ارائه خدمات و وظایف محوله، تراکم تشکیل پرونده، رشد جمعیت و بالا رفتن سطح آگاهی و توقع افراد جامعه، طولانی شدن روند دادرسی (اطاله دادرسی) گم شدن برخی از اوراق پرونده، ناتوانی و ضعف در تهیه گزارش‌های مختلف، کاهش کیفیت ارائه خدمات و بهره‌وری نامطلوب اداره می‌گردید. لذا با گسترش و توسعه فناوری اطلاعات، قوه قضائیه نیز تلاش نمود که از این ظرفیت بهره‌برداری نماید.

از این رو روند به کارگیری فناوری اطلاعات در نظام قضایی را می‌توان در دو بعد بررسی نمود:

(۱) اقدام به مکانیزه نمودن سیستم قضایی یا همان استقرار سیستم مدیریت پرونده قضایی (cms) در زمینه حذف نظام سنتی و مکانیزه نمودن روند دادرسی در دادگستری‌ها.

(۲) راه‌اندازی محاکم الکترونیکی و سامانه‌های پیگیری الکترونیک.

لذا با تصویب دستورالعمل توسعه کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی در مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۳ مسیر راه جهت استفاده از ظرفیت فناوری اطلاعات در قوه قضائیه تعیین گردید. طی سال‌های ابتدایی اجرای پروژه‌های زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات در قوه قضائیه و استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی روندی رو به رشد و توسعه تسریع یافت و موجب اجرای زیرساخت شبکه محلی (LAN) و راه‌اندازی تجهیزات مرتبط در حدود ۱۷۰ واحد و نقطه قضایی و برقراری شبکه گستره (WAN) برای بیش از ۱۴۰ نقطه قضایی در بستر مخابراتی را فراهم آورد. با توجه به اهداف تعیین شده در خصوص سیستم مدیریت پرونده قضایی از قبیل افزایش بهره‌وری و تسریع در فرایند دادرسی از طریق تأثیر بر عوامل ارتقای ضریب اختتام پرونده، کاهش زمان رسیدگی، وقت‌دهی، کاهش زمان دسترسی به اطلاعات پرونده، بهبود کیفیت ارائه خدمات و کاهش خطا و بالا رفتن نظم و انضباط کاری، لذا با استخدام نیروی کار جوان و مستعد و همراهی و همکاری از یک سو و الزامات و ضمانت‌های اجرایی از سوی دیگر و تجربه و دستاوردهای حاصل از اجرا و پشتیبانی در حدود ۱۵ سال گذشته موجب ضریب پوشش ۹۸٪ کارمندان اداری و قضایی در تجهیزات رایانه‌ای و استفاده از سامانه (CMS) گردیده و با اتصال تعداد ۱۳,۰۰۰ واحد و نقطه قضایی در سراسر کشور به سامانه مزبور می‌توان عنوان نمود توانایی فنی و عملیاتی قوه قضائیه تا حد قابل قبولی ایجاد و فراهم گردیده

است.

با توجه به استقرار سامانه فوق بانک اطلاعاتی وسیع و جامع در حوزه های مختلف من جمله مدیریت و برنامه ریزی، اطلاعات و فناوری، فرهنگی و اجتماعی، مالی و بودجه ای، حقوقی و قضایی ایجاد گردیده است و موجبات اخذ اطلاعات به روز از تمام لایه های مدیریتی و بخشی در جهت استفاده در مقاصد مختلف را فراهم آورده است.

نتایج حاصل از بهره برداری از سامانه های فوق نشان داد ماهانه ۱,۰۰۰,۰۰۰ فقره نوبت الکترونیکی توسط مراجعین اخذ گردیده است که از یک سو باعث افزایش رضایت مندی مراجعین در خصوص نحوه پاسخ گویی مسئولین و بهبود روند کار آنان و از سوی دیگر فرصت پاسخگویی مناسب توسط کارکنان اداری و قضایی فراهم گردیده است. همچنین با راه اندازی دفاتر خدمات الکترونیکی و سامانه خدمات الکترونیکی و عدم نیاز به مراجعه فیزیکی ارباب رجوع به واحدهای قضایی و انجام اقدامات از شهر محل سکونت و یا محل کار خود باعث کاهش ۳,۰۰۰,۰۰۰ نفر مراجعه حضوری به دستگاه قضایی گردیده است. وجود ۵,۰۰۰ اتاق دادرسی الکترونیکی و تشکیل ۴۰۰,۰۰۰ جلسه با مراکز زندان ها باعث کاهش ۷۰٪ در اعزام زندانیان به مراکز قضایی و کاهش حجم زیادی از از مأموریت های بخش قضایی و انتظامی گردیده است و تشکیل ۶۰,۰۰۰ جلسه رسیدگی آنلاین با اصحاب پرونده نتایج این بخش است.

به طور متوسط ماهانه ۳,۵۰۰,۰۰۰ فقره ابلاغیه، احضاریه و اجرائیه و شکوائیه از سوی واحدهای قضایی جهت اصحاب پرونده تنظیم و ارسال می گردد که بهای تمام شده هر برگ ابلاغیه جهت ارسال به مخاطبین به مبلغ ۱۵۰,۰۰۰ ریال برآورد گردیده است. با راه اندازی سامانه ابلاغ الکترونیکی نتایجی همچون صرفه جویی در حدود ۵۲۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بابت هزینه چاپ اوراق و دستمزد نیروی کار و استهلاک به صورت ماهانه و کاهش ۱۱,۶۶۷ نفر ساعت نیروی کار و کاهش ۱۰٪ زمان رسیدگی به پرونده های قضایی گردیده است. در این راستا اقدامات صورت گرفته از سوی قوه قضائیه قابل تحسین بوده و بی شک به واسطه مدیریت مجموعه مدیران و کارکنان کارآمد صورت گرفته است. در این میان اما موضوع حائز اهمیت، تداوم کار برای تکمیل قوه قضائیه ای هوشمند در زمان معقول بوده که بدون پشتوانه مالی مطمئن و برنامه ریزی مستمر و کارآمد امکان پذیر نخواهد بود.

نتیجه گیری

استقلال مالی قوه قضائیه با مسئله استقلال قضایی ارتباط تنگاتنگی دارد. منابع کافی برای اطمینان از استقلال قضایی از نهادهای دولتی و احزاب خصوصی ضروری است. به طوری که قوه قضائیه بتواند وظایف خود را با استقلال، صداقت و کارایی انجام دهد. وظیفه هر کشوری است که منابع کافی را فراهم کند تا قوه قضائیه بتواند وظایف خود را به درستی انجام دهد. تنظیم بودجه یکی از ظریف ترین موضوعاتی است که دولت باید با آن کنار بیاید. منابع به دلیل محدودیت محدود می شود، اولویت بندی تخصیص آن ها باعث ایجاد رقابت در بین ادارات مختلف دولتی می شود. تخصیص بودجه بیشتر به یک بخش به معنای تخصیص بودجه کمتر به بخش های دیگر است. وقتی صحبت از قوه قضائیه می شود این موضوع حتی ظریف تر است. یکی از سه قوه دولت است که باید مستقل باشد اما بودجه آن در اختیار قوای دیگر دولت (قوه مجریه - قوه مقننه) است.

اصل تفکیک قوا برای جلوگیری از تمرکز قدرت در یک شاخه بسیار مهم است اما کسی که "قدرت کیف پول" را در اختیار داشته باشد، دارای سلاح های "اضافی" است که می تواند در برابر شاخه های دیگر استفاده شود. "یک قدرت مؤثر کیف پول"، در صورت بروز اختلاف نظر بین آن ها و سایر شاخه های دولت، یک برگ برنده قدرتمند به قانونگذار و مجری می دهد. موضوعی که به قدری قدرتمند است که می تواند استقلال قضایی را تهدید کند و در صورتی که قوه قضائیه از نزدیک در تنظیم این معیارها مشارکت داشته باشد، سازوکار تأمین مالی مبتنی بر معیارهای شفاف لازم است. از این رو برای اطمینان از وجود پی شرط یک سیستم قضایی کارآمد منابع (پرسنل، حقوق، ساختمان، امکانات، هزینه های عملیاتی، فناوری های نوین و ارتباطات و غیره) که در اختیار قوه قضائیه داده می شود. متناسب با پرونده های قضایی درجهت یک دادرسی عادلانه و انتظار مشروع شهروندان از احقاق حقوق خود یک زمان معقول و تصمیمات سریع و مؤثر در امور کیفری و حقوقی مطابقت داشته باشد و از سوی دیگر با توجه به تغییر و تحولات در نظام بودجه ریزی، یعنی تغییر از روش سنتی به روش عملیاتی و تأکید قانونگذار:

(۱) برنامه چهارم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در مواد ۴۸، ۸۸، ۱۳۸، ۱۴۴ قانون اساسی.

(۲) در قانون برنامه بودجه و تبصره های آن.

(۳) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت.

الزامات قانونی بودجه ریزی عملیاتی در ایران در خصوص اجرای بودجه ریزی عملیاتی از یک

سو و نقش این نوع بودجه ریزی در شفاف سازی عملکرد از سوی دیگر، در سال های اخیر، توجه فزاینده به اجرای بودجه ریزی عملیاتی شده است. این امر در حالی است که سنجش استفاده از اطلاعات عملکرد، پیامدهایی برای مقامات انتخابی و انتسابی دارد. برخی از صاحب نظران تأکید می کنند که سیاستمداران اغلب در برابر استفاده از اطلاعات عملکرد در تصمیم های تخصیصی مقاومت می کنند. چراکه این نوع اطلاعات، آسیب پذیری آنها در برابر مردم را افزایش می دهد و این امر به ویژه در رابطه با برنامه های طولانی مدتی مشهود است که ممکن است در کوتاه مدت پیامدهای خوبی در بر نداشته باشد.

در صورتی که فرایند تأمین مالی (فرایند بودجه ریزی و اجرا و همچنین مدیریت مالی آنها) با توجه به شرایط خاص و وظایف حاکمیتی و نوع خدمات ارائه شده به مردم در اختیار قوه قضائیه قرار بگیرد می توان امیدوار بود به دور از جریانات سیاسی و با توجه به تفکر حاکم بر مدیریت و بدنه ی این قوه در خصوص شفافیت اطاعات و بهبود عملکرد، کاهش هزینه های زائد و جذب اعتماد عمومی با انجام خدمات قضایی به روز، کارآمد و سریع، استراتژی اساسی ریل گذاری گردد. کما آنکه در جهت عملی نمودن به این مهم با ابلاغ سند تحول قضایی در دی ماه ۱۳۹۹ گام اساسی برداشته شده است. قوه قضائیه می تواند با اتکاء به نظام اطلاعاتی کارآمد و بروز و در اختیار داشتن منابع درآمدی پایدار، نیروی انسانی با دانش و همچنین زیرساخت های فنی و عملیاتی مطلوب که طی ۱۵ سال گذشته فراهم گردیده است ظرفیت سازی وسیع و گسترده در حوزه های مختلف فراهم آورد به نحوی که تأمین کننده مبنایی برای حسابداری، نظارت و گزارش دهی و به طور کلی سنجش عملکرد در قوه قضائیه گردد.

پیشنهادهات

الف- پیشنهادات اجرایی

- ۱- ارسال مستقیم و مستقل بودجه پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی (مرحله تدوین بودجه) که لازمه آن تغییر در قانون اساسی فعلی خواهد بود.
- ۲- درج بودجه پیشنهادی قوه قضائیه در لایحه بودجه بدون اعمال تغییر توسل قوه مجریه (هم اکنون بودجه شورای نگهبان بدون تغییرات توسط دولت به مجلس ارسال می گردد).
- ۳- محدود نمودن اختیارات قوه مجریه در خصوص تغییر در بودجه پیشنهادی قوه قضائیه با تصویب قانون جدید و یا اصلاح قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱.

- ۴- تعیین درصدی ثابت از بودجه عمومی دولت بدون حق تغییر در مقدار آن توسط قوه مجریه و قوه مقننه (استفاده از ظرفیت تفاسیر شورای نگهبان).
- ۵- باید یک سیستم اطلاعاتی هماهنگ و یکپارچه با سایر سیستم‌های اطلاعاتی سازمان تهیه گردد تا مبنای مناسبی برای حسابداری، نظارت و گزارش‌دهی باشد.
- ۶- آموزش‌های لازم در رابطه با کسب شناخت و آگاهی کارکنان در رابطه با بودجه‌ریزی عملیاتی و همچنین کسب مهارت‌های لازم برای اجرای موفق بودجه‌ریزی عملیاتی ارائه گردد.
- ۷- تهیه سیستم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مربوط به امور مالی و بودجه‌ریزی عملیاتی و بومی‌سازی نرم افزارهای موجود متناسب با شرایط مربوطه و کشور.
- ۸- استقلال مالی قوه قضائیه در جهت تأمین منابع مالی کافی برای اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی باید در نظر گرفته شود.
- ۹- برای استقرار این نوع بودجه‌ریزی نیازمند احصاء قیمت تمام شده خدمات و محصولات هستیم که این کار نیاز به اصلاح رویه حسابداری نقدی به تعهدی می‌باشد.
- ۱۰- در قوانین مالی و بودجه‌ای دولتی، آزادی عمل لازم برای سازمان‌ها در زمینه درخواست بودجه و هزینه کردن به صلاحدید خود پیش‌بینی گردد.
- ۱۱- قوانین و رویه‌های اداری موجود باید به فراخور نیازمندی‌های بودجه عملیاتی اصلاح گردد.
- ۱۲- بررسی مجدد قوانین و مقررات مالی و محاسباتی و سایر قوانین مربوطه توسط مجلس شورای اسلامی و سایر دستگاه‌های مربوطه به منظور تسهیل شرایط برای استقرار نظام بودجه‌ریزی عملیاتی و تدوین قوانینی که حمایت‌کننده مدیران بوده شرایط را برای این منظور تسهیل نماید.
- ۱۳- نظام حقوق و مزایای مناسب باید وجود داشته باشد تا انگیزه لازم برای استقرار این مهم حاصل شود.

ب- پیشنهادات تحقیق

- ۱- در صورتی که استقلال مالی و بودجه‌ای قوه قضائیه محقق گردید اختیارات کافی و استقلال نسبی به رؤسای دادگستری کل استان‌ها و همچنین دادگستری‌های شهرستان و بخش اعطا گردد تا نیاز سنجی‌های مالی و استخدامی هر ناحیه توسط رئیس دادگستری، دادستان و رئیس اداری و مالی تحت عنوان شورای دادگستری همگام با برنامه جامع قوه قضائیه بررسی و اتخاذ

تصمیم گردد در این صورت بسته به ازدیاد پرونده اقدام به استخدام قاضی و کارمند به صورت پاره وقت و تمام وقت، سپس علت افزایش و یا کاهش جرائم نیز به صورت دقیق علت‌یابی گردد. در این خصوص با تعیین بهای تمام شده هر پرونده در تعداد پرونده مطرح شده در سال گذشته به عنوان تنخواه در اختیار شورا قرار بگیرد. در صورت کاهش پرونده نسبت به سال گذشته اقدام به تشویق و پاداش کارمندان اداری و قضایی و در صورت ازدیاد ابتدا ریشه‌یابی و پیشگیری و سپس اقدام فوری در خصوص جلوگیری از اطاله دادرسی و افزایش پرونده و نهایتاً مجازات‌های اداری در خصوص خاطیان صورت پذیرد.

۲- یافته‌های این قبیل تحقیقات می‌تواند نقش مؤثری در شناخت نقاط قوت و ضعف در استقلال مالی قوه قضائیه ارائه نماید و در صورتیکه محققین بعدی بر اساس نوع تولیدات علمی مورد بررسی قرار دهند نتایج دقیق‌تر و کاربردی‌تری حاصل خواهد شد.

۳- پیشنهاد می‌گردد با توجه به اینکه کشورهای دیگر در زمینه اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی پیشرو بوده‌اند تحقیقی مقایسه‌ای بین سیستم حسابداری و بودجه‌ریزی سازمان‌های ایران و دیگر کشورها صورت گیرد، به عبارت دیگر در موضوع مورد بررسی مطالعات تطبیقی در کشورهای دیگر انجام شود.

۴- پیشنهاد می‌گردد که بررسی شود چرا با وجود این که در قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه، تأکید بر اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی شده است، هنوز سازمان‌ها اقدام عملی در راستای اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی انجام نداده‌اند.

منابع

الف) فارسی

- ۱) آرامش، رسول (۱۳۸۰). «آسیب شناسی حقوقی: استقلال قضایی و دستگاه قضایی»، ماهنامه وکالت، شماره ۹، صص ۱۴-۱۸.
- ۲) آقای طوق، مسلم (۱۳۹۶). استقلال مالی قوه قضائیه، چاپ اول، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- ۳) اداره کل فرهنگ و روابط عمومی (۱۳۶۴). مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی، جلد سوم، تهران: تبلیغات و انتشارات.
- ۴) اداره کل فرهنگ و روابط عمومی (۱۳۶۹). مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی، جلد اول، تهران: تبلیغات و انتشارات.
- ۵) اسدیان، احمد (۱۳۸۸). اصل تفکیک قوا و تأثیر آن در مقررات گذاری، رساله دکتری حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۶) امامی، محمد (۱۳۸۹). حقوق مالیه عمومی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- ۷) بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸.
- ۸) براتی‌نیا، محمود (۱۳۸۱). «بررسی چالش‌ها و راهکارهای اساسی برای وصول به توسعه قضایی در قوه قضائیه ایران»، مجله دادرسی، شماره ۳۱، صص ۸-۱۲.
- ۹) بررسی وضعیت بودجه قوه قضائیه در پرتوی اصول قانون اساسی (۱۳۹۲). گزارش پژوهشی پژوهشگاه قوه قضائیه.
- ۱۰) بخشنامه یکنواخت‌سازی در اخذ هزینه دادرسی ۱۳۹۶.
- ۱۱) پروین، فرهاد (۱۳۸۲). «اهداف و وظایف قوه قضائیه در قانون اساسی»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۴۳ و ۴۴، صص ۱۱۲-۱۲۹.
- ۱۲) دستورالعمل پیگیری اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۶.
- ۱۳) راهبرد و اهداف برنامه پنج ساله قوه قضائیه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) ۱۳۹۰.
- ۱۴) رسواد کوهی‌فر، سام (۱۳۸۴). «نگاهی تطبیقی به قوه قضائیه و حقوق شهروندی»، مجله دادرسی، شماره ۵۰، صص ۳۴-۴۱.

- ۱۵) ساغر یغمایی، ابوالفضل (۱۳۲۴). استقلال قضایی، پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه تهران.
- ۱۶) سیاست های کلی نظام درباره امنیت قضایی ابلاغی مقام معظم رهبری ۱۳۸۵.
- ۱۷) سیاست های کلی قضایی ابلاغی مقام معظم رهبری مصوب ۱۳۸۸.
- ۱۸) شم آبادی، قاسم (۱۳۹۰). اصل حاکمیت قانون و تأثیر آن بر قوه قضائیه، پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- ۱۹) صاحب، احسان اله (۱۳۹۳). تحولات ساختاری نظام قضایی ایران در ده سال اول تأسیس جمهوری اسلامی، قبل از بازنگری قانون اساسی، معاونت حقوقی و امور مجلس.
- ۲۰) طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۶). حقوق اداری، چاپ سیزدهم، تهران: نشر سمت.
- ۲۱) غمامی، مهدی (۱۳۹۰). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۲) قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۶). حقوق اساسی و نهاد های سیاسی، چاپ سیزدهم، تهران: نشر میزان.
- ۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸.
- ۲۴) کرمی کتکی، فائزه (۱۳۹۳). استقلال اداری - استخدامی قوه قضائیه، پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲۵) گزارش عملکرد ۱۰ ساله قوه قضائیه (۱۳۸۷ - ۱۳۹۷)، انتشار ۱۳۹۸.
- ۲۶) گزارش وزیر دادگستری به سران سه قوه و مقامات جمهوری اسلامی ایران، عملکرد سال ۱۳۹۵، انتشار ۱۳۹۶.
- ۲۷) هاشمی، محمد (۱۳۹۲). حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- ۲۸) هادی راجی، سید محمد (۱۳۹۰). بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور، بودجه قوه قضائیه، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- ۲۹) هادی راجی، سید محمد (۱۳۹۱). بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور، بودجه قوه قضائیه، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- ۳۰) یزدی، محمد (۱۳۶۴). «قوه قضائیه در قانون اساسی»، نور علم، دوره دوم، شماره ۱۳، صص

۵۵-۴۰

ب) لاتین

- 1) Brashear, Lydia (2006). "Judicial Independence, Often Cited, Rarely Understood" *Journal of Contemporary Legal Issues*, Vol. 15, pp. 129-161.
- 2) Funding the Judiciary: How Budgeting System Shapes Justice. A Comparative Analysis of three Case Studies. February 2019. By Federica Viapiana.
- 3) Financial independence of the judiciary in France. January, 2020 'first_name': 'Caroline', 'last_name': 'Expert-Foulquier'.
- 4) Good Budgeting, Better Justice: Modern Budget Practices for the Judicial Sector. Dec 2018. David Webber
- 5) Ibrahim, Anwar. (2009). "The Rule of Law and Judicial Independence", 14th September, 2009. Available
- 6) Justice-Canada www.justice.gc.ca/inc. Stationery Office.
- 7) Maseru. (2007). "Financial independence of the courts", southern african judges commission, SAJC.
- 8) Organization Development of the Dutch Judiciary, between Accountability and Judicial Independence. April 2010. By Philip M. Langbroek
- 9) Paper presented at the Judiciary Independence Conference in Sub-Saharan Africa: ، june (2008). Towards an Independent and Effective Judiciary in Africa. Imperial Resort Beach Hotel, Entebbe, Uganda
- 10) Pieterse. (2004). "Coming to Terms with Judicial Enforcement of Socio-Economic Rights", *South African Journal of Human Rights*, Vol 36.
- 11) Wittrup, J., (2010). Budgeting in the Era of Judicial Independence. *International Journal for Court Administration*, 2(2), pp.31-38. DOI.
- 12) Wolfgang, Brandstetter. (2012), "the austrian judicial system", The Republic of Austria Federal Ministry Of Justice.

حقوق عامه در بستر صیانت از منابع طبیعی، اراضی ملی و پیشگیری از تغییر کاربری اراضی کشاورزی با نگرش بر ارائه راهکارهای کاربردی

سعید اشکرز^۱

چکیده

در حال حاضر با توجه به نیاز اقشار مختلف جامعه به زمین و مسکن از یک سو و از سوی دیگر به جهت سیاست‌های اقتصادی ناهمگون دولت در تأمین مسکن اقشار مختلف جامعه، هم اکنون زمین و مسکن از یک کالای مصرفی، تبدیل به یک کالای سرمایه‌ای شده است به نحوی که بسیاری از افرادی که قصد افزایش سرمایه خود را دارند، اقدام به سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌نمایند و برای اینکه بتوانند سود بیشتری کسب کنند، به دنبال راهکارهایی هستند که با کمترین هزینه و بدون دریافت مجوزات قانونی لازم از مراجع ذی‌ربط اقدام به ساخت و ساز غیر مجاز در شهرها و حاشیه آن نمایند؛ البته عده‌ای دیگر حتی پا را از این فراتر گذاشته و اقدام به تصرف اراضی ملی، منابع طبیعی، حریم و بستر رودخانه‌ها و غیره نموده و نظر به حجم بالای تخلفات و تصرفات و همچنین عدم اقدام به هنگام در برخورد با چنین تخلفاتی از سوی مراجع ذی‌ربط، در دو دهه اخیر شاهد گسترش پدیده‌هایی همچون زمین‌خواری، کوه‌خواری، رودخانه‌خواری و تغییر گسترده اراضی کشاورزی به باغ و یتلا در نقاط مختلف کشورمان هستیم. اقدامی که امروز نه تنها محیط زیست کشور بلکه به جهت عدم حمایت و عدم ایجاد مشوق‌های مؤثر و کافی برای کشاورزان توسط حاکمیت؛ امنیت غذایی جامعه را تحت تأثیر خویش قرار داده است. بر همین اساس ورود دستگاه قضایی به موضوع دفاع از حقوق عامه در حوزه پیشگیری از تصرفات اراضی ملی و جلوگیری از تغییر کاربری‌های غیرمجاز اراضی کشاورزی به منظور صیانت از محیط زیست و امنیت غذایی مردم امری است ضروری که تنها با اجرای درست و قاطع قوانین و مقررات و برخورد سریع و اثربخش با خاطیان امکان‌پذیر خواهد بود؛ در غیر این صورت در آینده نه چندان دور باید شاهد یک فاجعه زیست محیطی و انسانی بزرگ در کشورمان باشیم. در این مقاله در دو بند، ابتدا به آسیب‌شناسی وضع موجود در حوزه صیانت و حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی پرداخته و پس از آن راهکارهای کاربردی در جهت اصلاح و مهار پیشگیری از تصرفات اراضی ملی و جلوگیری از تغییر کاربری‌های غیرمجاز اراضی کشاورزی به منظور حفظ اراضی ملی و منابع طبیعی ارائه خواهد شد.

کلید واژه‌ها: اراضی ملی، حقوق عامه، دادستان، قانون اساسی، محیط زیست، منابع طبیعی.

مقدمه

قانونگذار در اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پنج وظیفه برای دستگاه قضایی کشور تعیین نموده است که در بند دوم از این اصل، موضوع «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» را ذکر و در بند پنجم به «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» اشاره داشته است. بر این اساس می‌توان گفت نگاه قانونگذار در بندهای یک تا چهار اصل ۱۵۶، نگاه کیفری است و در بند پنجم نگاه غیر کیفری را دنبال نموده است. هر چند در موضوع احیای حقوق عامه، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم در آن مستتر است؛ اما باید به این نکته توجه نمود که اقدامات پیشگیرانه دارای ماهیت‌های مختلف و متعددی است که به نظر می‌رسد ماهیت فرهنگی و اجتماعی آن مورد که ماهیت نوعاً غیر کیفری است مورد نگاه قانونگذار در بند پنجم ۱۵۶ قانون اساسی بوده و در موضوع احیای حقوق عامه باید توجه به پیشگیری‌های وضعی، امنیتی و انتظامی و همچنین پیشگیری‌های قضایی داشت که نوعاً دارای ماهیت کیفری هستند.

نظر به گستردگی مفهوم حقوق عامه که شمول گسترده‌ای دارد و در تمامی زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، دفاعی، اقتصادی و قضایی جاری است، لذا باید به این نکته توجه داشت که احیا در لغت با زنده کردن، آباد کردن زمین، شب را به عبادت گذرانیدن، شب زنده‌داری کردن و زندگی آباد کردن و دایر کردن معنا شده است (معین، ۱۳۸۲، ذیل واژه «احیاء»؛ دهخدا، ۱۳۶۶، ذیل واژه «احیاء»؛ پس آنچه قانونگذار به عنوان احیای حقوق عامه برای دستگاه قضایی مشخص نموده، ریل‌گذاری جهت برپا کردن حقوق عامه با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها به ویژه نقش پررنگ دادستان به عنوان مدعی‌العموم، بوده است.

از جمله مواردی که امروزه به عنوان حقوق عمومی جامعه مورد توجه است صیانت جدی و احیاء دفاع از اراضی ملی، منابع طبیعی، حریم و بستر رودخانه‌ها، جنگل‌ها و ... است که به شدت مورد هجوم متصرفین و قانون‌شکنان قرار گرفته و به جهت عدم نظارت‌های لازم توسط نهادهای متولی امر و همچنین عدم ساز و کارهای لازم در پاسخگویی به برخی از نیازها و مطالبات مردمی، در حال حاضر شاهد تصرف اراضی ملی، منابع طبیعی، حریم و بستر رودخانه‌ها، جنگل‌ها و ... هستیم.

با توجه به مقدمه‌ای که بیان شد در این مقاله به دو حوزه آسیب‌شناسی وضع موجود در حوزه

صیانت و حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی (اعم از جنگل ها، مراتع، حریم و بستر رودخانه ها، کانال ها، دریاچه ها و ...) و ارائه راهکارهای کاربردی جهت اصلاح فرایند فعلی خواهیم پرداخت.

۱- آسیب شناسی وضع موجود در حوزه صیانت و حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی

ابتدا برای روشن شدن موضوع، نگاهی به قوانین و مقررات این حوزه داشته و پس از آن به نحوه اجرا، ضعف ها و خلاءهای قانونی اشاره خواهیم داشت.

۱-۱- نگاهی به قوانین و مقررات در این حوزه

در این قسمت ابتدا اشاره ای به برخی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز نگاهی گذرا به قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع، قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ ها مصوب ۱۳۷۴/۰۳/۳۱، قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶/۰۴/۲۵ خواهیم داشت.

۱-۱-۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصل چهل و پنجم: «انفال و ثروت های عمومی از قبیل زمین های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه ها، رودخانه ها و سایر آب های عمومی، کوه ها، دره ها، جنگل ها، نزارها، بیشه های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می کند».

به جهت اهمیت موضوع حفاظت از محیط زیست، قانونگذار در اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشعار می دارد: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه ی عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است».

حقوق محیط زیست عبارت است از مجموعه ای به هم پیوسته از عوامل و شرایطی که حیات و دوام موجودات زنده به آن وابسته است (سازمان محیط زیست، ۱۳۸۴). بر اساس تعریف فوق حقوق محیط زیست از قواعدی بحث می کند که حاکم بر روابط انسان و عوامل محیط زیست است. بنابراین حقوق محیط زیست رفتارها و افعال انسانی را که می تواند منجر به اثرات سوء یا تخریب و آلودگی محیط زیست و منابع طبیعی گردد، تحت انضباط و کنترل در می آورد.

۱-۲-۱- قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع

مسئولیت اولیه این سازمان انجام اموری چون محافظت از جنگل‌ها، مراتع و اجرای مطالعات آبخیزداری کشور می‌باشد. علاوه بر این، وظیفه برخورد با متخلفان در این حوزه‌ها، مسئولیت احیاء، توسعه و بهینه‌سازی بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور نیز به عهده این سازمان می‌باشد. به موجب ماده ۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع؛ (حفظ، احیاء، اصلاح، توسعه، بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی ملی شده متعلق به دولت، بر عهده سازمان جنگل‌بانی کشور است). از محتوای این ماده چنین بر می‌آید که هرگونه بهره‌برداری از مراتع و جنگل‌های کشور با هر شکل و تحت هر عنوان مشروط به اخذ موافقت از سازمان جنگل‌ها و مراتع می‌باشد (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۴).

۱-۳-۱- قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴/۰۳/۳۱

در ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴/۰۳/۳۱ اعلام شده است: «به منظور حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها و تداوم و بهره‌وری آن‌ها از تاریخ تصویب این قانون تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها در خارج از محدوده قانونی شهرها و شهرک‌ها جز در موارد ضروری ممنوع می‌باشد. قانونگذار در ماده ۱۰ و تبصره‌های ذیل همین ماده نسبت به تغییر کاربری غیرمجاز اراضی کشاورزی، جرم‌انگاری نموده است به نحوی که اشعار می‌دارد: «هرگونه تغییر کاربری در قالب ایجاد بنا، برداشتن یا افزایش شن و ماسه و سایر اقداماتی که بنا به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی تغییر کاربری محسوب می‌گردد، چنانچه به طور غیرمجاز و بدون اخذ مجوز از کمیسیون موضوع تبصره (۱) ماده یک این قانون صورت پذیرد، جرم بوده و مأموران جهاد کشاورزی محل مکلفند نسبت به توقف عملیات اقدام و مراتب را به اداره متبوع جهت انعکاس به مراجع قضایی اعلام نمایند.

۱-۴-۱- قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶/۰۴/۲۵

ماده ۲۱ قانون هوای پاک: «وزارت راه و شهرسازی موظف است هنگام تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها، شهرک‌ها و شهرهای جدید و طرح‌های هادی روستایی یا توسعه این مناطق، به نحوی برنامه‌ریزی کند که فصل جداگانه‌ای از مطالعات طرح به بررسی مسائل زیست محیطی اختصاص یابد و طراحی شهرها و شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی از نظر فضای سبز و فضای

باز، همجواری کاربری ها و رعایت حریم های قانونی، شبکه معابر و حمل و نقل، ضوابط تراکم ساختمانی، متناسب با شرایط اقلیمی، معیارهای زیست محیطی مورد تأیید سازمان و ضوابط، شرایط و استانداردهای پیوست سلامت مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد».

۱-۲- بررسی وضعیت موجود حفظ اراضی ملی و منابع طبیعی و جلوگیری از تغییر کاربری اراضی کشاورزی

طی دو دهه اخیر و به جهت عدم توجه به ساختارهای شهرسازی، توجه نداشتن به طرح های تفصیلی و هادی روستایی، نبود برنامه ریزی مدون در حوزه ساخت و ساز شهری و به ویژه بلند مرتبه سازی در کلان شهرها، عدم پیشگیری از بلند مرتبه سازی در بافت های ویلایی شهرها، نداشتن برنامه ریزی دقیق در تهیه مسکن برای جمعیت هدف، عدم برنامه ریزی در ایجاد مجتمع های ویلایی و ... بخشی از موضوعاتی است که باعث ایجاد وضع موجود یعنی بلند مرتبه سازی بدون ضابطه در هر نقطه از کلان شهرها، از بین بردن نقاط ویلایی شهرها، تصویب نکردن به موقع طرح های تفصیلی، نقش پررنگ تعارض منافع در ایجاد مجتمع های ویلایی، تصویب شتاب زده و بدون برنامه ریزی تصویب مناطق منفصل شهری (نمونه آن ایجاد دو منطقه منفصل شهری قرقی و توس در شهرستان مشهد) و ... شده است.

بر اساس آنچه گفته شد چنانچه بخواهیم با پدیده هایی همچون زمین خواری، کوه خواری، رودخانه خواری، تغییر غیرمجاز اراضی کشاورزی و باغی و ... مبارزه کنیم، باید اول نسبت به اصلاح علل و عواملی که باعث به وجود آمدن چنین شرایطی شده است، اقدام نماییم.

۱-۲-۱- خلاءهای موجود در حوزه مدیریت شهری

در مدیریت شهری باید به گونه ای برنامه ریزی صورت پذیرد که تمامی نیازهای افراد، مورد توجه قرار گیرد. یکی از این موضوعات، ایجاد فضاهای مناسب اقامت شهری است یعنی ایجاد مکان هایی که مورد نظر شهروندان است به عنوان نمونه فردی تمایل به ایجاد یک ملک با موقعیت ویلایی در شهر دارد بدان معنا که تمایل به زندگی در یک منطقه ای که تماماً املاک آن ویلایی است را دارد و به هیچ عنوان اجازه ساخت آپارتمان در آن محدوده داده نمی شود؛ امری که امروز نه تنها در کلان شهرهای ایران، بلکه در شهرهای کوچک زیر ۱۰۰ هزار نفر معنا و مفهومی ندارد.

مدیریت شهری با تراکم فروشی و عدم رعایت ضوابط قانونی و عدم برخورد مناسب با متخلفین، به نحوی باعث ایجاد یک رویه غلط و جرم‌زا شده است و آسان‌ترین راه تأمین مخارج مدیریت شهر را همین امر می‌داند. این رویه باعث شده است شاهد تخلفات گسترده در ساخت و سازهای شهری باشیم و ابزارهایی مانند پلمپ ساختمانی، حکم کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها حتی در موارد صدور حکم قلع بنا (که به جهات مختلف اجرا نمی‌گردد)، جایگاه بازدارندگی خویش را از دست بدهد.

در کلان‌شهرهایی همچون تهران، مشهد و ... شاهد ساخت بدون ضابطه، بلند مرتبه‌سازی هستیم این در حالی است که در شورای عالی راه و شهرسازی ایران، تا کنون هیچگونه ضابطه‌ای برای بلند مرتبه‌سازی تصویب نکرده و در سال ۱۳۹۳ این شورا حداکثر ارتفاع برای بلند مرتبه سازی را ۲۳ متر اعلام نموده در حالی که امروز برج‌هایی با ارتفاع دو یا سه برابری آنچه اعلام شده است بدون هیچ گونه ضابطه در نقاط مختلف شهرها ساخته و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. البته باید به این نکته توجه داشت به جهت عدم ایجاد ضوابط و اجرای دقیق و بدون اغماض قوانین و مقررات موجود در حوزه شهرسازی؛ باید هزینه‌های به مراتب بیشتری در حوزه رفع آسیب‌های به وجود آمده پرداخت کنیم و شاهد پرونده‌های متعدد قضایی از نزاع، درگیری، توهین یا حتی قتل به جهت جای پارک خودرو تا تعرض به اراضی ملی، منابع طبیعی، حریم و بستر رودخانه‌ها، تغییر کاربری غیرمجاز اراضی کشاورزی و ... باشیم.

۱-۲-۲- عدم تأمین مسکن مناسب برای جامعه هدف

نظر به اینکه جمعیت کشور طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ دارای یک رشد جمعیتی بالایی قرار گرفت و متأسفانه برنامه‌ریزی‌های لازم جهت تأمین مسکن به تناسب این جمعیت اجرایی و عملیاتی نگردید. این امر باعث به وجود آمدن سکونت گاه‌های غیر رسمی در شهرها و به ویژه در حاشیه شهرهای بزرگ شده، همچنین شاهد گسترش تخلفات در حوزه ساخت و سازهای شهری و ایجاد بناهای غیرمجاز هستیم. در حال حاضر و با عنایت به سیاست غلط در عدم ارائه خدمات شهری به حاشینه نشینان شهرهای بزرگ طی دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی، امروز باید به جهت اصلاح آن سیاست غلط، صدها میلیارد تومان خرج اصلاح ساختارهای بدون ضابطه شهری در این مناطق نماییم و آسیب‌هایی که چنین مناطق جرم‌زایی بر جامعه تحمیل می‌نمایند به مراتب بیشتر از برنامه‌ریزی مدون برای توسعه شهرها بر اساس معیارهای شهرسازی و پیشگیری از سکونتگاه‌های

غیر رسمی است. آنچه در وضعیت کنونی مدیریت کشور دیده می‌شود نداشتن برنامه‌ریزی و آینده‌نگری در جهت توسعه متوازن، دقیق و اصولی شهرهاست امری که در حال حاضر نمونه‌های آن را به وضوح در تصویب مناطق منفصله شهری قرقی و توس در شهرستان مشهد می‌بینیم.

۱-۲-۳- تعارض منافع

یکی از مهمترین گلوگاه‌های فساد اداری در هر جامعه‌ای، رانت اطلاعاتی است که نتیجه تعارض منافع را به دنبال داشته و باعث ایجاد فساد به جهت عدم اجرای قانون به جهات مختلف می‌شود. زمانی که مجموعه‌هایی مانند دادگستری، جهاد کشاورزی، استانداری، فرمانداری، شرکت‌های خدمات‌رسان، فرهنگیان، دستگاه‌های نظامی، انتظامی و سایر اقشار مختلف جامعه تحت عنوان شرکت‌های تعاونی و با نفوذی که دارند اقدام به ایجاد باغ ویلاهای غیرمجاز بدون اخذ مجوز تغییر کاربری یا حتی تصرف و ساخت و ساز در حریم و بستر رودخانه‌ها در نقاط مختلف و خوش آب و هوای اطراف شهرها و روستاها نمایند و برخورد قانونی با چنین مجتمع‌هایی یا صورت نمی‌گیرد یا چنانچه انجام شده آنچه که مردم انتظار دارند و باید با آن برخورد می‌شده، اقدام نگردیده است؛ این امر سبب ایجاد فضایی مناسب برای مجرمین و متخلفین و سودجویان گشته تا در سایه تخلفات دستگاه‌های دولتی اقدام به تصرف اراضی ملی، منابع طبیعی، حریم و بستر رودخانه‌ها، تغییر غیرمجاز اراضی کشاورزی و باغی نمایند و با قطعه‌بندی این اراضی و فروش آن به اقشار مختلف مردم عملاً ضمن مخاطرات جدی در حوزه محیط زیست، امنیت غذایی کشور را تهدید نمایند و برخورد با چنین پدیده را با مشکلات جدی و اساسی روبرو سازند.

۲- ارائه راهکارهای کاربردی جهت اصلاح فرایند فعلی

با عنایت به آنچه به عنوان آسیب بیان گردید، می‌توان گفت که جهت احیای حقوق عامه در حوزه حفظ اراضی ملی و منابع طبیعی، حریم و بستر رودخانه‌ها، ابتدا باید حقوق عامه در بستر خلاء-های بیان شده جاری گردد. جهت صیانت از حقوق عامه باید به امر پیشگیری از وقوع جرم که یکی از ابزارهای احیای حقوق عامه است توجه داشت. بر همین اساس ابتدا نگاهی گذرا به مفهوم پیشگیری و موضوع پیشگیری از وقوع جرم خواهیم داشت و سپس به ارائه راهکارهای کاربردی جهت اصلاح فرایند فعلی و نقش پررنگ دادستان به عنوان مدعی‌العموم خواهیم پرداخت.

۲-۱- مفهوم پیشگیری

۲-۱-۱- مفهوم لغوی پیشگیری

معنا و مفهوم کلمه پیشگیری در فرهنگ فارسی دهخدا عبارت است از عمل پیشگیر، دفع، جلوگیری. استاد معین پیشگیری را چنین معنی نمودند؛ عمل پیشگیر، جلوگیری، تقدم به حفظ، حفظ صحت (دهخدا، ۱۳۶۵). پیشگیری کردن هم در فرهنگ‌های مختلف فارسی بدین صورت آمده است؛ پیشگیری یعنی جلوگیری کردن، مانع شدن، جلو بستن، منع کردن، به نگهداری برخاستن، از پیش مانع آن شدن، پیش‌بینی کردن می‌باشد.

۲-۱-۲- مفهوم اصطلاحی پیشگیری

در مفهوم پیشگیری و مصداق‌های آن دو جهت‌گیری کلی دیده می‌شود. برخی از جرم‌شناسان مفهوم وسیعی برای پیشگیری قائل شده و گروهی دیگر پیشگیری را در مفهومی محدود و مضیق به کار می‌برند. هر یک از این دو را به طور مختصر توضیح خواهیم داد.

الف- مفهوم موسع از پیشگیری: انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می‌شود. بر اساس این برداشت انواع تدابیر کیفری و غیرکیفری چه مربوط به بعد از وقوع جرم، پیشگیری محسوب می‌شوند. به همین دلیل در این تعبیر، حتی تعقیب و دستگیری بزهکاران، اعمال مجازات یا تعلیق اجرای آن، الزام آنان به جبران خسارت مجنی علیه و فردی کردن مجازات توسط قاضی نیز، پیشگیری به شمار می‌آیند. لذا این مفهوم طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیرکیفری را دربر می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳).

ب- مفهوم مضیق از پیشگیری: پیشگیری به مجموعه وسایل و ابزارهایی اطلاق می‌شود که جامعه برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی موجد فرصت‌های جرم، مورد استفاده قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر، در این رویکرد، پیشگیری از کیفر جدا شده است و صرفاً ناظر به تدابیر و اقدامات غیر قهرآمیز است.

ج- مفهوم عام پیشگیری بر اساس قانون پیشگیری از وقوع جرم: قانونگذار در قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴/۰۶/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، در ماده یک آن، پیشگیری از وقوع جرم را بدین نحو تعریف نموده است: «پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن

یا کاهش آن».

۲-۲- موضوع پیشگیری از وقوع جرم

نظر به تعاریف ارائه شده از پیشگیری، با درک بهتر از سه واژه پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی که می‌توان گفت موضوع پیشگیری از جرم را تشکیل می‌دهند، بهتر می‌توانیم مفهوم پیشگیری از جرم را درک نماییم؛ البته باید گفت که ارائه راهکارهای لازم جهت کاهش، کنترل یا مهار جرم را می‌توان گام چهارم در موضوع پیشگیری از وقوع جرم دانست.

۲-۲-۱- پیش‌بینی

پیش‌بینی اساس پیشگیری است. در اصل، مبنای پیش‌بینی مطالعه روند گذشته و حال و حدس و گمان قوی در مورد آینده یک پدیده است. پیش‌بینی گاهی مبتنی بر سنت‌های الهی و قوانین طبیعی و زمانی نیز بر تجربیات و کاوش‌های بشری استوار است. آنچه در پیش‌بینی پیشگیرانه از جرم اهمیت دارد، پیش‌بینی خطر وقوع جرم است. در پیش‌بینی خطر وقوع جرم، برخی از روش‌های تحقیق جرم‌شناختی از قبیل آینده‌پژوهی، مصاحبه با کارشناسان، برگزاری اتاق فکر، مطالعات تطبیقی و مطالعات پیمایشی در زمینه گرایش‌ها و الگوهای جرم، کاربرد بیشتری دارند (محمد نسل، ۱۳۹۳).

۲-۲-۲- شناسایی

منظور از شناسایی روشن کردن ابعاد و زوایای موضوع پیش‌بینی شده است و در نهایت منجر به شناخت عوامل خطر و حمایتی مرتبط با جرم مورد پیش‌بینی بر اساس متغیرهای زمانی و مکانی خواهد بود. به عنوان مثال اگر گسترش فضای مجازی به طور منطقی منجر به پیش‌بینی افزایش خطر وقوع جرم در فضای سایبر شود، کنکاش و مطالعه در مورد چند و چون این جرائم و مرتکبین آن‌ها و ابزارها و تجهیزات و دانش لازم برای ارتکاب و مهم‌ترین عوامل خطر و عوامل حمایت در برابر آن‌ها، مأموریت اصلی شناسایی را تشکیل می‌دهد. شناسایی مانند دیده‌بانی و رصد دشمن است و باید بتواند اطلاعات مرتبط با جرم محتمل را در اختیار کارشناسان پیشگیری قرار دهد. در شناسایی، خطر جرم برخی از روش‌های تحقیق جرم‌شناختی بهره‌دهی بیشتری دارند که از میان آن‌ها می‌توان به مطالعه موردی، پرسشنامه، مشاهده، مصاحبه با کارشناسان و برگزاری اتاق فکر متخصصان اشاره کرد (محمد نسل، ۱۳۹۳).

۲-۳- ارزیابی

ارزیابی یا برآورد به این معنی است که پس از شناسایی عوامل تأثیرگذار بر جرم به بررسی میزان تأثیر هر یک از این عوامل بر وقوع جرم یا جلوگیری از آن، پرداخته شود. در شناسایی، اطلاعات به صورت کلی و خام است که باید در مرحله ارزیابی مورد پردازش قرار گرفته و متقن شود (محمد نسل، ۱۳۹۳).

۲-۴-۲- ارائه راهکارهای لازم جهت کاهش، کنترل یا مهار جرم

این مرحله که شاید مغفول مانده است را می‌توان مهمترین کار پیشگیری دانست. کارشناسان پیشگیری پس از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی، باید راهکارهای لازم جهت کاهش، کنترل یا مهار جرم را ارائه نمایند تا با برنامه‌ریزی‌های لازم توسط مسئولین امر، شاهد موفقیت‌های اقدامات پیشگیرانه باشیم.

۲-۳- ارائه راهکارها و جایگاه دادستان در اجرا

نظر به آنچه پیش‌تر در قسمت اول این مقاله بر اساس موضوع پیشگیری از وقوع جرم که پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی است پرداخته و پس از آن جهت کاهش، کنترل و مهار جرم یا آسیب باید راهکارهای آن ارائه گردد و پس از آن ضمانت اجرای آن توسط دادستان به عنوان مدعی‌العموم تضمین گردد. راهکارهای اساسی جهت احیای حقوق عامه در بستر منابع طبیعی، حریم و بستر رودخانه‌ها و پیشگیری از تغییر کاربری‌های غیرمجاز اراضی کشاورزی و باغی به شرح ذیل خواهد بود؛

۱- تغییر سیاست در مدیریت شهری و صیانت از حقوق عامه در این حوزه و ورود جدی دادستان به عنوان مدعی‌العموم جهت اجرای درست و دقیق طرح‌های تفصیلی و جامع شهری، پیشگیری از تراکم‌فروشی، جلوگیری از بلند مرتبه سازی‌های بی‌رویه و بدون ضابطه، پیگیری در جهت برنامه‌ریزی و آینده نگری در توسعه متوازن شهر به منظور پیشگیری از تضییع حقوق آحاد مردم.

۲- پیگیری مستمر دادستان در جهت اجرای قوانین و مقررات در حوزه حفظ اراضی ملی، منابع طبیعی، حریم و بستر رودخانه‌ها و پیشگیری از تغییر کاربری غیرمجاز اراضی کشاورزی و باغی توسط دستگاه‌های متولی امر و برخورد با ترک فعل مدیران در این بخش.

۳- لزوم توجه به نیازهای قانونی مردم و حرکت به سمت سامان‌دهی باغ ویلاها در برخی از نقاط کشور که کمترین آسیب و تخریب را برای محیط زیست و طبیعت به دنبال دارد. سابقه‌ی بیش از ۲۰ سال مبارزه با پدیده تغییر کاربری غیرمجاز اراضی کشاورزی و باغی در کشور بیانگر اثربخش نبودن برخوردها بوده است چرا که به نیازها و علایق مردم در قوانین و مقررات توجه نشده و این امر سبب ایجاد یک آشفتگی در تغییر کاربری اراضی کشاورزی به باغ ویلا در هر نقطه از کشور و به هر نحوی است، چرا که قانون، راهکارهای مناسبی برای تغییر کاربری اراضی کشاورزی بایر که دیگر قابلیت کشت و کار را ندارد پیش‌بینی نکرده است.

۴- ورود جدی مدعی‌العموم به عنوان دبیر شورای حفظ حقوق بیت‌المال در اراضی ملی و منابع طبیعی؛ در جهت نظارت و هدایت دستگاه‌های متولی امر به منظور جلوگیری از تصرف اراضی ملی و تخریب طبیعت، کوه‌ها، بیشه‌زارها، مراتع و ... توسط افراد سودجو و تحت تعقیب قرار دادن این افراد.

۵- نظارت بر شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و پیگیری لازم در جهت حضور دادستان کل کشور در جلسات این شورا (به عنوان عضو اصلی در ماده ۳ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران اضافه گردد) به منظور پیشگیری از فسادهای احتمالی در تصویب طرح‌های جامع، تفصیلی شهری و همچنین حضور دادستان مرکز استان در کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جهت صیانت از حقوق مردم و پیشگیری از فساد در تصویب طرح‌های شهری (از جمله مواردی که باید حتماً دادستان در احیای حقوق عامه به آن ورود جدی داشته و به طور مستمر بر عملکرد آن توجه نماید همین کمیسیون ماده ۵ قانون فوق‌الذکر می‌باشد که اگر نظارت کافی بر آن نباشد یکی از محفل‌های جدی فسادزا در تصویب طرح‌هایی است که اثرات آن مستقیم متوجه آحاد جامعه است).

نتیجه گیری

چنانچه بخواهیم اقدامات اصولی و مبنایی در جهت صیانت از اراضی ملی، منابع طبیعی، حریم و بستر رودخانه‌ها و پیشگیری از تغییر کاربری‌های غیرمجاز اراضی کشاورزی و باغی داشته باشیم، ابتدا باید نسبت به پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی وضع موجود و علل ایجاد چنین وضعیتی در جامعه پرداخت و پس از شناخت علل آن، نسبت به ارائه راهکار اقدام نمود.

حضور و نقش دادستان به عنوان مدعی‌العموم در احیای حقوق عامه باید در مبادی ورودی فساد و جرم باشد. بنابر آنچه گفته شد زمانی مدعی‌العموم می‌تواند از حقوق آحاد مردم دفاع کند که اجازه به وجود آمدن فساد، تخلف و جرم را ندهد و گلوگاه‌های آن را شناسایی و ببندد. به طور یقین می‌توان گفت صدور دستور قضایی برای تخریب باغ و ییلاهای غیرمجاز و جلوگیری از تغییر کاربری غیر مجاز اراضی کشاورزی زمانی مؤثر و اثربخش است که هنوز این اراضی توسط سودجویان و زمین‌خواران به مردم واگذار نشده است و اگر پس از واگذاری این اراضی به عموم مردم اقدام به تخریب و اعاده به وضع سابق با دستور قضایی و به وسیله دستگاه‌های متولی امر صورت پذیرفت، یقیناً منتهی به نارضایتی عمومی از حاکمیت می‌گردد که چرا از ابتدای تخلف (تصرف اراضی، تغییر کاربری آن، قطعه بندی اراضی، دیوارکشی، تبلیغات گسترده و ...) جلوی آن گرفته نشده است. البته باید به این امر توجه داشت که به جهت تعارض منافع مسئولین متولی امر، قطعاً در اجرای همین موارد نیز شاهد تبعیض هستیم، فلذا باید سازوکارهای جدی جهت ورود دادستان در گلوگاه‌های جرم و فساد توسط قانونگذار پیش‌بینی شود (هر چند که دادستان بر اساس بند دوم و پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی در راستای احیای حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم می‌تواند و بلکه باید به گلوگاه‌های فساد، جرم و تخلف ورود جدی و بدون اغماض داشته باشد).

منابع

- ۱) اشکرین، سعید (۱۳۹۵). نقش معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه در کاهش و کنترل بزه‌کاران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خراسان رضوی.
- ۲) افشاری، فاطمه؛ پتفت، آرین (۱۴۰۰). موانع احیای حقوق عامه در حقوق ایران و راهکارهای تحقق مطلوب آن، دانش حقوق عمومی، دوره ۱۰، شماره ۳۳، صص ۱۱۱-۱۴۰.
- ۳) تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۴). محیط زیست در ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ۴) حجازی، سید اسدالله؛ هاجری، الناز؛ جانانه، کریستینه (۱۳۹۱). بررسی حقوق زیست محیطی ذخایر منابع طبیعی (جنگل‌ها و مراتع)، همایش ملی حقوق بین‌الملل در آینه علوم روز، جهاد دانشگاهی واحد استان آذربایجان غربی، دوره ۱۰.
- ۵) دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۸). فرهنگ لغت جامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶) محمد نسل، غلامرضا (۱۳۹۳). کلیات پیشگیری از جرم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ۷) معین، محمد (۱۳۶۵). فرهنگ فارسی، تهران: نشر فرهنگ نما.
- ۸) نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷). دانشنامه جرم شناسی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

حق بر آموزش و اشتغال معلولان در آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

محمد رضا زاده نجف^۱

چکیده

افراد دارای معلولیت به مثابه سایر افراد باید از تمامی حقوق بشر بهره‌مند شوند؛ چشم‌انداز دسترسی به آموزش و شغل و حفظ و پیشرفت در آن به دلیل معلولیت برای این افراد کاهش پیدا کرده است. از این حیث وضع قوانین و مقررات در جهت حمایت از ایشان ضروری جلوه می‌نماید؛ در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به این مهم توجه شده است و قوانین و مقرراتی برای دستیابی ایشان به حقوق خود و از بین رفتن تبعیض‌های منفی موجود وضع شده است؛ اما در عمل حقوق ایشان در مراحل مختلف مورد تضییع قرار می‌گیرد. در تحقیق فوق از نوع توصیفی و تحلیلی با روش گردآوری داده‌ها از نوع کتابخانه‌ای سعی بر آن بود تا به این سؤال پاسخ داده شود که حقوق معلولان در پرتوی آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری چگونه ارزیابی می‌شود؟ نتیجه‌ی نوشته فوق نیز حاکی از این است که آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تا چه حد در تضمین حقوق معلولان مؤثر است. نظارت قضائی دیوان ضمانت اجرای مؤثری در جهت اطمینان از بهره‌مندی ایشان از حقوق خود است. هیأت عمومی دیوان با ابطال مقررات دولتی‌ای که به نوعی مغایر با شرع، قانون، خارج از صلاحیت و یا تخلف در اجرای قانون بوده، از تضییع حقوق معلولان جلوگیری می‌کند.

کلید واژه‌ها: آموزش، اشتغال، دیوان عدالت اداری، معلولان، هیأت عمومی.

مقدمه

همه ی افراد باید از فرصت های مساوی و وضعیت برابر در جهت دسترسی به آموزش و استخدام برخوردار باشند و هرگونه تبعیض در زمینه های مختلف از جمله: جنس، نژاد، رنگ، مذهب، عقیده، معلولیت و... ممنوع است. افراد باید به طور آزادانه در شرایط مساوی از تمامی حقوق خود بهره مند شوند. افراد دارای معلولیت در زندگی خود اغلب دچار محدودیت های فراوانی می شوند؛ راه های مختلفی در جهت برون رفت از این محدودیت ها وجود دارد. نگاه قانونگذار نسبت به قشر معلول همیشه دید حمایتی بوده است؛ چرا که این گروه نیازمند حمایت های بیشتری نسبت به سایر افراد عادی هستند تا بتوانند مشارکت اجتماعی مؤثری در اجتماع داشته باشند. از ابتدای تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران قوانین متعددی در رابطه با معلولان به تصویب رسیده است؛ قانونگذار در این قوانین تبعیض های مثبتی را برای ایشان در نظر گرفته است.

وضع قوانین و مقررات که باید صورت پذیرد از یک سو محل توجه است و تضمین قانون-مداری از سوی دیگر. صرف وجود قوانین و مقررات حمایتی از معلولان کفایت نمی کند بلکه باید احترام و پیروی از قانون نیز از سوی ادارات، مقامات و نهادهای ذینفع و اعمال کننده ی قانون نیز وجود داشته باشد. ضمانت اجرای مختلفی در زمینه ی اجرای قوانین و مقررات وجود دارد و همینطور راهکارهای نظارتی مختلف که یکی از این راهکارها، نظارت قضایی بر اعمال قوه مجریه است که به گونه ای می توان گفت مؤثرترین و کارآمدترین نوع نظارت در جهت اصل حاکمیت قانون نیز می باشد. در نظام حقوقی ایران نیز به تقلید از فرانسه دوگانگی نظام قضایی پیش بینی شده است و در جهت نظارت بر اعمال قوه مجریه دیوان عدالت اداری شکل گرفته است.

علی رغم وجود قوانین و مقررات مختلف در نظر گرفته شده برای معلولان که هدف از وضع آن تضمین حقوق مختلف برای ایشان است؛ در بعضی از موارد اقدامات و تصمیماتی از سوی واحدهای دولتی در نظر گرفته می شود که موجب نقض حقوق فرد می شود. رسیدگی به این تصمیمات نوعی در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری است، که حکم بر نقض رأی یا لغو اثر از تصمیم و اقدام مورد شکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق تضییع شده می دهد و یا شکایاتی از تصمیمات عام الشمول آیین نامه ها و مقررات دولتی شکل می گیرد که در صلاحیت هیأت عمومی بوده است. این هیئت سه گونه رأی را صادر می کند: ابطال، وحدت رویه و ایجاد رویه.

در تحقیق فوق با روش توصیفی-تحلیلی با گردآوری داده‌ها از طریق روش کتابخانه‌ای سعی بر آن است تا به این سؤال پاسخ داده شود که حقوق آموزش و اشتغال معلولان در رویه قضایی دیوان عدالت اداری چگونه شکل گرفته است و سعی بر آن است تا حقوق ایشان در پرتوی آراء هیئت عمومی دیوان عدالت اداری بررسی شود. فرضیه اصلی تحقیق نیز حاکی از آن است که آراء هیئت عمومی دیوان به نحوی مطلوب موجب تضمین حقوق معلولان می‌گردد. از نوآوری‌های این نوشته نیز می‌توان گفت که تا به حال مقاله‌ای که به طور جامع حقوق آموزش و اشتغال ایشان را در رویه قضایی دیوان عدالت اداری بررسی کرده باشد، یافت نشده است. البته مقالات متعددی در زمینه کار شایسته معلولان، حقوق استخدامی، اجتماعی، شهروندی و ... یافت می‌شود.

آموزش و کسب مهارت، اولین قدمی است که معلولان را در دسترسی به کار و پیشرفت در آن جلو می‌اندازد. آموزش و کسب مهارت از ارکان اصلی برای کار شایسته به حساب می‌آیند. آموزش باید برای همه افراد در نظر گرفته شود به خصوص افراد دارای نیازهای خاص مانند معلولان. با افزایش سطح آموزش افراد دارای معلولیت، ایشان از شانس بیشتری برای برخورداری از کاری مولد بهره‌مند می‌شوند. افزایش سطح مهارت و آموزش افراد دارای معلولیت باعث ایجاد کاری مولد برای آنان و کاهش هزینه‌های اجتماعی و پزشکی برای دولت‌ها خواهد شد. کودکان دارای معلولیت اغلب دچار محدودیت‌ها و موانعی برای کسب آموزش‌های ابتدایی می‌شوند. بررسی جهانی به عمل آمده در زمینه معلولیت و مدارس، در (۱۵) کشور در حال توسعه نتیجه فوق را در برداشته است: سیاست‌های عمومی آموزشی در جهت ارتقاء حق دسترسی کودکان معلول به آموزش نبوده است و باید گفت که طراحی سیستم‌های فراگیر اجتماعی برای معلولان در نهایت منجر به رشد سیستم اقتصادی کشور خواهد شد. افراد دارای معلولیت در حدود (۱۵) درصد از جمعیت کل جهان را تشکیل می‌دهند که (۷۸۵) میلیون نفر از آن‌ها در سن اشتغال هستند (ILO, 2000: 67). اهمیت موضوعات فوق در کنوانسیون حقوق معلولان نیز به خوبی مشخص شده است. ماده (۲۲) به طور گسترده اشاره به آموزش دارد: کشورهای عضو باید دسترسی به آموزش‌های شغلی، آموزش افراد بالغ و آموزش در طول عمر را برای افراد معلول در نظر بگیرند؛ بر مبنای برابر و بدون تبعیض با دیگران با اطمینان از تطابق موارد مذکور با نیازهای آن‌ها. در ادامه به تبیین و آسیب‌شناسی حقوق آموزش و اشتغال معلولان در قوانین داخلی پرداخته خواهد شد و آراء مرتبط هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورد مذاقه قرار خواهند گرفت.

۱- حق آموزش

حق آموزش من جمله حقوق فرهنگی است که این حقوق، آموزش و پرورش از سطح ابتدایی تا عالی، پیکار با بی سوادی، تقویت و تسهیل امر تحقیق و پژوهش را شامل می شود (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۹۵). حق بر آموزش یکی از حقوق حمایتی است و دولت مکلف به تأمین آن است (آگاه و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۳). معلولان اکثراً در بهره مندی از این حق دچار محدودیت، کمبود یا عدم دسترسی به آن می شوند. آموزش یکی از مهمترین عناصر در موقعیت اجتماعی و اشتغال برای معلولان است. آموزش کافی باعث می شود که معلولان در فضای رقابتی با سایر افراد از امتیازی نسبت به سایرین برخوردار باشند. معلولان به ویژه کودکان دارای معلولیت باید بر مبنای برابر با سایرین و بدون هیچ گونه تبعیض از حق بر آموزش و پرورش بهره مند شوند. در نظام جمهوری اسلامی ایران وظیفه ی آموزش کودکان معلول بر عهده ی سازمان آموزش و پرورش استثنائی گذاشته شده است. وفق ماده دو اساسنامه آموزش و پرورش استثنائی اجرای وظیفه طراحی سیستم آموزش، پرورش و توانبخشی بر عهده ی سازمان است. در ماده نه قانون حمایت از معلولان سال (۱۳۹۷) اشاره به برخورداری معلولان از آموزش عالی، رایگان شده است اما تعریفی از معلول واجد شرایط آمده است که نقد بر آن وارد است.

در آیین نامه اجرایی ماده نه قانون حمایت از معلولان، فرد دارای معلولیت نیازمند واجد شرایط را این گونه تعریف کرده است: «فردی که بر اساس آزمون وسع مبتنی سامانه بانک اطلاعات رفاه ایرانیان در هفت دهک اول قرار گرفته است و دارای معلولیت متوسط، شدید و خیلی شدید است». پس افراد معلول برای بهره مندی از آموزش رایگان باید دارای معلولیت متوسط، شدید و خیلی شدید باشند و اینکه در هفت دهک اول قرار گرفته باشند؛ لذا افرادی که خارج از این هفت دهک اول بوده و دارای معلولیت خفیف باشند، از این آموزش رایگان بهره مند نخواهند شد. در واقع این ماده تبعیضی مثبت را برای قشری از معلولان در نظر گرفته است که این عمل کاملاً مطابق با هدف قانونگذار در جهت از بین بردن نابرابری ها و تبعیض در بهره مندی از حق آموزش معلولانی است که دچار تبعیض دوگانه هستند؛ یک معلولیت و دو عدم وجود امکانات مالی برای بهره مندی از آموزش. مفاد ماده نه قانون لاحق در ماده هشت قانون سابق نیز آمده بود، با تفاوت در معنای واحدهای آموزشی و آموزش، وفق آیین نامه اجرایی ماده هشت قانون سابق، آموزش در معنای: «آموزش در تمامی مقاطع مختلف تحصیلی از مهد کودک، آموزش دانشگاهی و تخصصی

و فنی حرفه‌ای است». واحدهای آموزشی در این آیین‌نامه شامل سازمان‌های فنی حرفه‌ای هم می‌شدند که عبارت سازمان‌های فنی و حرفه‌ای در قانون جدید نیامده است. در قانون جدید آموزش فنی حرفه‌ای و کارآموزی ویژه معلولان در ماده (۱۴) پوشش داده شده است. در این ماده سازمان آموزش و فنی حرفه‌ای کشور موظف به پذیرش افراد دارای معلولیت و ارتقاء دسترسی این قشر به خدمات کارآموزی شده است.

۱-۱- دادنامه شماره ۱۵۶-۱۵۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۱

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رأیی مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۱ در خصوص افراد واجد شرایط برای بهره‌مندی از نحوه پذیرش و کمک به معلولان در سال (۱۳۸۳) صادر نموده است؛ در دادنامه فوق خواهان شخص حقیقی خصوصی در خواسته‌ی خود ابطال^۱ دستورالعمل‌هایی^۲ را مبنی بر تفکیک معلولان و طبقه‌بندی ایشان برای دریافت کمک‌های سازمان بهزیستی داشته است که این دستورالعمل‌ها توسط سازمان بهزیستی مقرر شده‌اند؛ شاکی در استدلال‌ات خود این‌گونه آورده است که هدف و خط‌مشی سازمان بهزیستی توان‌بخشی و کمک مالی، اجتماعی و حرفه‌ای به کلیه معلولان به صورت عام است و باید شامل تمامی معلولان شود.

وفق بند (ی) تبصره (۱۷) قانون بودجه سال (۱۳۸۲) کمک به معلولان بدون قید و شرط برای معلولان تحت پوشش سازمان بهزیستی است و از این حیث خواستار لغو دستورالعمل‌های سازمان بهزیستی می‌باشد؛ سازمان بهزیستی در پاسخ به ادعای خواهان و در جواب، این‌گونه از خود دفاع نموده است که اعتبارات سازمان بهزیستی محدود بوده و سازمان، برای دستیابی به اهداف واقعی خود یعنی توان‌بخشی و بهره‌وری و ارائه خدمات، ابتدا منابع خود را به معلولانی تخصیص می‌دهد که بیشتر نیازمند این کمک‌ها هستند. این موضوع، وفق رویه عادلانه است از این

۱. هیأت عمومی تنها به درخواست ابطال، رسیدگی می‌نماید و رسیدگی به درخواست اصلاح یا تکمیل یا اجرای مصوبات از صلاحیت آن خارج است. به نقل از: مشهدی، علی (۱۳۹۵). قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در نظم حقوقی کنونی، انتشارات خرسندی، ص ۲۰۷.

۲. در خصوص صلاحیت دیوان نسبت به دستورالعمل‌های صادره از جانب مقامات دولتی می‌توان گفت که این دستورالعمل‌ها در زمره مقررات دولتی قرار می‌گیرند. از این حیث از جمله موارد صلاحیت‌های هیأت عمومی در ماده (۱۲) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قرار دارند.

حیث که در دل گروه‌های آسیب‌پذیر مانند معلولان گروه‌هایی هستند که نیاز به توجه و حمایت-های بیشتری دارند مانند افراد دارای معلولیت شدید.

هیأت عمومی در رأی صادره این‌گونه آورده است: دستورالعمل‌های مورد اعتراض در جهت تسهیل در تحقق اهداف قانونگذار به شرح مقرر در قانون اساسی و قانون تشکیل سازمان بهزیستی در زمینه تدارک امکانات پیشگیری و توانبخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولان جسمی و معلولان غیرقابل توانبخشی، با عنایت به اعتبارات مالی مربوط به امکانات موجود تهیه و تنظیم شده است و از جهات مورد اعتراض مغایرتی با قانون ندارد. لذا بنابر نظر دیوان دستورالعمل‌های فوق‌الذکر به قوت خود باقی مانده‌اند.

۱-۲- دادنامه شماره ۲۷-۲۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۴

موضوع رأی فوق برخورداری رایگان معلولان از آموزش عالی است. در این دادنامه، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دستورالعمل مصوب معاون پشتیبانی و منابع انسانی سازمان بهزیستی استان تهران را ابطال نموده است. در دادنامه فوق به شماره (۲۷۲۶) خواهان شخص حقیقی می‌باشد. شرح خواسته این است که فردی دارای معلولیت در دانشگاه پردیس بین‌الملل دانشگاه امیرکبیر پذیرفته شده است و از این حیث که دارای شرایط مندرج در قانون حمایت از معلولان مبنی بر تحصیل رایگان است خواستار تحصیل رایگان در دانشگاه محل قبولی خود است اما سازمان بهزیستی طی دستورالعملی به شماره ۱۳۹۷/۶/۲۰-۷۱۷/۹۷۲۶/۲۷۴ مفادی را به تصویب رسانده است که با احکام مندرج در قانون حمایت از معلولان در تضاد است؛ لذا شاکی خواستار ابطال این دستورالعمل است. در این دستورالعمل آمده است که سازمان بهزیستی هیچ‌گونه تعهدی نسبت به پرداخت شهریه مددجویانی که در واحدهای بین‌المللی داخلی یا خارج از دانشگاه‌های دولتی یا غیر دولتی مشغول به تحصیل‌اند را ندارد.

اهم دفاعیات مدیر کل امور حقوقی سازمان بهزیستی از جمله موارد ذیل است: منع قانونی و نبود بودجه جهت پرداخت شهریه دانشجویان پذیرفته شده در واحدهای پردیس بین‌الملل و عدم ذکر واحدهای پردیس بین‌المللی در آیین‌نامه اجرایی ماده هشت قانون جامع حمایت از معلولان سال (۱۳۸۳) و النهایه وفق بند دو آیین‌نامه اجرایی ماده هشت قانون جامع حمایت از معلولان سال

(۱۳۸۳)، پرداخت شهریه به مددجویان نیازمند مورد تأیید واحد سازمان بهزیستی امکان‌پذیر می‌باشد.

رأی هیأت عمومی در این پرونده عبارت است از: هیأت عمومی با اکثریت آراء، دفاعیات خواننده را در این پرونده رد می‌کند و با استناد به ماده ۹ قانون جامع حمایت از معلولان سال (۱۳۹۷) اذعان می‌دارد که واحدهای نامبرده شده در این ماده واحدهای بین‌المللی داخل و خارج دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی را در بر می‌گیرد و افراد معلول نیازمند واجد شرایط می‌توانند با معرفی سازمان بهزیستی از این کمک‌ها بهره‌مند شوند و از این حیث حکم به ابطال دستورالعمل مورد اعتراض می‌دهد.

وفق ماده (۱۳) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، اثر ابطال مصوبه از زمان صدور رأی است مگر مصوباتی که خلاف شرع است یا در مواردی که به منظور جلوگیری از حقوق اشخاص هیأت مذکور اثر آن را به زمان تصویب مترتب می‌نماید. در این پرونده نیز با توجه به اینکه این دستورالعمل باعث تضییع حقوق اشخاص گشته است؛ لذا به زمان تصویب دستورالعمل بر می‌گردد.

در اسناد بین‌المللی متعددی حق آموزش رایگان معلولان مورد تأکید قرار گرفته است که رأی دیوان در انطباق حداکثری با این اسناد است. مواردی چند از این اسناد عبارتند از:

۱- مقاله‌نامه توسعه منابع انسانی شماره (۱۴۲) سازمان بین‌المللی کار مصوب ۱۹۷۵ سازمان در این سند خواستار توسعه برنامه‌ای جامع و هماهنگ با راهنمایی‌های شغلی و آموزش‌های حرفه‌ای است که مرتبط با اشتغال هستند.

۲- توصیه‌نامه شماره (۱۹۵) سازمان بین‌المللی کار، سازمان در این توصیه‌نامه اعلام می‌دارد که: آموزش و پرورش حقی است همگانی و خواستار توسعه منابع انسانی و برنامه‌های آموزشی مادام‌العمر در کنار سایر موارد است که منجر به کاهش نابرابری‌ها در آموزش شود و فرصت‌های برابر برای زنان و مردان از نظر دسترسی به آموزش باید فراهم گردد و آموزش‌های مادام‌العمر برای ارتقاء افرادی که در جامعه نیازهای خاصی دارند، مانند: معلولان، مردم بومی و گروه‌هایی که در اقلیت قرار دارند و از نظر اجتماعی محرومند. از نکات قابل توجه برای معلولان بزرگسال در توصیه‌نامه اینکه: این سند خواستار ایجاد فرصت آموزش و پرورش غیر رسمی برای این افراد است مخصوصاً آن‌هایی که فرصت برای آموزش در دوران جوانی را نداشتند.

۳- اعلامیه (۱۹۵۷) سازمان ملل متحد در رابطه با حقوق معلولان آمده است: معلولان دارای حقوق مدنی و سیاسی مانند سایر افراد جامعه هستند؛ همچنین آنان دارای حقوقی از جمله: آموزش، مهارت‌های شغلی، خدمات کاریابی و مشاوره حقوقی در جهت پیدا کردن کار مناسب و مفید هستند.

۴- در کنواسیون حقوق افراد دارای معلولیت اهمیت آموزش در جهت مشارکت مؤثر در اجتماع به طور آزادانه که شامل اشتغال هم می‌شود در ماده (۲۴) به رسمیت شناخته شده است. بدین منظور دولت‌ها موظفند بدون هرگونه تبعیض، فرصت برابر نظام آموزشی فراگیر را در تمامی سطوح برای افراد دارای معلولیت فراهم کنند. شایان توجه است که سند فوق مورد تصویب دولت ایران نیز قرار گرفته است و از این حیث وفق ماده نه قانون مدنی جزء قوانین عادی به حساب می‌آید.

۲- حق اشتغال

حق داشتن کار، نتیجه‌ی منطقی آزادی کار و به معنی حق به دست آوردن شغل برای همه‌ی افراد داوطلب کار کردن در جامعه و در صورت نداشتن آن استفاده از یک مستمری به منظور جبران محرومیت از کار می‌باشد (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۴۰) در بند (۱۲). اصل سوم قانون اساسی از وظایف دولت اشاره به پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های مختلف در کار شده است. در اصل (۲۸) قانون اساسی از وظایف دولت این است که برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز آن را ایجاد نماید؛ در بند دوم اصل (۴۳) قانون اساسی آمده است: تأمین شرایط امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند در شکل تعاونی به صورتی که منجر به تمرکز ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص نشود و دولت را نیز به شکل کارفرمای بزرگ در نیاورد. در قوانین عادی نیز در موارد متعددی اشاره به اشتغال معلولان شده است من جمله: در قانون کار مبحث دوم از فصل پنجم ماده (۱۱۹) مشعر بر آن است که: وزارت کار و امور اجتماعی موظف به ایجاد مراکز خدمات اشتغال در سرتاسر کشور است؛ این مراکز خدمات اشتغال موظف به ایجاد مرکزی تحت عنوان دفتر برنامه‌ریزی و حمایت از اشتغال معلولان خواهند بود؛ دولت نیز موظف خواهد بود در ایجاد

شرکت‌های تعاونی، معلولان را از طریق اعطای وام‌های مدت‌دار قرض‌الحسنه و... مورد حمایت قرار داده و اینکه مناسب سازی‌های محیطی را با توجه به نیازهای خاص معلولان انجام دهند. در قوانین جامع حمایت از معلولان (۱۳۸۳) و (۱۳۹۷) نیز مواد متعددی به حق اشتغال معلولان اختصاص داده شده است^۱ که در مواد فوق اقدامات تشویقی، معافیت‌های مالیاتی، حمایت‌های مالی و تبعیض‌های مثبتی را برای اشتغال معلولان در نظر گرفته است.

همانطور که پیش‌تر نیز ذکر شد؛ معلولان در راه رسیدن به اشتغال با موانع بزرگی رو برو می‌شوند، از این حیث باید سیاست‌های مختلفی در نظر گرفته شود تا این نابرابری‌ها از بین بروند. ایجاد برابری در اشتغال برای معلولان می‌تواند از طریق اشتغال ویژه معلولان، اشتغال حمایتی، طرح‌های سهمیه‌ای و مشاغل رزرو شده و سایر سیاست‌های اجرایی و راهبردهای گوناگون باشد؛ موارد فوق در قوانین مختلف مرتبط با معلولان و جانبازان آمده است و سیاست‌های اجرایی نامبرده شده را در بر می‌گیرد اما در اجرا گاهی شاهد عدول از قوانین و مقررات هستیم؛ لذا باید گفت از حیث وجود قوانین مشکلی وجود ندارد؛ بلکه خلاء در اجرا و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات در این زمینه است.

۲-۱- اشتغال و طرح‌های سهمیه‌ای

طرح‌های سهمیه‌ای به معنای اینکه دولت، درصد معینی از مشاغل را در هر کارگاه برای معلولان در نظر می‌گیرد، این موضوع می‌تواند برای احقاق عدالت و به ثمر رسانیدن اشتغال کامل افراد دارای معلولیت حائز اهمیت فراوان و همراه با افزایش مشارکت در سطوح محلی باشد (فکوهی، ۱۳۹۴: ۱۲۲). طرح‌های سهمیه‌ای را می‌توان به سه قسم تقسیم نمود: ۱- طرح‌های سهمیه‌ای توصیه‌ای ۲- طرح‌های سهمیه‌ای تعهدآور بدون ضمانت اجرای مؤثر ۳- طرح‌های سهمیه‌ای با ضمانت اجرای مؤثر (زاده نجف، ۱۳۹۹ ب: ۵۸).

قانونگذار ما نیز از این موضوع مغفول نبوده است؛ در بندهای ت و ث ماده (۱۱) قانون جامع حمایت از معلولان سال (۱۳۹۷) اشاره به اختصاص سه درصد پست‌های سازمانی خاص به افراد

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه رک به: زاده نجف، محمدرضا، (۱۳۹۹ الف) کار شایسته معلولان و جانبازان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، صص ۱۰۰-۱۰۲.

دارای معلولیت شده است؛ این میزان در تبصره دو ماده هفت قانون سال (۱۳۸۳) نیز سه درصد در نظر گرفته شده است. وفق داده نما آمار معلولان تحت پوشش سازمان بهزیستی تعداد افراد بیکار معلول (۸۸۷) هزار و (۴۴۹) نفر می باشد^۱

۲-۱-۱- دادنامه شماره ۲۲۵-۲۲۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۱/۱/۲۸

شاکی این پرونده شخص حقوقی عمومی یعنی مدیر کل دفتر حقوقی، املاک و حمایت قضایی وزارت آموزش و پرورش است. موضوع شکایت نیز به شرح ذیل است: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری. شرح گردش کار نیز این است: همانطور که پیش تر نیز ذکر گردید وفق قانون جامع حمایت از معلولان سال (۱۳۸۳)، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور مکلف است سه درصد از مجوزهای استخدامی سالانه وزارتخانه، سازمان ها و ... را در اختیار سازمان بهزیستی قرار دهد تا این سازمان نیز با همکاری سازمان مدیریت به برگزاری آزمون استخدامی اقدام نماید؛ وفق بند ز ماده (۴۲) قانون مدیریت و خدمات کشوری سال (۱۳۸۶) داشتن سلامت جسمانی و روانی از شرایط ویژه استخدامی به ویژه شغل معلمی می باشد اما بنابر نص قانون جامع حمایت از معلولان فرد معلول از سلامت جسمانی برخوردار نیست و اینکه وفق ماده (۱۲۷) قانون مدیریت خدمات کشوری (۱۳۸۶) کلیه قوانین عام و خاص مغایر ملغی شده است. با این وجود آراء متعارضی از سوی شعبات چهار و (۲۳) دیوان عدالت اداری در رابطه با اعمال سه درصد سهمیه استخدامی معلولان در آزمون استخدامی آموزش و پرورش صادر گردیده است از این حیث وفق ماده (۴۳) قانون دیوان (در اینجا قانون سابق مدنظر بوده است)^۲ مطرح و نسبت به رأی وحدت رویه اقدام و نتیجه را به این وزارت اعلام فرمایید.

۱. <http://WWW.BEHZISTI.IR/PHOTO/5185/>

۲. هرگاه در موارد مشابه، آراء متناقض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شود؛ رئیس دیوان موظف است به محض اطلاع، موضوع را در هیأت عمومی دیوان مطرح نماید و هیأت پس از بررسی و احراز تعارض، نسبت به صدور رأی اقدام می نماید. این رأی برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است. اثر رأی مذکور نسبت به آینده است و موجب نقض آراء سابق نمی شود لکن در مورد احکامی که در هیأت عمومی مطرح و غیرصحیح تشخیص داده می شود شخص ذی نفع ظرف یک ماه از تاریخ درج رأی در روزنامه رسمی حق تجدیدنظرخواهی در شعب تشخیص را دارد و شعبه تشخیص موظف به رسیدگی و صدور رأی بر طبق رأی مزبور است. مفاد این ماده در مورد آرائی که از نظر فقهای شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص داده می شود مجری نخواهد بود. شایان ذکر است که آراء متناقض در قانون جدید جای خود را به آراء متعارض داده است. تعارض بین دو

مشروح آراء نیز از قرار ذیل است: شخص حقیقی دارای معلولیت در آزمون استخدامی سال (۱۳۸۹) آموزش پرورش وفق سه درصد سهمیه استخدامی پذیرفته شده است اما نامبرده در مرحله مصاحبه و در معاینه به چشم پزشک با یک سؤال که آیا این خودکار را می‌بینی یا خیر نابینا تشخیص داده شده است و با استخدام وی مخالفت به عمل آمده است. شاکی موضوع را در شعب دیوان مطرح و خواهان حقوق استخدامی تضییع شده خویش است اما خوانده نیز این گونه استدلال آورده است که فرد نابینا بوده و فاقد شرایط لازم برای استخدام است و وفق ماده (۱۲۷) قانون مدیریت خدمات کشوری قوانین مغایر نیز لغو است از این حیث شکایت خواهان منتفی و مردود است. دیوان نیز وفق آیین‌نامه اجرایی بند ۲ ماده (۴۲) قانون مدیریت خدمات کشوری شکایت را فاقد وجهت قانونی دانسته و رأی به رد آن داده، رأی دیوان قطعی است.

به رأی شعبه چهار دیوان که خواهان شخص حقیقی به طرفیت آموزش و پرورش خواستار لحاظ نمودن سه درصد سهمیه استخدامی در سال (۱۳۸۹) است، می‌پردازیم. استدلالات خواهان نیز از قرار ذیل است: ۱- معلولیت وی ۲- مکلف بودن آموزش و پرورش به اختصاص سه درصد سهمیه استخدامی به معلولان در مجوزهای استخدامی خویش و ماده (۴۲) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۴/۸/۱۵ که در تأیید سهمیه سه درصد سهمیه معلولان است و اینکه ماده‌ی اخیرالذکر توسط بند الف ماده نه قانون بودجه سال (۱۳۸۹) تنفیذ شده است؛ شعبه دیوان نیز در این مورد با توجه به مراتب فوق شکایت شاکی را وارد دانسته است و رأی را در این مورد قطعی می‌داند.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۱/۱/۲۸ به شرح فوق صدور رأی می‌کند: اولاً تعارض در مدلول آراء در گردش کار محرز، ثانیاً رأی شعبه چهارم دیوان به شماره دادنامه ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۱۲۷۱ صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند دو ماده^۱ (۱۹) و ماده (۴۳) قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رأی نیز وقتی است که آن‌ها با وجود شرایط و خصوصیات مشابه در تمام جوانب و جهات دعوی و وحدت قواعد حاکم بر آن‌ها در منطوق حکم و مدلول آن با یکدیگر در تضاد باشند. با فرض تفاوت در عوامل مذکور و اسباب موجه حکم موضوع تناقض منتفی خواهد بود. به نقل از صدرالحافظی، ۱۳۷۲، ص ۳۹۸.

۱. بند دو ماده (۱۹) قانون سابق دیوان عدالت اداری: صدور رأی وحدت رویه در مورد آراء متناقض صادره از شعب دیوان.

۲-۲- حقوق و مزایای معلولان

در قانون کار در ماده (۱۹۰) برخی از اقشار کارگران را که تابع محرومیت و ظلم مضاعف بوده و دارای نیازهای خاص و ویژه‌ای می‌باشند مورد حمایت ویژه‌ای قرار داده و در مورد مدت کار، مرخصی‌ها، تعطیلات، مزد یا حقوق، تابع مقررات مخصوص خود دانسته است. این گروه از کارگران شامل افراد دارای معلولیت به معنای عام است؛ لذا هر قانونی که حمایت بیشتری را برای این قشر در رابطه با حقوق و مزایا در نظر گرفته باشد لازم‌الاجرا می‌باشد، زیرا با روح قانون کار که جنبه‌ی حمایتی دارد نیز سازگار می‌باشد. از این حیث به قوانین اختصاصی معلولان (قانون جامع حمایت از معلولان و قانون جامع خدمات‌رسانی ایثارگران) در این زمینه مراجعه می‌کنیم.

در ماده (۱۲) قانون جامع حمایت از معلولان (۱۳۹۷) بر این موضوع تصریح شده است که مزد پرداختی به معلولان باید بر اساس مصوبات شورای عالی کار باشد و سایر مزایا نیز به ایشان پرداخت گردد. در ماده‌ی (۳۱) قانون جامع خدمات‌رسانی ایثارگران نیز آمده است که: کارفرمایانی که اقدام به جذب و استخدام جانبازان و... حداقل به مدت ۵ سال می‌نمایند تا مدت (۱۸) ماه از (۷۵) درصد یارانه حداقل مزد موضوع ماده (۴۲) قانون کار بر حسب نوع شغلی که در اختیار آنان قرار خواهد گرفت بهره‌مند می‌شوند. لذا حقوق و دستمزد کارگران معلول و جانباز هم مانند سایر افراد کارگر وفق ماده‌ی (۴۱) قانون کار توسط شورای عالی کار در نظر گرفته می‌شود. در واقع دولت در این مواد به مثابه پدری برای کارگران دست حمایت خود را بر روی کارگران گذاشته است و حداقل مزد را برای کارگران مشخص کرده که مبادا کارفرما نتواند با استفاده از زور و قدرت خود بر کارگر چیره شده و مزدی بر مبنای ناعدالتی به وی پرداخت کند (زاده نجف، ۱۳۹۹ الف: ۹۳).

۲-۲-۱- مستمری معلولان و اشتغال

ممکن است در زمان اشتغال، هزینه زندگی افراد دارای معلولیت چند برابر شود؛ به دلایلی چند مانند: عدم وجود سیستم حمل و نقل عمومی مناسب و استفاده از تاکسی به جای آن، نیازهای خاص ایشان مانند ویلچر برقی، کمک‌های شخصی و... از این حیث این موضوع در تصمیم‌گیری آن‌ها نسبت به اشتغال مورد توجه است. افراد دارای معلولیت‌های خاص نیاز به افرادی دارند که برای رفتن به محل کار یا انجام کار مورد نظر به آن‌ها کمک کند. در بعضی از کشورها چاره‌ای

برای بالاتر بودن این هزینه‌های روزانه زندگی شده است. در بعضی از کشورها نیز معلولان نیاز به دریافت مزد بیشتر از افراد عادی دارند تا بتوانند کار مورد نظرشان را سودمند بدانند و ضرری از اشتغال عاید آن‌ها نشود. دریافت مستمری مناسب برای معلولان و فوق العاده‌ی معلولیت که منجر به برش دادن هزینه‌های جانبی می‌شود، راه‌حلی مناسب برای حل این مشکل است. اما کمک هزینه معیشت و مستمری که به افراد دارای معلولیت می‌شود هنگامی که ایشان به اشتغال دست پیدا می‌کند قطع می‌شود.

۲-۱-۱- دادنامه شماره: ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۱۱۷ هیئت تخصصی استخدامی مورخ

۱۳۹۹/۰۳/۲۵

شاکی در این پرونده شخص حقیقی بوده و مورد شکایت مقرره‌ای است که معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور به موجب مقرره‌ای پرداخت کمک هزینه معیشتی معلولان شاغل را ممنوع اعلام کرده است. شاکی در استدالات خود آورده است که وفق اصول سوم و چهارم قانون اساسی و ماده (۷۹) قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه و تبصره (۱۴) قانون بودجه سال (۱۳۹۶) کشور در خصوص طرح افزایش کمک یارانه مددجویانه هیچ محدودیتی برای مددجویان شاغل ایجاد نکرده است ولی در مقرره مورد شکایت مددجویان شاغل از کمک هزینه معیشت محروم تلقی شده‌اند. پس از طرح دعوی در پرونده در جلسه ۱۳۹۹/۳/۱۲ هیئت تخصصی استخدامی مطرح گردید و پس از رسیدگی مصوبه مورد شکایت را قابل ابطال تشخیص نداده‌اند. وفق بند ب ماده (۸۴) قانون تشکیلات آیین دادرسی و دیوان عدالت اداری رأی به رد شکایت صادر می‌کند. اکنون به تشریح رأی هیئت تخصصی پرداخته می‌شود؛ ((۱- وفق ماده (۲۷) قانون حمایت از معلولان مقرر شده است دولت مکلف است؛ کمک هزینه معیشت افراد دارای معلولیت بسیار شدید و یا شدید فاقد شغل و درآمد را به میزان حداقل دستمزد سالانه تعیین و اعتبارات لازم را در قوانین بودجه سنواتی کشور منظور نماید. ۲- وفق ماده (۷۹) قانون برنامه ششم توسعه مصوب سال (۱۳۹۵) مقرر شده: دولت در طول اجرای قانون برنامه علاوه بر پرداخت فعلی، هر سال حداقل مستمری خانوارهای مددجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی را متناسب با سطح محرومیت بر مبنای متوسط بیست درصد حداقل دستمزد شورای عالی کار، در چارچوب بودجه سنواتی و از محل درآمد قانون هدفمند کردن یارانه‌ها با حذف خانوارهای پر درآمد و درج

ردیف مستقل در جدول موضوع ماده (۳۹) این قانون، از طریق دستگاه‌های مذکور پرداخت نماید. بنابراین نظر به مواد فوق از آنجائی که کمک هزینه معیشت به معلولان بسیار شدید و شدید که فاقد شغل می‌باشند تعلق می‌گیرد و معلولان دارای شغل چه در دستگاه‌های اجرایی مشغول باشند و چه در نهادهای خصوصی طبق قوانین از حداقل حقوق و مزایا برخوردار هستند و یارانه بگیر نیز می‌باشند و مقصود مقنن از وضع مقررات مذکور در جهت کاهش فاصله زندگی مشمولین تحت پوشش سازمان مذکور حتی به میزان کم و همچنین کمک به معلولانی بوده که امکان اشتغال نداشته‌اند؛ بنابراین مقرره مورد شکایت مغایرتی با قانون ذکر شده ندارد و قابل ابطال تشخیص داده نمی‌شود و رأی به رد شکایت صادر می‌شود.))

همانطور که در ابتدای طرح این مبحث نیز ذکر گردید معلولان حتی در صورت اشتغال نیز نیاز به مستمری‌های خاص برای جبران هزینه‌های خود دارند. شایان توجه است که شاید معلولان ترجیح دهند روی به اشتغال نیاورند و به همان مستمری‌ای که سازمان بهزیستی برایشان در نظر گرفته شده است اکتفا کنند و یا اینکه روی به مشاغل کاذب بیاورند؛ لذا می‌توان گفت به نوعی مقرر فوق‌الذکر سازمان بهزیستی می‌تواند سدی برای رسیدن ایشان به کار شایسته خود باشد البته باید این را نیز مدنظر داشت که منابع سازمان بهزیستی نیز محدود بوده و این سازمان سعی دارد تا به بهترین نحو موجود منابع را به آسیب‌پذیرترین افراد دارای معلولیت برساند.

نتیجه‌گیری

قانونگذار با توجه به نیازهای معلولان سعی بر آن داشته است تا تبعیض‌های منفی و چندگانه‌ای که بر علیه ایشان در تمامی ابعاد زندگی وجود دارد را رفع نماید و با الحاق به کنواسیون حقوق افراد دارای معلولیت، تصویب قوانین جامع حمایت از معلولان و قانون جامع خدمت‌رسانی ایثارگران و سایر قوانین و مقررات مربوطه به این مهم توجه شده است اما در اجرا شاهد تصمیمات، اقدامات و وضع آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها یا به طور کل مقررات دولتی‌ای هستیم که به نوعی تضییع‌کننده حقوق معلولان هستند. از این حیث دیوان عدالت اداری به موجب صلاحیت‌های خود به تظلمات، شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و در بعضی موارد اشخاص عمومی رسیدگی می‌کند. در حقیقت دیوان با نظارت قضایی که بر اعمال دولت دارد به نحوی در تضمین حقوق افراد دارای معلولیت بسیار مؤثر بوده است.

در رابطه با حق آموزش، معلولان وفق قانون حمایت از معلولان (۱۳۹۷) از آموزش رایگان بهره‌مند شده‌اند اما در عمل در بعضی از مصادیق شاهد عدول از این موضوع هستیم و سازمان بهزیستی کشور با توجه به درگیری‌ها، مشغله‌های متعدد خود، بودجه کم و سایر موارد بعضی از معلولان را از این حق محروم کرده است اما در رویه قضایی دیوان عدالت اداری، هیأت عمومی دیوان، دستورالعمل مصوب سازمان بهزیستی که دانشگاه‌های پردیس بین‌الملل را از موارد آموزش رایگان مستثنی دانسته است را ابطال و این همان احقاق حق معلولان است که مطابق با استانداردهای بین‌المللی در رابطه با برخورداری حق آموزش معلولان است.

در رابطه با حق اشتغال، علی‌رغم وجود قوانین و مقررات حمایتی مختلف باز نسبت بیکاری معلولان نسبت به افراد عادی چند برابر است؛ این در حالی است که حتی قوانین و مقررات وضع شده نیز در بعضی از موارد نادیده گرفته شده مثلاً در مورد سهمیه‌های استخدامی و یا در مراحل مختلف استخدامی (مصاحبه و ...) و امتیازات شغلی در نظر گرفته شده برای معلولان در این زمینه نیز دیوان عدالت اداری نقشی مؤثر در رسیدگی به تضییع حقوق استخدامی معلولان داشته است و محتوی آراء و رویه قضایی دیوان عدالت اداری در این زمینه نیز قابل تقدیر است.

با توجه به مطالب بیان شده در تحقیق و سه بند بالا می‌توان گفت که فرضیه اصلی تحقیق به اثبات رسید؛ رویه قضایی دیوان به نحوی مطلوب موجب تضمین حقوق معلولان می‌گردد. دیوان به عنوان مرجع قضایی در موارد متعددی به مانند سدی بزرگ مانع از تضییع حقوق افراد دارای معلولیت شده است.

منابع

الف) فارسی

- ۱) آگاه، وحید؛ بوربوری، محمد نبی (۱۳۹۶). «تضمین نسل دوم حقوق بشر در رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری»، فصلنامه رأی، مطالعات آرای قضایی، شماره ۲۱، صص ۳۹-۵۸.
- ۲) آیین نامه اجرایی ماده ۹ قانون حمایت از معلولان، هیئت وزیران، مصوب ۱۴، آبان ۱۳۹۸.
- ۳) آیین نامه اجرایی ماده ۸ قانون جامع حمایت از معلولان، مصوب، هیئت وزیران، ۱۰ شهریور ۱۳۸۴.
- ۴) رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، شماره پرونده ۹۷۰۲۲۸۷، شماره دادنامه ۲۷۲۶، تاریخ: ۱۳۹۸/۱۱/۰۴.
- ۵) رأی هیئت تخصصی استخدامی دیوان عدالت اداری، شماره دادنامه: ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۱۱۷، شماره پرونده: هـ/ ۹۷۰۳۹۲۲، تاریخ: ۱۳۹۹/۳/۲۵.
- ۶) رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری، شماره دادنامه: ۱۵۵-۱۵۶، کلاسه پرونده ۸۲/۲۱۱، ۵۹۲ د، تاریخ ۱۳۸۳/۰۴/۲۱.
- ۷) رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، شماره پرونده: ۹۰/۴۱۴-۹۱/۵۳۶، شماره دادنامه ۲۲۴، ۲۲۵، تاریخ: ۱۳۹۱/۰۴/۲۶.
- ۸) زاده نجف، محمدرضا (۱۳۹۹ الف). کار شایسته معلولان و جانبازان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ۹) زاده نجف، محمدرضا (۱۳۹۹ ب). «کار شایسته معلولان در پرتو اسناد حقوقی و سیاست های کلان»، کار و جامعه، شماره ۲۴۹، صص ۱۷-۳۱.
- ۱۰) صدرالحافظی، سید نصرالله (۱۳۷۲). نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری، تهران: شهریار.
- ۱۱) عباسی، بیژن (۱۳۹۰). حقوق بشر و آزادی های بنیادین، ویراست دوم، تهران: دادگستر.
- ۱۲) فکوهی، ناصر (۱۳۸۴). «سازوکار تبعیض مثبت به مثابه ابزار محرومیت زدایی با نگاهی به موقعیت زنان در ایران»، مجله پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۳، صص ۱۱۵-۱۴۱.
- ۱۳) قانون جامع حمایت از معلولان، تهران: مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۶، اردیبهشت ۱۳۸۳.

۱۴) قانون جامع حمایت از افراد دارای معلولیت، تهران: مجلس شورای اسلامی، مصوب ۲۲، فروردین ۱۳۹۷.

۱۵) قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز از کار افتاده و مفقودالثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، تهران: مجلس شورای اسلامی، مصوب ۳۰، شهریور ۱۳۷۲.

۱۶) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، تهران: مجلس شورای اسلامی، مصوب ۲۲، آذر ۱۳۹۰.

۱۷) مشهدی، علی (۱۳۹۵). قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در نظم حقوقی کنونی، تهران: انتشارات خرسندی.

ب) لاتین

- 1) C142-HUMAN Resources Development Convention, 1975, (NO.14).
- 2) Declaration on the Rights of Disabled Persons, proclaimed by General Assembly Resolution 3447 (xxx) of December 1975.
- 3) <http://WWW.BEHZISTI.IR>
- 4) ILC88-Report V: Training for Employment -ILO, 2000.
- 5) R195-HUMAN Resources Development Recommendation, 2004, (NO.195)

استقلال و بی طرفی قضات در حقوق بین الملل موضوعه

محمد ستایش پور^۱

راضیه سیفی پور^۲

چکیده

یکی از مهم ترین مبانی و معیارهای محاکمه عادلانه، حق برخورداری از دادرسی توسط محکمه ای مستقل و بی طرف است که منجر به احقاق حق و تأمین حقوق شهروندان نیز می شود. این اصل، یک اصل کلی حقوق به شمار می آید که اغلب اسناد بین المللی و منطقه ای حقوق بشر به آن توجه فراوانی دارند. استقلال و بی طرفی از اصول مهم در دادرسی محسوب می شود. این دو عبارت با یکدیگر هم پوشانی بسیاری دارند. با این حال این دو عبارت دارای مفهوم یکسانی نیستند. حق دادرسی در یک دادگاه مستقل و بی طرف، از مهم ترین حقوق شهروندان اجتماع است که در قوانین داخلی و اسناد بین المللی پیش بینی شده است که موجب یک دادرسی عادلانه است. استقلال در دادرسی های بین المللی به معنای عدم تأثیرپذیری و عدم تابعیت دادگاه و دادرسی از عوامل خارجی و فشارها از جمله دولت ها، سازمان های بین المللی و افراد قدرتمند است. این مفهوم در نظام داخلی از نظریه تفکیک قوای مونتسکیو نشأت می گیرد و به معنای عدم اعمال نفوذ قوه مجریه بر قوه قضاییه است. به عبارتی استقلال یک عامل بیرونی اما بی طرفی یک عامل درونی به شمار می رود که به معنای عدم جانبداری و طرفداری قاضی در طول رسیدگی از یکی از طرفین دعوا است. اصولاً یکی از عوامل تأمین کننده بی طرفی، استقلال است. در رسیدگی ها و دادرسی ها اصل بر بی طرفی و استقلال قضات و عوامل تشکیل دهنده دادگاه است که تضمین کننده یک دادرسی عادلانه و منصفانه است.

کلید واژه ها: اسناد بین المللی، اصل بی طرفی، اصل استقلال، حقوق بشر، دادرسی عادلانه.

۱. عضو هیأت علمی (استادیار) گروه حقوق بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم. mohamadsetayeshpur@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل دانشگاه قم. razeyehseyfipour@gmail.com

مقدمه

جایگاه قضاوت از جمله مشاغل نادری است که تصدی آن علاوه بر تخصص و علم، نیاز به کسب عدالت و رعایت آن دارد. یادآوری بیان معروف از حضرت علی (ع) در این خصوص خالی از لطف نیست، آن قسمت از بیان ایشان که ضمن اینکه منزلت قضاوت را از آن خداوند، رسول یا اولیا الهی می داند، قضات را به چند دسته تقسیم می کند و تنها قضاوتی را خدایسندانه می داند که هم به حق، هم به علم باشد. در این ارتباط از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که به شریح فرمودند: «مجلس قضاوت، مجلسی است که خداوند در آن پاداش قرار داده و برای کسی که به حق داوری کند ذخیره خوبی قرار گرفته است» (الکافی، ۱۳۶۳: ۷).

بنابر مطالبی که بیان شد، حتی حکمی که حسب اتفاق، حق صادر شده باشد، شایسته و لایق چنین وصفی نیست. بنابراین همان طور که قاضی دارای اختیارات گسترده و وسیع در تصرف، نسبت به مال و جان و ناموس مردم است، به همین مقدار هم مسئولیت پاسخ گویی به رفتار خود را نیز دارد.

ماده یک قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در خصوص امور کیفری، در تعریف آیین دادرسی کیفری مجموعه اصول و مقرراتی را مورد توجه قرار می دهد که برای کشف جرم، تحقیق و جست و جو پیرامون جرایم، تعقیب مجرمان و دستگیری آنان، طریقه ی رسیدگی، صدور رأی، تجدیدنظر از آراء، اجرای احکام و تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی وضع شده است. آیین دادرسی کیفری بر اساس اصولی بنیادین که به طور کلی «اصول راهبردی دادرسی» نامیده می شود، فرایند تعقیب و رسیدگی را انجام می دهد (ماده ۱ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری) (فضائلی، ۱۳۸۷: ۳۵). اصول راهبردی رسیدگی و دادرسی، مجموعه ای از قواعد کلی هستند که موضوع اصلی این اصول، تعیین نقش متقابل اصحاب دعوا و قاضی و تضمین حقوق اساسی و بنیادین طرفین دعوا است. هم چنین اصول بنیادین، حقوق متهم را در طول دادرسی تضمین می کند (پوراستاد، ۱۳۸۷: ۹۸).

حق بر دادرسی عادلانه وسیع تر از مجموعه تضمینات فردی است و علاوه بر رفتار و برقراری عدالت از سوی قاضی، به رفتار و عمل دادگاه و تشکیلات دادرسی نیز بستگی دارد. به همین علت است که اصل بی طرفی و استقلال در رسیدگی و دادرسی از جمله اصول مهمی است که جزء جداناپذیر حق بر یک دادرسی منصفانه و عادلانه است و حق بر قضاوت و دادرسی عادلانه را

تضمین می‌کند. لذا این اصل در همه نظام‌های حقوقی رعایت شده و در همه اسناد مهم جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر در مورد حقوق سیاسی و مدنی بیان شده است (اولبورن، ۲۰۰۳: ۹۸)، (کسسه، ۱۳۸۷: ۱۱۵).

برای تحقق حق بر یک دادرسی عادلانه در دادگاه‌ها، نیازمند رعایت اصول رسیدگی و دادرسی است (خدری، ۱۳۹۳: ۵۲۸). یکی از این اصول اساسی، اصل بی‌طرفی دادگاه است. بی‌طرفی در مفهوم موسع، توصیف نظام رسیدگی و دادرسی است که در آن، قواعد و مقررات دادرسی، ساختار رسیدگی، قاضی رسیدگی‌کننده، تشکیلات و ضوابط دادگاه و به طور کلی کنش‌گران اجرای عدالت کیفری بی‌طرف و به دور از هر گونه جانبداری باشند و گرایش‌های سیاسی، مذهبی، قومی، نژادی و مانند آن را در امر دادرسی دخالت ندهد (فتحی و دادیار، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

مقصود از این نوشتار، بررسی بی‌طرفی در مفهوم مضیق است که وصف دادگاه بوده و در تبیین مفهوم آن می‌توان بیان کرد که دادرس بدون تمایل به یکی از اصحاب دعوا، عدالت را برقرار کرده و با طرفداری از یکی از طرفین دعوا اقدام به صدور حکم نکند. در ضرورت پذیرش اصل بی‌طرفی باید به حکمت تأسیس تشکیلات قضایی مراجعه کرد. مراجعه‌ی افراد به دادگاه برای حل و فصل منصفانه‌ی امور، احقاق حق تضییع شده آنان و رفع ستم است. این مقصود تنها در صورت بی‌طرفی تشکیلات قضایی و به خصوص دادرس محقق می‌شود، قاضی نباید بر اساس تمایلات شخصی با طرفین برخورد کند و نباید با دید پیش‌بینانه به موضوع مطروحه، به رسیدگی بپردازد (فی علیه اتریش^۱، ۱۹۹۳: ۸۱).

خروج از بی‌طرفی، نقض هدف و مخالف با حکمت و تأسیس چنین تشکیلاتی است. اگر قربانی جرم در واقع و بر اساس ارزیابی شخصی، خود را از نظام دادرسی بی‌طرف و مستقل محروم ببیند، برای احقاق حق تضییع شده‌ی خویش، خود شخصاً اقدام می‌کند و گسترش دادگستری خصوصی در جامعه، موجب بی‌نظمی، فزون‌خواهی و هرج و مرج خواهد شد. از سوی دیگر اشخاصی که به ناحق به عنوان متهم وارد جریان دادرسی جانبدارانه، آلوده به تبعیض و طرفداری شده باشند و به علت عدم رعایت اصل بی‌طرفی و استقلال از احقاق حق خود محروم مانده‌اند. این دسته از متهمان، نسبت به سرنوشت قضایی خود هراس دارند، چرا که محاکمه‌ی آنان

۱. Fey v. Austria (1993).

بی طرفانه نیست، به این علت که این محاکمه مبتنی بر اصل براءت نیست و با اصل مجرمیت آغاز می شود (آبزن، ۱۳۹۱: ۷۸).

اهمیت بسیار زیاد این اصل باعث شده که در اسناد بین المللی ناظر بر کیفیت دادرسی مانند «اعلامیه جهانی حقوق بشر» (۱۹۴۸) و «میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی» (۱۹۶۶) و هم-چنین در قوانین داخلی، بی طرفی را به عنوان یک اصل مسلم در دادرسی به شمار می آورند. از اساسی ترین حقوق بشری، حق بر دادرسی عادلانه است که در دادرسی های جزایی به وسیله چند حق عینی شناخته می شود؛ مثل حق بر دفاع توسط خود فرد یا وکیل، حق بر حمایت در مقابل عطف به ما سبق شدن قوانین جزایی، حق بر بی گناه فرض شدن متهم، حق بر دادرسی بدون تأخیر. استقلال و بی طرفی دادرس از جمله اصول اساسی دادرسی عادلانه و منصفانه به شمار می-رود (لیانو^۱، ۲۰۱۳: ۱۱۰). اما رعایت این گونه تضمین ها در همه پرونده ها و شرایط، دادرسی عادلانه را تضمین نمی کند؛ چرا که حق بر دادرسی عادلانه وسیع تر و گسترده تر از مجموعه تضمین های فردی است و به عمل و رفتار دادگاه و تشکیلات دادرسی نیز بستگی دارد. به همین جهت اصل بی طرفی و استقلال در رسیدگی و دادرسی یکی از اصول مهم تضمین حق بر دادرسی عادلانه است. بنابراین، این اصل در همه نظام های حقوقی شناخته و ثبت شده و در همه اسناد مهم جهانی و منطقه ای حقوق بشر مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است.

ایجاد مراجع کیفری بین المللی، به ویژه دیوان کیفری بین المللی، برای اجرای دادرسی عادلانه در سطح جهانی است. از آن جا که صلاحیت دیوان کیفری بین المللی رسیدگی به جنایاتی است که توسط قدرتمندان، سران سیاسی و نظامی کشورها انجام می شود، بررسی چگونگی تضمین اجرای این وظیفه و لوازم اعمال آن، که اصل بی طرفی و استقلال دادرسی یکی از آنها می باشد، بسیار اهمیت دارد. در این مقاله به بررسی مفهوم دو اصل استقلال و بی طرفی دادگاه ها و ضرورت رعایت این دو اصل توسط قاضی می پردازیم.

۱- مفهوم و جایگاه اصل بی طرفی قضایی در حقوق بین الملل موضوعه

در این قسمت به مطالعه مفاهیم بی طرفی و استقلال، رابطه این دو عبارت با یکدیگر و جایگاه آنها در اسناد بین المللی می پردازیم:

۱. Liano.

۱-۱- بی طرفی

«اصل در لغت به معانی بنیاد، بن، ریشه، بیخ، نژاد، گوهر و تبار است» (معین، ۱۳۶۲: ۲۹۳) و در اصطلاح حقوقی، اصل در معانی بسیاری، از جمله راجح و قاعده به کار می‌رود، اما مقصود ما، اصل به معنای قاعده است که متضمن حکمی کلی و ایده‌ی اصلی است که «مجموعه قواعد حقوقی حول آن ارایه می‌شود» (بولانژه، ۱۳۷۶: ۷۳). «برای اصول، اوصافی شامل انتزاعی بودن، کلی بودن، دائمی بودن و ارزشی بودن قائل‌اند» (محسنی، ۱۳۷۶: ۷۹). برای نمونه اصل بی طرفی دادگاه محدود به شیوه‌ی خاصی از دادرسی نیست و رعایت این اصل در مجموع و کلیه‌ی رسیدگی‌ها الزامی است. وصف دائمی بودن اصول کلی حقوقی بدین مفهوم است که مقید به زمانی خاص و مشخص نبوده و تا وقتی که توسط اصل جایگزین منسوخ نشده باشد، معتبر بوده و قانون‌گذار در جایگاه وضع قانون و شخص قاضی در صدور حکم و تفسیر قانون نباید آن را بی-اهمیت و نادیده به شمار آورند (صادقی، ۱۳۸۴: ۳۴).

انتزاعی بودن اصول حقوقی بدین مفهوم است که قابلیت تصور در عالم ذهن و تفکر را دارند، با اینکه مصادیق عینی آن هم موجود است. به بیانی دیگر، این اصول فارغ و مجرد از عین هستند (محسنی، ۱۳۸۵: ۱۰۷). از طرف دیگر، اصول حقوقی ارزشی هستند. ارزش‌ها، واقعیت‌هایی هستند که اشتیاق‌ها و احتیاجات مختلف انسان را پاسخ‌گو هستند (صانعی، ۱۳۸۱: ۳۵۲). منابع این ارزش‌ها می‌توانند مذهب، اخلاق و عوامل گوناگون طبیعی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نژادی و تاریخی باشند. بدین ترتیب اصول حقوقی عبارت است از اصولی که حیات دادرسی و مشروعیت آن به اجرای آن‌ها بستگی دارد.

دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده‌ای به اصول و مشخصه‌های مفهوم بی طرفی اشاره دارد: «بی طرفی دو شرط دارد: اول، مرجع قضایی باید به لحاظ ذهنی تهی از تصورات و تمایلات فردی باشد و دوم، این مرجع باید از نقطه نظر عینی بی طرف باشد تا حدی که تضمینات کافی را برای زدودن هر گونه تردید معقولی در این خصوص ارائه دهد» (فایندلی علیه بریتانی، ۱۹۹۷: ۷۳). «بی طرفی در لغت به معنای عدم جانبداری و عدم دخالت در دسته‌بندی‌های سیاسی است (معین، ۱۳۶۲: ۶۲۹) و در اصطلاح، بی طرفی دادگاه به معنای عدم جانبداری و تعصب نسبت به

یکی از طرفین دعوا است. بی طرفی دادگاه مستلزم آن است که دادرس نسبت به قضیه‌ی مورد رسیدگی دچار پیش داوری نشود و به خود اجازه ندهد تحت تأثیر عوامل خارج از پرونده، مانند احساسات عمومی، تبلیغات رسانه‌ای و گرایش‌های درونی همچون تمایلات عاطفی، قومی، نژادی، عاطفی و عقیدتی قرار گیرد؛ بلکه باید رأی خود را بر استدلال‌های عینی مبتنی بر آن چه در دادرسی ارائه شده است، استوار سازد» (همان: ۱۸۶).

بی طرفی در اصطلاح سیاسی عمل و حالت بی طرف است. تصمیم عدم دخالت در امور سیاسی یا عدم دخول در جنگ که کشور سومی به خود می‌گیرد، چون دو دولت در حال جنگ یا تیرگی مناسبات سیاسی باشند. عدم دخالت در دسته‌بندی‌های سیاسی، عدم تعصب و جانبداری (دهخدا، ۱۳۷۲: ۴۵۴۶). این واژه در زبان حقوق، بدین مفهوم است که تصمیمات باید بر اساس معیار عینی باشند نه مبتنی بر تبعیض، پیش داوری بر اساس دلایل نادرست یا ترجیح یک نفع شخصی نسبت به دیگری. بنابراین بی طرفی معمولاً به عدم پیش داوری یا جانبداری، خواه نسبت به یک عقیده و رویکرد باشد خواه نسبت به فرد، گروه، قوم یا حزب خاص اشاره دارد (فضائلی، ۱۳۸۷: ۲۴۲).

از این تعاریف این طور برداشت می‌شود که «بی طرفی به معنای بی نظری و خنثی بودن نیست، هر شخصی با توجه به عقاید و علایق خود به سمت یک نظریه یا رویکرد بیشتر تمایل دارد، اما بی طرفی در فرایند دادرسی به معنای عدم التزام به حفظ یا حمایت از منافع یکی از طرفین بدون در نظر داشتن قانون و حقیقت و معیارهای عینی است» (ناجی‌زواره، ۱۳۸۹: ۲۹).

در یک دادرسی عادلانه تنها جانبداری اصحاب دعوا و وکلای آنان پذیرفتنی است و دیگر اعضا و اجزای دادرسی اعم از قاضی، کارشناس، مترجم، عضو هیأت منصفه و شاهد، مکلف به بی طرفی هستند. از این رو بیان می‌شود که: «بی طرفی هم حق مشترک اصحاب دعواست و هم تکلیف مشترک افراد دخیل در دادرسی»؛ زیرا اساس و بنیاد بی طرفی به برابری حقوقی افراد که از جمله حقوق بنیادین بشری است برمی‌گردد (ناجی‌زواره، ۱۳۸۵: ۳۴).

بر خلاف تفکر معمول، بی طرفی فقط مرتبط با شخص دادرس یا قاضی نیست. بی طرفی باید مربوط به کل سیستم دادرسی و کل تشکیلات دادگاه و رسیدگی باشد که قاضی هم جزئی از این سیستم است و به همین سبب است که در اسناد منطقه‌ای و جهانی عبارت بی طرفی دادگاه را بیان

کرده و مورد توجه قرار داده‌اند نه صرفاً بی‌طرفی قاضی (شتریت^۱، ۱۹۸۵: ۳۹۳).

«در تشخیص بی‌طرفی دادرس، دو معیار ذهنی و عینی قابل استفاده است. ملاک ذهنی، جنبه‌ی شخصی دارد و به بی‌طرفی شخص قاضی اشاره دارد، اما در ملاک عینی، این موضوع مطرح است که قطع نظر از رفتار شخصی دادرس، آیا واقعیات یا شرایط خارجی تردید در بی‌طرفی وی وجود دارد یا خیر. ملاک ذهنی به ویژگی‌های قاضی که وظایف قضایی را انجام می‌دهد، مربوط می‌شود. ملاک عینی مرتبط با این پرسش است که آیا سازمان‌دهی و ترکیب دادگاه یا تسلسل و تلاقی برخی از وظایف یکی از اعضای آن می‌تواند نسبت به بی‌طرفی دادگاه تردید ایجاد کند یا خیر. آن-چه در این قسمت مورد توجه است، حس اعتمادی است که دادگاه‌ها باید در جامعه، در مردم و از جمله طرفین ایجاد کنند» (ساکوچی، ۲۰۰۳: ۲۷).

به طور کلی می‌توان بیان کرد دادرس تحت تأثیر دو دسته از عوامل بی‌طرفی است:

- عوامل بیرونی که طبق معیار عینی سنجیده می‌شوند.
- عوامل درونی که معیار تشخیص آن‌ها ذهنی است.

قاضی باید نسبت به عوامل بیرونی هشپاری کامل داشته باشد و خطر تأثیرگذاری آن‌ها را بر رأی خود بشناسد. از طرف دیگر باید بکوشد که در جریان رسیدگی و دادرسی به پرونده و در مقام تصمیم‌گیری، به واسطه تمایلات درونی برانگیخته نشود. بنابراین در مقام ارائه‌ی معیار برای بی‌طرفی باید به معیاری مختلط از ذهنی و عینی قائل بود.

«حق برابری را می‌توان به عنوان مبنا و اساس اصل بی‌طرفی به شمار آورد. این حق، مقدم بر قانون است و اقتضا دارد که در دادرسی کیفری، با افراد، بی‌طرفانه رفتار شود. چرا که در فرض برابری طرفین، جانبداری از یکی از طرفین امری غیرقابل توجیه است» (ناجی‌زواره، ۱۳۸۵: ۳۴).

۱-۲- الزامات اصل بی‌طرفی دادگاه

اقدامات قضایی انجام گرفته در طول فرایند دادرسی، علاوه بر آن‌که از حیث ماهیتی باید منصفانه و بی‌طرفانه باشد، نیازمند ظاهری بی‌طرفانه نیز هست به این منظور که اعتماد اصحاب دعوا و اشخاص خارج از دادرسی را به دست آورد؛ به گونه‌ای که برای هر انسان عاقلی قابل ملاحظه و

۱. Shetreet.

درک باشد که دادرسی، روندی بی طرفانه داشته و خواهد داشت. دادگاه نباید تحت هیچ شرایطی از بی طرفی عدول کرده و به نفع مصالح و منافع طرف دیگر دعوا، این امر را حتی برای مدت کوتاه و موقت متوقف کند (آیزن، ۱۳۹۱: ۸۲).

در یک دادرسی عادلانه فقط جانب‌داری طرفین دعوا و وکلای آنان مورد قبول است و اجزای دیگر دادرسی بی طرف هستند. بنابراین بی طرفی، حق مشترک طرفین دعواست که باید از سوی دادرس و هم کل تشکیلات دادگاه رعایت شود. علاوه بر بی طرفی دادگاه و تشکیلات دادرسی، لازم است که ظاهر رفتار قاضی نشان دهنده بی طرفی باشد. دادگاه باید بی طرفی واقعی و حقیقی خویش را در ظاهر به نمایش گذارد، با نمایش بی طرفی از سمت دادگاه مفاهیم عدالت و انصاف در دادرسی به ذهن اصحاب دعوا القا می‌شود و هم‌چنین به آنان حس امنیت در رسیدگی اعطا کرده و از هر گونه تردید و سوء ظن در صحت عملکرد دادگاه جلوگیری می‌کند (کاشانی، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

۲- مفهوم و جایگاه اصل استقلال قضایی در حقوق بین‌الملل موضوعه

استقلال در لغت به معنای آزادی، خودمختاری، عدم وابستگی، تحت نفوذ چیزی یا جایی نبودن، ضابط امر خود بودن و به خودی خود به کاری بر ایستادن بدون شرکت دیگری می‌باشد و در واقع به معنای «خودسالاری»، «آزادی از تأثیر، فارغ از تأثیر» و «تحت کنترل دیگری نبودن» است (پیتر^۱، ۲۰۰۴).

«مفهوم اصطلاحی استقلال دادگاه، به فقدان رابطه بین دادگاه با دستگاه اداری اشاره می‌کند. شرط استقلال را می‌توان به عنوان قاعده‌ای تعریف کرد که در آن به عدم ارتباط بین دادگاه و اشخاص دیگری که موجب قانون یا دارای اختیاراتی باشند که بتوانند در برخی تصمیمات قضایی تزلزل به وجود آورند، تصریح شده باشد» (ساکوچی، ۲۰۰۳: ۲۲).

دخالت دیگران، شامل نفوذ قوای مقننه و مجریه در وظایف قضایی، دخالت و سوگیری مقامات قضایی در کار دادرسان و فشارهای وارده از سوی گروه‌های ذی‌نفوذ است. ساختار سیستم قضایی باید به گونه‌ای باشد که وظایف غیرقضایی از آن تفکیک داده شود. از جمله تکالیف و تعهدات دولت، احترام به استقلال قوه قضائیه است. مفهوم استقلال قضایی مبتنی بر اصل تفکیک

۱. Peter.

قوا است (امیری و ویژه، ۱۳۹۳: ۲۶-۱). همچنین مونتسکیو در کتاب (روح القوانين) درباره ضرورت انفصال قوا بیان داشته است: «هرگاه قوه قانون گذاری و قوه مجریه در اختیار یک دستگاه باشد، ممکن است آزادی مضمحل شود. اجتماع دو قوه مقننه و قضائیه موجب می شود که جان و آزادی مردم در معرض کنترل مستبدانه واقع گردد. اگر قوه مجریه با قوه قضائیه مجتمع گردد، قاضی ممکن است همانند یک ستمگر با تعدی و خشونت با افراد و صاحبان حق رفتار کند.» حال آن که بی طرفی به معنای عدم جانبداری و عدم پیش داوری به نفع یکی از طرفین دادرسی است و اصولاً استقلال یکی از عوامل تأمین کننده بی طرفی می باشد.

ارگان های مختلف حکومتی مسئولیت های مخصوص به خود و انحصاری دارند و صلاحیت قوه ی قضائیه منحصر به کلیه مواردی است که دارای موضوع و ماهیت قضایی باشند. قوه ی قضائیه به عنوان یک سازمان در رسیدگی به پرونده ها و دادرسی دارای اختیاراتی است. قوه ی قضائیه موظف می باشد، به دور از طرفداری از یکی از طرفین دعوا و بر اساس حقایق و مطابق با قانون و بدون هیچ گونه محدودیت و نفوذ، فشار، تهدید یا مداخلات مستقیم یا غیرمستقیم از هر بخش و مقام دولتی، تصمیم اتخاذ کرده و حکمی عادلانه صادر نماید (طه و اشرفی، ۱۳۸۶: ۱۳۱). به عبارت دیگر، هر زمان مراجع و قدرت هایی به دنبال آن باشند که با نفوذ و اثرگذاری بر دادگاه یا دادرسان، رأی و تصمیم آن ها را متأثر ساخته و تغییر دهند و دادگاه یا قضات فاقد ابزار و تضمین های لازم برای در امان ماندن از چنین تأثیری باشند، فاقد استقلال خواهند بود (همان: ۱۸۶).

از مهم ترین اصول اساسی اصل استقلال دادرس، استقلال نظر ایشان به هنگام اتخاذ تصمیم است. دادرسان، دارای استقلال به هنگام صدور حکم هستند و باید از اثر پذیرفتن و اعمال قدرت های دیگر اجتناب کنند. کلیه قضات از منظر عملکرد قضایی از آزادی کامل برخوردار هستند. بنابراین توصیف، در قوه قضائیه نباید سیستم سلسله مراتبی جایی داشته باشد، هیچ کدام از دادرسان تابع دیگری نیست و تبعیتی میان آنان وجود ندارد (لیانو^۱، ۲۰۱۳: ۱۱۴).

در نظام قضایی اسلام، دادرس دارای استقلال قضایی کامل است؛ بدین معنا که در دادرسی و صدور حکم، باید به تفکر برای دستیابی به عدالت از طریق اجرای قانون و احکام الهی به دور از ملاحظات و مصلحت اندیشی های مختلف بپردازد. دادرس نباید تحت نفوذ هیچ مقام اجرایی باشد

۱. LIano.

یا از کسی فرمان و توصیه بپذیرد. بسیاری از صفاتی که در اسلام برای دادرس و قاضی معتبر دانسته شده است، به منظور تأمین و اجرای اصل بی طرفی قاضی و استقلال او است. صفاتی مانند عدالت، فراست، شجاعت، هوشیاری، علم و اجتهاد و بسیاری از احکام و آدابی که برای امر قضا ذکر شده نیز در جهت حفظ استقلال وی و تضمین سلامت آراء صادره از دادگاه و دستیابی به دادرسی عادلانه است (فرحزادی، ۱۳۷۹: ۵۲).

استقلال قضایی در اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران مورد تأکید قرار گرفته است: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است...». همچنین اصل ۱۶۴ قانون اساسی نیز برای استقلال دادرسان تضمیناتی در نظر گرفته است: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل به آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد، مگر به اقتضای منافع و مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل، نقل و انتقال قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد» (اصل ۱۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

مقصود از استقلال قوه قضائیه در اصل ۱۵۶ افزون بر ضرورت جدایی از دو قوه دیگر، استقلال و متکی به خود بودن در رسیدگی و صدور حکم شخص قاضی نیز می‌باشد (غمامی، ۱۳۸۶: ۴۴). همچنین ماده ۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (۱۳۷۹) در این مورد بیان داشته است: «هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی‌تواند حکم دادگاه را تغییر دهد یا از اجرای آن جلوگیری کند، مگر دادگاهی که حکم را صادر نموده و یا مرجع بالاتر آن هم در مواردی که قانون معین نموده است» (ماده ۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹).

۳- مقایسه اصل بی طرفی و استقلال قضایی

مفاهیم بی طرفی و استقلال با یکدیگر هم پوشانی دارند و دارای رابطه‌ای نزدیک هستند و در موارد زیادی، ارگان‌های کنترل کننده قضایی بین المللی این دو مفهوم را مشترک با یکدیگر می‌پندارند و

آن‌ها را همراه با هم به کار می‌برند (دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در همکاری با کانون وکلای بین‌المللی، حقوق بشر در اجرای عدالت^۱، ۲۰۰۳: ۱۱۹).

دو اصطلاح استقلال و بی‌طرفی معمولاً به همراه یکدیگر به کار می‌روند؛ همان‌طور که ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌کند: «هر فرد با تساوی کامل حق دارد به حقوق و تعهداتش و نیز به هر اتهام علیه او و در جلسه‌ای علنی و منصفانه و توسط دادگاهی مستقل و بی‌طرف رسیدگی شود». این کلمات و عبارات در بند ۱ ماده ۸ و بند ۲ ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی و بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۷ و ماده ۲۶ کنوانسیون آفریقایی و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی به کار رفته‌اند. دو مفهوم استقلال و بی‌طرفی در بدو امر یکسان به نظر می‌رسند اما این دو عبارت از یکدیگر متمایز هستند و در دادرسی عادلانه جایگاه متفاوتی دارند.

بی‌طرفی به معنای جانبداری نکردن از شخص یا چیزی مانند رأی، حکم و عقیده است. مقصود از بی‌طرفی در رسیدگی‌های قضایی، رسیدگی غیرجانبدارانه و بدون پیش‌داوری و بدون توجه به منافع و مصلحت یکی از طرفین است و خود از لوازم و ضرورات یک دادرسی عادلانه است. بی‌طرفی به روند رسیدگی اشاره دارد و بیانگر عدم جانبداری از سوی دادرس در طول محاکمه است. اما منظور از استقلال دادرس و قاضی، مصونیت دادرس یا دادگاه از نفوذ و کنترل قدرت سیاسی است (آبز، ۱۳۹۱: ۹۱). همچنین شرط استقلال بیشتر به جنبه‌های نهادین ارگان قضایی توجه دارد تا به ویژگی و مشخصه‌های شخصی افراد تشکیل‌دهنده آن. در مقابل، مفهوم بی‌طرفی بیشتر به تجربیات و خصوصیات شخصی افراد عضو دادگاه وابسته است تا سازمان و تشکیلات قضایی. بی‌طرفی شامل عدم تعصب، استقلال و عدم تعهد است. استقلال، مصونیت از عوامل خارجی است و بی‌طرفی، مصونیت از عوامل درونی که می‌تواند تحت تأثیر شرایط خارجی قرار گیرد (فضائلی، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

استقلال و بی‌طرفی به شرح زیر قابل تفکیک هستند: بی‌طرفی «یک حالت ذهنی و روانی» است که واقعاً یا بر حسب ظاهر برای دادرس پرونده یا طرفین آن ایجاد می‌شود. این حالت ذهنی به کیفیت قضاوت راجع به موضوع پرونده یا طرفین آن مرتبط است، در حالی که استقلال یک موقعیت یا وضعیت است. این موقعیت یا وضعیت نسبت به اشخاص خارج از پرونده مرتبط است

۱. Office of the High Commissioner for Human Rights in Cooperation with the International Bar Association, Human Rights in the Administration of Justice.

که جزء اصحاب دعوا نیستند و ظاهراً یا واقعاً دارای توانایی‌ها و اختیارات قانونی یا غیرقانونی هستند که بر نحوه‌ی رسیدگی و صدور حکم مؤثر هستند.

حفظ استقلال یکی از ملزومات حفظ بی طرفی است و برای حفظ بی طرفی دادرس لازم و ضروری است که استقلال ایشان حفظ شود و البته که صرف حفظ استقلال، بی طرفی قاضی را تضمین نمی‌کند؛ چرا که امکان دارد دادرس مستقل، تحت تأثیر شرایط و اوضاع و احوالی دیگر مانند داشتن رابطه خاص با یکی از طرفین، از مسیر بی طرفی منحرف شود. همچنین که نقض استقلال قاضی، الزاماً منجر به نقض بی طرفی از سوی او نمی‌شود و این امکان وجود دارد که با ایستادگی دادرس به رغم نقض استقلال او با صدور دستور یا بخشنامه، او همچنان بی طرف باقی بماند و صدور حکم را بدون جانب‌داری و طرفداری از یکی از طرفین دعوا به انجام برساند. نقض استقلال می‌تواند منجر به نقض بی طرفی شود یا نشود همان‌طور که نقض بی طرفی ممکن است نتیجه نقض استقلال باشد یا چنین نباشد.

نقض بی طرفی، اگر ناشی از نقض استقلال نباشد موقتی و در خصوص پرونده‌ای خاص است که در همه پرونده‌ها مطرح نیست و در مورد پرونده‌ای معین است که با اتمام جریان رسیدگی آن پرونده نقض بی طرفی هم رفع می‌گردد، در حالی که وجود یا عدم وجود استقلال، یک امر کلی و نسبتاً ثابت است و مربوط به یک یا چند پرونده خاص نیست؛ چرا که عدم استقلال دادرس ناشی از نفوذ یک قدرت دیگر است (صدور بخشنامه از سوی قوه‌ی دیگر) (آبزن، ۱۳۹۱: ۹۱-۹۲). از مقایسه مفاهیم استقلال و بی طرفی می‌توان به این نتیجه رسید که استقلال قضایی یکی از ابزارهای لازم و اساسی تأمین‌کننده بی طرفی است، اما تنها شرط کافی برای تأمین بی طرفی نیست (ناجی-زواره، ۱۳۸۹: ۲۹).

برای تأمین بی طرفی شرایط دیگری جز استقلال لازم است؛ از جمله علنی بودن دادرسی، مستند و موجه بودن رأی، مصونیت دادرسان و مستدل بودن. یک دادگاه ممکن است مستقل باشد ولی نسبت به یکی از طرفین دعوا جانب‌داری کند، در حالی که اصولاً دادگاهی که مستقل نباشد با جانب‌داری رفتار می‌کند چرا که در جریان دادرسی و صدور رأی استقلالی ندارد. با وجود تفاوت و تمایزی که بین این دو مفهوم بی طرفی و استقلال است، وجود هر دوی این اصول در جریان دادرسی موجب تأمین حق دادرسی منصفانه و عادلانه خواهد بود و عدم وجود هر کدام، عادلانه بودن جریان دادرسی را مختل می‌کند.

اصل بی طرفی و استقلال قضایی در محاکم داخلی کشورها بسیار مورد توجه قرار گرفته است. چرا که افرادی برای احقاق حق خود به دادگاه‌ها و محاکم قضایی مراجعه می‌کنند تا حق تضییع شده خود را با دادرسی منصفانه و عادلانه باز پس گیرند. یکی دیگر از مسائل مطروحه در خصوص صلاحیت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، وابستگی آن‌ها به دولت‌ها و نهادهای دیگر است (رابرت و دیگران^۱، ۲۰۱۰: ۴۳۲).

اهمیت رعایت استقلال و بی طرفی در محاکم داخلی کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است و در قوانین مدون کشورها و همچنین رویه قضایی مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است. در نظام حقوقی ایران که اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصول ۱۵۶، ۱۵۸ و ۱۶۴ به ترتیب به استقلال قوه قضائیه، نحوه گزینش قضات عادل و شایسته، مصونیت قضات و عدم نقل و انتقال قضات اشاره دارند، بیان کننده استقلال و بی طرفی در سیستم قضایی ایران هستند. همچنین در قوانین و مقررات آیین دادرسی کیفری و مدنی هم، به خصوص موارد رد دادرس و ایجاد نهاد دادرس، علنی بودن دادرسی و تحقیق از کارشناسان و گواهان به مصادیق رعایت این اصل توجه شده است (ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۹ با اصلاحات سال ۱۳۸۱ و مواد ۱۵۱، ۱۹۶ و ۲۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، مواد ۳، ۴۲۱ و ... آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۴۷، ۹۱، ۲۳۵، ۲۳۷ و ۲۳۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹) (رشیدی، ۱۳۹۴: ۱۷).

در قوانین کشورهای دیگر به دلیل رابطه این اصل با حقوق بشر در اصول اساسی کشورها، به اصل بی طرفی و استقلال دستگاه قضایی توجه شده است. به عنوان مثال «اصل ۱۳۸ قانون اساسی الجزایر اعلام می‌کند: قوه قضائیه مستقل است و در محدوده مشخص قانون عمل می‌کند و به موجب اصل ۱۴۷ قاضی تنها تابع قانون است. همچنین بر اساس اصل ۷۶ قانون اساسی ژاپن کلیه قضات در صدور رأی و حکم خود دارای استقلال تابع قانون اساسی و سایر قوانین کشور می‌باشند. در بند یک اصل ۱۵۱ قانون اساسی بلژیک آمده است که قضات در اعمال اختیارات قضایی خود مستقل هستند. قانون اساسی افغانستان به موجب اصل ۱۱۶ و قانون اساسی عراق نیز به

۱. Robert et all.

موجب اصل ۴۳ استقلال قوه قضائیه را تضمین می‌کند (بهمنی، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۸).

نتیجه‌گیری

اصل بی طرفی و استقلال یکی از اصول مهم و اساسی دادرسی عادلانه و منصفانه به عنوان یک حق بنیادین بشری است و اجرای این اصول در طول دادرسی‌ها و در محاکم داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ضروری است. از این رو دادگاه باید نسبت به طرفین دعوا بی طرف باشد و این بی طرفی محرز و قابل مشاهده باشد. یکی از ابزارهای بارز بودن بی طرفی، علنی بودن رسیدگی است تا افراد جامعه، بی طرف بودن دادگاه را مشاهده و اطمینان داشته باشند که دادگاه حق تضییع شده آنان را باز پس می‌گیرد و احقاق حق می‌نماید. رعایت این اصل موجب آرامش و امنیت افرادی که درگیر در جریان دعوا هستند نیز می‌شود. همچنین رعایت این اصول از گسترش دادگاه‌های شخصی جلوگیری می‌کند، چه بسا افرادی بی گناه در جریان یک دادرسی طرفدارانه و ناعادلانه مجرم شناخته می‌شوند و حقوق آنان ضایع می‌شود. در نتیجه افراد که برای احقاق حق خود به دادگاه مراجعه کرده‌اند و با تضییع حق خود به جای احقاق حق، رو به رو می‌شوند خود دست به جبران خسارت و احقاق حق می‌زنند و به این گونه است که موجب فزون‌خواهی، گسترش دادرسی‌های شخصی و در نتیجه رعایت نکردن قانون و هرج و مرج در جامعه می‌شوند. که همه این موارد ریشه در دادرسی‌ای دارد که دو اصل اساسی بی طرفی و استقلال را رعایت نکرده باشد.

این دو مفهوم بی طرفی و استقلال علی‌رغم اینکه همراه یکدیگر به کار می‌روند دارای مفاهیم متفاوتی هستند. بی طرفی مفهومی عام‌تر از استقلال دارد و استقلال یکی از لوازم اعمال بی طرفی است و این بدان معنا نیست که اگر چه استقلال لازم است اما برای اعمال بی طرفی کافی نیست و همچنین که دادگاهی که مستقل است حتماً و لزوماً بی طرف نیست، اگرچه استقلال برای یک دادرسی عادلانه و منصفانه لازم و ضروری است اما کافی نیست و باید قاضی در طول رسیدگی پرونده بی طرف بوده و از جانبداری و پیش‌داوری خودداری کند.

بی طرفی یک حالت ذهنی است حال آن‌که استقلال یک مفهوم عینی است. توضیح اینکه بی طرفی یک حالت ذهنی و روانی موقت پس از تشکیل پرونده است، اما استقلال دادگاه یک وضعیت نسبتاً ثابت مطرح شده پیش از تشکیل پرونده است. تفکیک این دو اصل آسان نیست و نقض یکی متضمن نقض دیگری است. برای رسیدگی عادلانه رعایت این دو اصل لازم و ضروری است چرا که باعث احقاق حق اشخاص و جلوگیری از تضییع حق آنان است و همچنین است که

نظم و عدالت را در جامعه برقرار کرده و از دادرسی خصوصی و فزون‌خواهی‌های افراد جلوگیری می‌کند. رعایت این دو اصل موجب توزیع عدل در جامعه داخلی و بین‌المللی خواهد بود. به عبارتی دیگر استقلال و بی‌طرفی دادرس دو رکن مهم و اساسی دادرسی است؛ از این رو دادرسی که دارای این دو ویژگی باشد دادرسی عادلانه و منصفانه خواهد بود. استقلال قضات در رسیدگی و دادرسی از اصول پذیرفته شده است که استقلال قضات جهت جلوگیری از دخل و تصرفات مستبدانه و ایجاد عدالت محض ضروری است و تجارب تاریخی بیشتر سیستم‌های حقوقی پیشرفته دنیا نیز حاکی از این می‌باشد که استقلال قضات از عناصر اصلی توزیع عدل در جامعه خواهد بود.

اغلب اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی به جای عبارت اصل بی‌طرفی قاضی از اصل بی‌طرفی دادگاه سخن گفته‌اند؛ بنابراین علاوه بر استقلال و بی‌طرفی دادرس باید تمامی اعضاء و دست‌اندرکاران سیستم قضایی نیز این دو اصل را رعایت کنند. در مراجع کیفری بین‌المللی این اصل به عنوان یکی از اصول مهم دادرسی شناخته می‌شود. نظام قوه قضائیه دارای سلسله مراتبی نیست و این استقلال قضات در جریان رسیدگی را محرز و مشخص می‌کند. هم‌چنین در رسیدگی و دادرسی‌ها عموماً اصل بر استقلال و بی‌طرفی قضات است و افرادی که خلاف این اصل را ادعا می‌کنند، می‌بایست دلایل قوی برای اثبات این ادعا ارائه دهند.

منابع

الف) فارسی

- ۱) آبرن، مهدی (۱۳۹۱). «اصل بی طرفی دادگاه و مقایسه‌ی آن با اصل استقلال دادگاه»، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۱، دوره جدید، صص ۷۷-۹۶.
- ۲) آساکوچی، آندر (۱۳۸۶). «استقلال و بی طرفی قضات: شرط بنیادین محاکمه عادلانه»، ماهنامه قضاوت، شماره ۴۷، صص ۵۹-۶۵.
- ۳) آساکوچی، آندر (۲۰۰۳). **حاکمیت قانون و محاکمه‌ی عادلانه**، برگردان: مینا سیم‌ور، چاپ نخست، تهران: نشر نی.
- ۴) امیری، محسن؛ ویژه، محمدرضا (۱۳۹۳). «اصول بنیادین ناظر بر تضمین استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به حقوق فرانسه»، فصلنامه مدرس علوم انسانی (پژوهش‌های حقوق تطبیقی)، شماره ۸۵، صص ۱-۲۶.
- ۵) بولانژه، ژان (۱۳۷۶). «اصول کلی حقوق و حقوق موضوعه»، برگردان: علی‌رضا محمدزاده وادقانی، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۶، صص ۷۳-۱۰۰.
- ۶) پور استاد، مجید (۱۳۸۷). «اصل حاکمیت اصحاب دعوای مدنی»، فصلنامه حقوق مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۳، صص ۹۷-۱۲۵.
- ۷) توحیدی، احمدرضا؛ رشیدی، مهناز (۱۳۹۴). «استقلال و بی طرفی رسیدگی‌های قضایی در نظام کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۵، صص ۱۱-۳۲.
- ۸) خدری، صالح (۱۳۹۳). «اصول دادرسی در داوری تجاری بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، سال ۴۴، شماره ۴، صص ۵۲۷-۵۴۳.
- ۹) دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). **لغت‌نامه دهخدا**، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۰) صادقی، محسن (۱۳۸۴). **اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه**، چاپ نخست، تهران: میزان.
- ۱۱) صانعی، پرویز (۱۳۸۱). **حقوق و اجتماع (رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی)**، چاپ نخست، تهران: نشر نو.
- ۱۲) طه، اشرافی؛ فریده، لیلا (۱۳۸۶). **دادرسی عادلانه**، چاپ نخست، تهران: میزان.

- ۱۳) غمامی، محسنی؛ مجید، حسن (۱۳۸۶). اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ۱۴) فتحی، محمدجواد؛ دادیار، هادی (۱۳۹۲). «جایگاه دادستان در سیاست جنایی نوین و الزمات دادرسی عادلانه»، مجله فقه و حقوق اسلامی، شماره ۷، صص ۱۲۳-۱۴۸.
- ۱۵) فرحزادی، علی اکبر (۱۳۷۹). «معرفی اجمالی اصول بنیادین دادرسی در اسلام»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره‌های ۱۹-۲۰، صص ۳۷-۸۰.
- ۱۶) فضائلی، مصطفی (۱۳۸۷). دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی، چاپ نخست، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ۱۷) کاشانی، سید محمود (۱۳۸۳). استانداردهای جهانی دادگستری، چاپ نخست، تهران: میزان.
- ۱۸) کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷). حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، انتشارات جنگل.
- ۱۹) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۰) معین، محمد (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- ۲۱) ناجی‌زواره، مرتضی (۱۳۸۵). «بی‌طرفی در دادرسی کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷، صص ۷۸-۲۹.

ب) لاتین

- 1) Arjana Llano (2013). Independence of the Judiciary, 3 Juridical Trib, p. 110.
- 2) Ben, Olbourne (2003). Independence and Impartiality: International Standards for National Judges and Courts, 2 Low and Prac. Intel Cts. Tribunals 97.
- 3) Collin, Peter (2004). Dictionary of Law, Fourth Edition, Bloomsbury Publishing.
- 4) Cryer, Robert; Friman, Hakan; Robinson, Darryel; and Elizabeth Wilmshurst (2010). An Introduction to International Criminal Law and Procedure, New York, 2nd Edition.
- 5) Fey v (1993). Austria, 255-A Eur. Ct. H.R. 263, para 73.
- 6) Findlay v. UK (1997). 1 Eur. Ct. H.R. 263, para 26.
- 7) Office of the High Commissioner for Human Rights in Cooperation with the International Bar Association, Human Rights for judges, Prosecutors and Lawyers, Chapter 4, United Nations, New York and Geneva, 2003.
- 8) S. Shetreet, "The Emerging Transnational Jurisprudence on Judicial Independence: The IBA Standards and Montreal Declaration" ("Shetreet, Transnational Jurisprudence") in S. Shetreet and J. Desch-nes (eds), Judicial Independence: The Contemporary Debate (1985), p. 393.

امنیت اجتماعی در پرتو پاسداشت حقوق عامه از سوی دادستان

مصطفی عابدزاده^۱

چکیده

امنیت اجتماعی یکی از مطالبات بنیادین شهروندان از حاکمیت‌ها است. احیای حقوق عامه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر عهده قضایه است. حقوق عامه به مفهوم حقوق گوناگون مقرر و مفروض برای شهروندان در قوانین گوناگون است. بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دستورالعمل «نظارت و پیگیری حقوق عامه» ۱۳۹۷ مستندات حقوق عامه در کشورمان است. بایسته‌های امنیت اجتماعی در پرتو پاسداشت حقوق عامه از سوی دادستان شامل روزآمدسازی رویکردهای دادستان در قبال حقوق عامه، در نظر داشتن چگونگی پاسخ‌دهی به این جرائم در پرتو پیمایش‌های اجتماعی و مبارزه با جرایم دولتی در قلمرو پاسداشت حقوق عامه است. تعارضات شناختی خرده فرهنگی، بی‌اعتمادی احتمالی به توانمندی‌های نظام عدالت کیفری و پررنگ بودن ترس از جرم برخی از چالش‌های فراروی این آرمان است. برآیندهای پاسداشت امنیت اجتماعی برخاسته از کنشگری دادستان در قبال حقوق عامه نیز شامل به زمامداری کیفری و سرمایه اجتماعی است.

کلید واژه‌ها: امنیت اجتماعی، حقوق عامه، دادستان، قوه قضائیه.

مقدمه

ضرورت دفاع از حقوق و آزادی‌های گوناگون شهروندان در هر زمان سبب می‌شود که حاکمیت، راهبردهای مناسبی را برای دستیابی به اهداف خود از این راه در پیش گیرد. یکی از مفاهیم مهمی که در نظام حقوقی ایران وجود دارد، پاسداری از حقوق عامه است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عنوان احیاء آن در این راه استوارانه عمل کرده است. این رسالت بر دوش دادستان است. در واقع، دادستانان عوامل اصلی اجرای عدالت هستند و باید به نوبه خود بر کرامت انسانی احترام نهاده و از آن پاسداری نمایند و بر حقوق بشر پافشاری کنند (حسانی، ۱۳۹۶: ۱۵).

امنیت در هر یک از گونه‌های خود و امنیت اجتماعی نیز در هر زمان در شمار مهم‌ترین لوازم در زندگی در جامعه به شمار می‌رود. از همین‌رو تحقق آن یکی از مهم‌ترین مطالبات شهروندان از حکومت‌ها است. بر پایه این مراتب، این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است، درصدد است به تبیین امنیت اجتماعی از چشم‌انداز پاسداری دادستان از حقوق عامه بپردازد. بنابراین پس از بررسی حقوق عمومی، هر یک از مؤلفه‌های گوناگون امنیت اجتماعی در پیوند با حقوق عامه از نظر گذرانده می‌شود.

۱- حقوق عامه

این نوشتار به مطالعه پاسداشت حقوق عامه از سوی دادستان و برآیندهای آن بر امنیت اجتماعی می‌پردازد. از همین‌رو در آغاز، قلمرو حقوق عامه بررسی می‌شود.

۱-۱- مفهوم‌شناسی

در آغاز باید خاطر نشان شود که هنوز هم تعریفی مورد اتفاق، پیرامون حقوق عامه وجود ندارد. همچنین درباره پیوندهای گوناگون و جایگاه آن در حقوق عمومی نیز بسیار گفته شده است. با وجود این و به زبان ساده می‌توان حقوق عامه را به مفهوم مجموعه‌ای از حقوق گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و.. شهروندان دانست.

در این راستا، ماده ۱ دستورالعمل «نظارت و پیگیری حقوق عامه» ۱۳۹۷، مقرر داشته است: «حقوق عامه حقوقی است که در قانون اساسی، قوانین موضوعه و یا سایر مقررات لازم‌الاجرا ثابت است و عدم اجرا یا نقض آن، نوع افراد یک جامعه مفروض مانند افراد یک شهر، منطقه، محله و صنف را در معرض آسیب یا خطر قرار می‌دهد یا موجب فوت منفعت یا تضییع امتیاز آنان

می‌شود، از قبیل آزادی‌های مشروع، حقوق زیست محیطی، بهداشت و سلامت عمومی، فرهنگ عمومی و میراث فرهنگی، انفال، اموال عمومی و استانداردهای اجباری.»

۱-۲- پیشینه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند ۲ اصل ۱۵۶ خود به تبیین حقوق عامه پرداخته است. از همین رو می‌توان گفت قانون اساسی ایران به نحو احسن به بیان حقوق عامه افراد پرداخته و مدیریت اسلامی به معنای واقعی کلمه را در این زمینه تحقق بخشیده است (شایان‌فر، ۱۳۹۳: ۶۱). افزون بر این، دستورالعمل شماره ۱۰۰/۵۳۷۹۸/۹۰۰۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۳ ریاست وقت قوه قضائیه در خصوص «نظارت و پیگیری حقوق عامه» نیز دیگر مستند حقوقی این مفهوم در کشورمان به شمار می‌رود.

۲- امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی از چشم‌انداز نظری یکی از گونه‌های امنیت است. این دانش -واژه به گستردگی در علوم انسانی و اجتماعی به کار می‌رود. از دیدگاه عملی نیز پاسداشت امنیت و مبارزه با چالش‌های فراروی آن یکی از مطالبات همیشگی شهروندان از جوامع و در شمار مهم‌ترین معیار تحقق سنجه به زمامداری قرار دارد. افزون بر این باید خاطر نشان شود که امنیت، جزء ضروری زندگی امروز بشر است. به نحوی که بعضی از دانشمندان بر این باورند که امنیت نه تنها یکی از اجزای اصلی دولت بلکه اصلی‌ترین کارکرد یک حکومت و دولت است (وروایی و کوهزادیان، ۱۳۹۴: ۳۷). بنابراین هر یک از گونه‌های امنیت و از جمله امنیت اجتماعی که در این نوشتار از چشم‌انداز سیاست کیفری ایران مدنظر قرار گرفته است، اهمیت بسیاری از چشم‌اندازهای گوناگون دارد.

شاید بتوان مناسب‌ترین مفهوم‌شناسی از امنیت اجتماعی را که بتواند در دستور کار سیاست کیفری قرار بگیرد در مکتب کپنهاگ یافت. به باور اندیشمندان این مکتب و به ویژه پیشگام آن؛ باری بوزان، امنیت در صورت نبود تهدید درک می‌شود. تهدید نیز در این مفهوم قلمرو گسترده‌ای دارد و با اجتماعی نگریستن بدان، شامل مؤلفه مهمی همانند جرم نیز می‌شود. بنابراین یکی از تهدیداتی که بر پایه رهیافت جرم‌شناسی دورکیمی نیز همیشگی است و باید مدیریت آن همواره در دستور کار قرار داده شود جرم است. پیروزمندی در این راه نیز در صورت دریافت واقعی و کامل از سوی شهروندان به حس امنیت آن‌ها از نقض حقوق خود و در نتیجه پیدایش حالت ناب

امنیت اجتماعی منجر می‌شود. با وجود گستردگی مفهوم امنیت اجتماعی، در علوم جنایی این مفهوم از دیدگاه میزان رخداد احساس امنیت دارای اهمیت است. در واقع، نظام عدالت کیفری در راه انجام رسالت بنیادین خود مبنی بر مدیریت کیفری جامعه باید بتواند بیشترین میزان احساس امنیت را در شهروندان پدید آورد. در صورتی ناکامی یا ناتوانی در این راه، تشدید توده بزه‌کاری و رخداد جرایم و آسیب‌های اجتماعی آتی گریزناپذیر است.

بدین ترتیب در دکتین علوم جنایی و با الهام از یافته‌های مکتب کپنهاگ، امنیت اجتماعی بیش از پیش مفهومی عینی یافته و بر پایه انگاره‌های پوزیتیویستی تفسیر می‌شود. بنابراین پیمایش‌های امنیت اجتماعی برای دریافت احساس امنیت در میان شهروندان باید همواره نگرش آنان را نسبت به کنشگری دادستان در قبال جرایم گوناگون و از جمله جرایم خشونت‌بار و مخاطره‌آمیز در نظر گیرند. در این پژوهش نیز کوشش شده است با ارزیابی نقش‌آفرینی دادستان در قبال حقوق عامه، میزان امنیت اجتماعی حاصل برای شهروندان در پرتو حس امنیت آنان ارزیابی و چالش‌ها و راهبردهای فرارو در این راه بررسی شود.

۳- بایسته‌های تحقق امنیت اجتماعی در پرتو پاسداشت حقوق عامه از سوی دادستان

برای آن که بتوان در پرتو پیاده‌سازی رسالت‌های دادستان در پیوند با حقوق عامه امنیت اجتماعی را در بیشترین سطح خود محقق کرد، لازم است بایسته‌هایی در دستور کار قرار گیرد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱- روزآمدسازی رویکردهای دادستان در قبال حقوق عامه

بی‌گمان دادستان باید کنشگری خود را در قبال حقوق عامه با بهره‌گیری از ویژگی روزآمدی انجام دهد. چرا که هر یک از مصادیق حقوق عامه از واقعیات و شرایط مستحدثت زمانی متأثر می‌شود. در نتیجه دادستان باید دانشی فراگیر و روزآمد را پیرامون قلمرو مفهومی حقوق عامه و نیز چالش‌های فراروی آن دارا باشد تا از این راه بتوان امیدوار بود که با پیروزمندی او در این راه امنیت اجتماعی نیز در بیشترین میزان خود محقق می‌شود.

۳-۲- چگونگی پاسخ‌دهی به این جرم در پرتو پیمایش‌های اجتماعی

یکی از راهبردهای مناسب برای مدیریت تکانش‌های برخاسته از اقدامات جامعه‌سستیزانه، مشارکت دادن افراد در فرایندهای حل مسأله است. در این صورت احتمال دارد این افراد با مداخله مورد

انتظار در این راه با جامعه هدف احساس یگانگی کرده و در نتیجه احتمال رخداد دوباره این آسیب‌ها نیز به کمترین میزان خود برسد.

۳-۳- مبارزه با جرایم دولتی در قلمرو پاسداشت حقوق عامه

جرم دولتی مفهوم جرم‌شناختی نوینی است که از دکترین جرم‌شناسی بریتانیا به جهان معرفی شده است. این دانش-واژه به کارکردهای نهادهای رسمی در راستای انجام وظایف قانونی خود اشاره دارد. مطالعه جامعه‌شناختی گروه‌های گوناگون مجرمانه نشان می‌دهد که اثرگذاری بر کنشگران حاکمیتی یکی از رویکردهای مهم آن‌ها است. امروزه بیش از پیش پدیده هوشمند شدن جرایم بین‌المللی به چشم می‌خورد. بنابراین جای شگفتی نیست که کوشش برای چیرگی بر دست-اندرکاران نظام‌های عدالت کیفری و دست‌کم منفعل ساختن آن در روندهای مبارزه با بزه‌کاری، یکی از مهم‌ترین خطوط عملکردی این گروه‌ها باشد. بدین ترتیب در بسیاری از موارد دیده می‌شود که کنشگران فعال در نظام دادرسی کیفری، پلیس، قانونگذاران، مقامات قوه مجریه و... بیش از پیش آماج اقدامات پیش‌گفته از سوی شبکه‌های بزه‌کاری بین‌المللی می‌شوند. خودداری این گروه‌ها از انجام وظایف خود مفهوم غربی جرایم دولتی را محقق می‌سازد که خود چالش مهمی برای پیروزمندی دادستان در راه پاسداشت حقوق عامه به شمار می‌آید.

با عنایت به جایگاه قوه قضاییه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول ۶۱ و ۱۵۶، طبعاً تحقق قسمت قابل توجهی از حقوق عامه بدون تعامل و همکاری قوای مجریه امکان-پذیر نبوده، که با توجه به اینکه وظیفه سازمان‌های دولتی ارائه خدمات عمومی و تأمین حقوق و منافع عمومی می‌باشد، لذا اقداماتی مقتضی توسط این سازمان‌ها در هنگام انجام وظایف قانونی آن‌ها در حفظ و صیانت از حقوق عامه صورت می‌گیرد. نهادهایی در این سازمان‌ها وجود دارد که وارد عمل شده و چنانچه این نهادها نیز از وظایف قانونی خود کوتاهی کنند آن وقت قوه قضائیه نیز می‌تواند به عنوان احیای حقوق عامه وارد عمل شود و در برخی موارد با توجه به اهمیت و ضرورت انجام اقدام مناسب و به موقع برای کم نمودن آثار مخرب ناشی از نقض حقوق عامه قانونگذار سازمان‌های دولتی را مکلف نموده که به محض شروع یا احتمال ایجاد وقوع جرم یا تخلف اقدامات لازم را صورت دهند (یوسفی نگهداری، ۱۴۰۰: ۶۲).

۴- چالش‌های پاسداشت امنیت اجتماعی برخاسته از کنشگری دادستان در قبال حقوق عامه
تحقق بیشینه‌ای امنیت اجتماعی در پرتو کنشگری دادستان در قبال حقوق عامه با چالش‌های مهمی روبه‌رو است. مبارزه با این چالش‌ها و در نتیجه افزایش امنیت اجتماعی مستلزم شناسایی آن است که در ادامه از نظر گذرانده می‌شود.

۴-۱- تعارضات شناختی خرده‌فرهنگی

کشور ما از چشم‌انداز فرهنگی جامعه‌ای چندگانه‌گرا به شمار می‌آید. گوناگونی آشکار اقوام و نیز خرده‌فرهنگ‌ها سبب می‌شود که بازخورد دریافتی از رویکردهای هر یک از سازه‌های نظام اجتماعی و از جمله نظام عدالت کیفری بسیار متفاوت باشد. در نتیجه ارزیابی‌های گوناگون از راهبردهای کیفری باید ضرورت افتراق‌گذاری پیش‌گفته را مدنظر قرار دهد. در این راستا باید خاطر نشان شود که احساس امنیت ناشی از راهبردهای نظام عدالت کیفری ممکن است به احتمال زیاد با تعارضات شناختی خرده‌فرهنگی همراه شود. برآیند این وضعیت نیز در صورت آمیزش با عوامل و مؤلفه‌های گوناگون محیطی و زمانی رخداد پیامدهایی چون طغیان‌های اجتماعی است که خود چالش‌های دیگری را برای جامعه به همراه آورده و نظام عدالت کیفری را ملزم می‌سازد که بخشی از نیروی خود را برای مهار این تعارض شناختی - فرهنگی به کار برد.

در این راستا لازم است که در هر یک از فرآیندهای جامعه‌پذیرسازی و نیز بازجامعه‌پذیرسازی در چارچوب پیاده‌سازی برنامه‌های عملگرا در رژیم عدالت کیفری برای از میان بردن این گونه تعارضات کوشش شود. چرا که همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد، بخش مهمی از احساس امنیت با چگونگی و کیفیت آموزش‌های ارایه شده به شهروندان در روند جامعه‌پذیری آن‌ها برای نمو در پیوند با جایگاه دادستان هم‌پیوند است.

۴-۲- بی‌اعتمادی احتمالی به توانمندی‌های نظام عدالت کیفری

یکی از چالش‌های مهم معرفت‌شناختی فراروی نظام عدالت کیفری را باید بی‌اعتمادی احتمالی شهروندان نسبت به توانمندی‌های آن دانست که در سطوح گوناگونی روی داده و همواره می‌تواند پیامدهای ناگواری را در روند مهار بزه‌کاری در جامعه پدید آورد. از همین‌رو نظام عدالت کیفری ضمن انجام رسالت‌های خود باید همواره در راستای افزایش اعتماد شهروندان به خود نیز گام بردارد. پیروزمندی در این راه پیامدهای سازنده‌ای را همانند امکان در پیش گرفتن سیاست جنایی

مشارکتی در آینده به همراه می‌آورد.

در این راستا باید به خاطر داشت که دگرگون‌سازی راهبردهای کیفری، رویکردی گریزناپذیر در قلمرو عملیاتی نظام عدالت کیفری است. چرا که بزه‌کاران همواره به منظور گریز از گزند کنشگران این مجموعه به تغییر در روندهای خود روی می‌آورند. در نتیجه سیاست کیفری تقنینی با ملاحظه شرایط گوناگون اجتماعی و نیز زمانی و مکانی به تغییر در روندهای موجود می‌پردازد تا از این راه مأموران نظام عدالت کیفری را در راه انجام رسالت راهبردی خود یعنی مدیریت کیفری جامعه توانمند و چابک کند. بدین ترتیب با وجود تحول مفهوم حقوق عامه و احیای آن به تعبیر قانون اساسی در پرتو کوشش‌های دادستان، بی‌اعتمادی شهروندان و یا دست‌کم پاره‌ای از آن‌ها به این راهبرد نظام کیفری به هر دلیل نیز سبب می‌شود که با وجود کوشش‌های انجام شده، همچنان احساس ناامنی وجود داشته و تحقق امنیت اجتماعی نیز به گونه‌ای آشکار به مخاطره افتد. این وضعیت خود در ادامه سبب می‌شود که جرایم دیگری نیز روی داده و پایداری جرایم و آسیب‌های اجتماعی نیز در جامعه بیش از پیش تحقق یابد.

۴-۳- پررنگ بودن ترس از جرم

ترس از جرم یکی از پدیده‌های مهم جرم‌شناختی در جامعه است که از عوامل گوناگونی متأثر می‌شود. این پدیده مؤلفه‌های علمی ویژه‌ای و نیز پیامدهای بسیاری را بر دیدگاه‌های افکار عمومی درباره جرم، کارکردهای نظام عدالت کیفری و... به همراه دارد. به طور کلی ترس از جرم با ریسک استنباط شده از آن نسبتی برابر دارد. زیرا به همان اندازه که مرتکبان برخی از جرایم اقدامات جامعه ستیزانه خود را با توسل به سلاح، خشونت فیزیکی، ارتکاب در چارچوب یک گروه و نیز فراموشی نمودن آن مرتکب شوند، به همان اندازه نیز شهروندان ریسک بیشتری را از این اقدامات ارزیابی کرده و در صورت محاسبه اشتباه و گاه واقعی از توانمندی‌های نظام عدالت کیفری در مواجهه با این مخاطرات ترس از جرم و در نتیجه احساس ناامنی بیشتری در آن‌ها پدید می‌آید. بدین ترتیب ترس از جرم در صورتی که غیرمعقول باشد ممکن است موانعی را در برابر نقش‌آفرینی مناسب دادستان در پیوند با حقوق عامه پدید آورد.

۵- برآیندهای پاسداشت امنیت اجتماعی برخاسته از کنشگری دادستان در قبال حقوق عامه

پاسداشت امنیت اجتماعی برخاسته از کنشگری دادستان در قبال حقوق عامه برآیندهای مهمی را

به همراه دارد که در ادامه به تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

۵-۱- به زمامداری کیفری

امروزه و در دوران چیرگی ارزش‌های دموکراتیک در جهان، به زمامداری انتظاری طبیعی از حاکمیت‌ها است. بر این پایه، عملکردهای هر یک از سازه‌های حاکمیت از دیدگاه دستیابی به اهداف از پیش برنامه‌ریزی شده خود ارزیابی می‌شود و رخداد پیامدهای سازنده و یا مطلوب آتی گاه به این ارزیابی بستگی دارد. از چشم‌انداز کاربست‌های نظام عدالت کیفری به عنوان سازه عملیاتی حاکمیت در برابر بزه‌کاری باید خاطر نشان شود که رواج الگوی دولت-رفاه و نیز مدل سیاست جنایی مردم‌سالار این روند انتظار برای به زمامداری کیفری را تشدید کرده است. پیشتر نیز گفته شد که جرم تهدیدی پایدار برای جوامع انسانی به شمار می‌رود و اگرچه همان‌گونه که دورکیم نیز تأکید کرده، پدیده بزه‌کارانه دارای کارکردهای ویژه‌ای برای جامعه است، (کوزر، ۱۳۹۳: ۴۹) باز هم هزینه‌های ناشی از جرم یکی از دغدغه‌های کنشگران حاکمیتی یا جامعه‌ی ذی‌ربط را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب در صورتی که با نقش‌آفرینی مناسب دادستان در قبال مفهوم بسیار مهم حقوق عامه، امنیت اجتماعی بیشینه‌ای شهروندان تأمین شود، می‌توان انتظار داشت که آرمان به زمامداری برای افکار عمومی نیز تا اندازه بسیاری محقق شده است. چرا که پاسداشت حقوق عامه از سوی دادستان خود بدین مفهوم است که مناسب‌ترین راهبردهای پیشگیری از جرایم گوناگون که هر یک از حقوق و آزادی‌های بنیادین را هدف می‌گیرند، در پیش گرفته شده است. این امر نیز به درستی نشان دهنده تحقق آرمان به زمامداری کیفری است.

۵-۲- افزایش سرمایه اجتماعی

دیگر برآیند مهم ناشی از بهبود امنیت اجتماعی در پرتو پاسداشت حقوق عامه از سوی دادستان، افزایش سرمایه اجتماعی است. این دانش - واژه جامعه‌شناختی اهمیت بسیاری از چشم‌انداز مشروعیت بیش از پیش حاکمیت و به ویژه سازه عملیاتی آن در برابر جرم یا نظام عدالت کیفری دارد. امروزه این باور وجود دارد که به دلیل دگرگونی‌های معرفت‌شناختی نظام عدالت کیفری که خود متأثر از افزایش روندهای انسان‌گرایی است، حقوق کیفری بیش از پیش از حالت هژمونیک خود خارج شده و نیازمند مشارکت اجتماعی شهروندان برای انجام رسالت‌های خود است؛ زیرا بی‌اعتنایی شهروندان به آموزه‌های کیفری سبب پیدایش قوانین متروک می‌شود و این وضعیت به

دلیل نمایش نبود پیوند مناسب و نیز درک هماهنگ از ارزش‌های اجتماعی میان حاکمیت و جامعه، به نابودسازی سرمایه اجتماعی منجر می‌شود. بنابراین درک کوشش دستگاه قضایی و به طور مشخص دادستان در راه پاسداری از حقوق عامه می‌تواند آشکارا به پدیداری پایداری سرمایه اجتماعی منجر شود.

نتیجه‌گیری

پاسداری از حقوق عامه یکی از دستاوردهای مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که به عهده قوه قضائیه و به طور مشخص دادستان نهاده شده است. از همین‌رو شناسایی بایسته‌ها و برآیندهای آن اهمیت بسیاری دارد. به طور کلی امنیت اجتماعی یکی از مطالبات مهم شهروندان از حاکمیت است و تحقق آن به زمامداری را محقق می‌سازد. مدیریت کیفری جامعه یکی از مهم‌ترین بسترهایی است که امنیت اجتماعی را پدید می‌آورد. از همین‌رو ارزیابی میزان و یا چالش‌های فراروی تحقق این سنجه در هر یک از قلمروهای عملیاتی نظام عدالت کیفری دارای اهمیت است و می‌تواند پیامدهای خوشایند یا نامطلوب گوناگونی را به همراه آورد. بدین ترتیب از آنجا که پاسداری از حقوق عامه به گونه آشکاری به پدیداری احساس امنیت اجتماعی منجر می‌شود، روشن است که برچیدن موانع احتمالی و تقویت آن، رسالت مهم هر یک از سازه‌های نظام اجتماعی و به طور مشخص دادستان است. امروزه کوشش در راه پاسداری از حقوق عامه افزون بر دیگر مزایای خود می‌تواند به افزایش آشکار مشروعیت نظام عدالت کیفری و به طور کلی حاکمیت در راه تحقق یکی از بنیادی‌ترین مطالبات شهروندان یعنی امنیت اجتماعی شود.

منابع

- ۱) افشاری، فاطمه؛ پتفت، آرین (۱۴۰۰). «موانع احیای حقوق عامه در حقوق ایران و راهکارهای تحقق مطلوب آن»، فصلنامه دانش حقوق عمومی شماره ۳۳، دوره ۱۰، شماره ۳۳، صص ۱۴۰-۱۱۱.
- ۲) حسانی، جلال‌الدین (۱۳۹۶). جایگاه و نقش دادستانان در فرایند کیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات دادنامه.
- ۳) شایان‌فر، جواد (۱۳۹۳). «بررسی نقش مدیریت اسلامی در احقاق حقوق عامه با تکیه بر قانون اساسی ایران»، همایش بین‌المللی مدیریت.
- ۴) کوزر، لیویس (۱۳۹۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، مترجم: محسن ثلاثی، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
- ۵) وروایی، اکبر؛ کوهزادیان، قاسم (۱۳۹۴). «تأثیر قاچاق سلاح و مهمات عبوری از مرزهای غربی بر وقوع جرایم مسلحانه»، مجله علوم و فنون مرزی، شماره ۱۲، صص ۳۵-۶۸.
- ۶) یوسفی، رسول؛ نگهداری، حسین (۱۴۰۰). «تکالیف قانونی سازمان‌های دولتی در اجرا و احیای حقوق عامه»، سومین کنفرانس بین‌المللی و چهارمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی.

حقوق زندانیان در وضعیت شیوع بیماری‌های واگیردار

فائزه عسگری^۱

روح الله اکرمی^۲

چکیده

پاسداشت حقوق زندانیان یکی از آورده‌های مهم حقوق بشر است. این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده درصدد است بدین پرسش پاسخ دهد که رسالت نظام عدالت کیفری در راه پاسداشت حقوق زندانیان در وضعیت شیوع بیماری‌های همه‌گیر چگونه است؟ اصل تناسب جرم و مجازات و نیز ضرورت سازماندهی مدیریت کیفری در شمار مهم‌ترین مبانی حقوق زندانیان است. در دوران بیماری‌های همه‌گیر، چالش‌های گوناگونی چون بیماری و در نتیجه تشدید رنج ناشی از مجازات، خدشه در فرایند اصلاح و بازپروری و نیز افزایش احتمال شورش زندانیان وجود دارد. برای مبارزه با این پیامدها در پیش گرفتن راهکارهایی همانند پررنگ نمودن مراقبت‌های بهداشتی از زندانیان در این دوران، اعطای مرخصی به زندانیان دارای شرایط، متناسب‌سازی برنامه‌های بازپرورانه و نظائر آن‌ها مناسب به نظر می‌رسد. این نوشتار دریافته است که پیروزمندی در راه پاسداری از حقوق زندانیان در این دوران سبب رخداد برآندهایی چون به‌زمامداری کیفری، سرمایه اجتماعی و... می‌شود.

کلید واژه‌ها: بیماری‌های واگیردار، حقوق زندانیان، کیفرشناسی، مجازات حبس، نظام عدالت کیفری.

Faezeasgari26@gmail.com

r.akrami@qom.ac.ir

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم.

۲. دانشیار دانشگاه قم.

مقدمه

در آغاز هزاره سوم میلادی، پیشرفت‌های شتابان انسان در صنعت و فناوری‌های گوناگون اطلاعات و ارتباطات، با وجود مزایای گوناگون چالش‌های بسیاری را برای زندگی انسانی پدید آورده است. سرعت بالای این پیشرفت و تغییرات موجب بروز پیامدهای منفی بسیاری در بخش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... شده است. یکی از این پیامدهای ناخوشایند نیز پدیده جهانی شدن بزه‌کاری است که امروزه بیش از پیش دامنه تهدیدات آن برای انسان آشکار می‌شود.

از همین رو شناسایی مناسب‌ترین و کارآمدترین شیوه‌ها برای پاسخ‌دهی به جرایم یکی از بنیادی‌ترین وظایف حاکمیت‌ها بوده و ارزیابی جرم‌شناختی معیارهای به‌زمانمندی و حکمرانی مطلوب نیز از این راه انجام می‌شود. در واقع، در هنگام برنامه‌ریزی کنش‌های نظام عدالت کیفری در برابر پدیده‌های گوناگون بزه‌کاری و آسیب‌های اجتماعی باید در نظر داشت که همه انسان‌ها در طول زندگی خود در ارتکاب رفتارهای جامعه‌سستیزانه مشارکت دارند. (Piquero, 2016: 16) بنابراین پیش‌بینی مناسب‌ترین و کارآمدترین پاسخ‌ها در برابر بزه‌کاری در شمار رسالت‌های بنیادین نظام‌های عدالت کیفری است.

با گذشت چهار هزار سال از عمر حقوق کیفری، مهم‌ترین ویژگی و نیز کارکرد آن سرکوبی گونه‌های بزه‌کاری بوده که بسته به ماهیت خود، آسیب‌های گوناگونی را بر جوامع انسانی وارد آورده است. مجازات یا سزادهی بزه‌کاران ابزاری بوده است که به وسیله آن، انسجام اجتماعی از دست‌رفته به دنبال جرم، به جای خود باز می‌گشته است. در این راستا باید دانست اگرچه سه دهه گذشته شاهد دور شدن فزاینده از شیوه‌های کنترل جرم و عدالت کیفری نسبت به سده بیستم میلادی بوده است (Garland, 2001: 3) با این حال حاکمیت‌ها همواره کوشیده‌اند تا مناسب‌ترین و روزآمدترین راهبردها را برای کنترل جرم و پیامدهای گوناگون آن بیازمایند. برای نمونه، با وجود آن که امروزه سیاست کاهش جمعیت کیفری زندانیان یکی از اولویت‌های کشورهای مختلف دنیا از جمله ایران است (پورمحمی‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۳)، اما آمیزش نظریه و تجربه در نظام‌های کیفری نشان می‌دهد که زندان دست‌کم از جهت ناتوان ساختن محکوم از دست‌اندازی دوباره جامعه، پاسخی قابل دفاع در برابر جرایم او به شمار می‌رود. بنابراین مناسب است در هر زمان برای بهبود عملکردهای این نهاد کیفری تدابیر مناسبی در پیش گرفته شود (حسانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۷).

یکی از چالش‌های فراروی زندان را باید معضلات بهداشتی آن دانست. در واقع زندان از دیرباز به ویژه از دیدگاه بروز و پدیداری بیماری‌های گوناگون در آن مورد توجه قرار گرفته بوده است. همان‌گونه که کووید ۱۹ با شتاب در سرتاسر جهان پراکنده می‌شود، شرایط مزدحم و نایمن زندگی در زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها، کمپ‌های نگهداری مهاجرین و ... ساکنان آن‌ها را بسیار آسیب‌پذیر می‌کند (Bernstein et al, 2020: 1). بدین ترتیب در روزگار ما نیز که همه‌گیری‌های خطرناکی همانند کووید ۱۹ زندگی انسانی را به شدت تهدید کرد است، مناسب است زندان‌ها نیز از این جهت به خوبی مورد توجه قرار گیرند تا تکانش‌های ناشی از بیماری نتواند بر عدالت کیفری اثر گذارد.

در نتیجه باید دانست که در هنگام شیوع بیماری‌های همه‌گیری چون کرونا حقوق گوناگون زندانیان با مخاطراتی شدید مواجه می‌شود که به احتمال زیاد هر یک از اهداف بنیادین مقرر از مجازات را در بیشترین میزان خود ناکام می‌کند. بنابراین مناسب است راهکارهای آزموده شده‌ای برای برون رفت از این چالش در پیش گرفته شود. در غیر این صورت آثار گوناگون ناشی از بیماری‌های همه‌گیر ممکن است ضمن ایجاد مانع در برابر روندهای بازجامعه پذیرسازی زندانیان پیامدهای نامطلوب دیگری را نیز به همراه آورد.

بر پایه این مراتب، این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده درصدد است بدین پرسش پاسخ دهد که رسالت نظام عدالت کیفری در راه پاسداشت حقوق زندانیان در وضعیت شیوع بیماری‌های همه‌گیر چگونه است؟ برای دستیابی به این هدف، در آغاز مفهوم حقوق زندانیان و جلوه‌های گوناگون آن در علوم جنایی و نیز حقوق بشر بررسی می‌شود. سپس مهم‌ترین، چالش‌های ناشی از بیماری‌های همه‌گیر بر حقوق زندانیان که مبارزه با آن‌ها هدف نظام عدالت کیفری است ارزیابی می‌شود. این هدف نیز در پرتو تحقق راهکارهای مناسبی روی می‌دهد که لازم است برآیندهای پدیدار از این راهکارها نیز از نظر گذرانده شود.

۱- حقوق زندانیان

مطالعه حقوق زندانیان در وضعیت شیوع بیماری‌های فراگیر اهمیت بسیاری دارد که باید با راهکارهای مناسب دنبال شود. از همین رو در ادامه به بیان مفهوم‌شناسی این دانش-واژه از یک سو و مبانی آن از سوی دیگر پرداخته می‌شود.

۱-۱- مفهوم‌شناسی

حقوق زندانیان دانش - واژه‌ای است که در پرتو تحولات گوناگون علوم جنایی در دهه‌های پیشین و با پدیداری گفتمان‌هایی چون جنگ یا ترور یا حقوق کیفری دشمن‌مدار روز به روز اهمیتی بیشتری را یافته است. بدین ترتیب رسوخ آموزه‌های حقوق بشری در علوم جنایی و نیز نظام‌های عدالت کیفری بر اهمیت حقوق زندانیان افزوده است.

نحوه رفتار با زنان زندانی به عنوان یکی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه در سراسر جهان مورد توجه نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف بوده و در این راستا در مجموعه قوانین داخلی نیز موادی به این کشر از زندانیان اختصاص داده شده است. در بعد بین‌المللی هم، بالغ بر پنجاه سال پیش سندی تحت عنوان قواعد حداقل استاندارد با زندانیان در سازمان ملل به تصویب رسید که در مورد همه زندانیان به طور یکسان اجرا و اعمال می‌شود. این سند از حیث گستره شمول آن در زمره اسناد بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌شود. با توجه به این که صرفاً حقوق افراد خاصی تحت عنوان زندانیان را مورد حمایت قرار می‌دهد در دسته اسناد خاص بین‌المللی قرار می‌گیرد. از حیث ماهیت، سند یاد شده دارای جنبه اعلامی است و از این جهت بر دولت‌های عضو الزام‌آور نیست، بلکه صرفاً دارای ارزش اخلاقی و سیاسی است. با قاطعیت می‌توان گفت که هیچ مکتب و یا نظامی در جهان یافت نمی‌شود که ضمن ایجاد محدودیت‌های خاص قانونی برای متهم و مجرم قائل به پذیرش و قبول حقوق مسلم انسانی برای این افراد نباشد. در کشور ما نیز «اقدام مناسب برای اصلاح مجرمین» در قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی به عنوان وظیفه‌ای برای قوه قضاییه شناخته شده است که مراجع قضایی، سازمان زندان و به طور کلی متولیان اجرای احکام کیفری تحت مدیریت آن قرار دارند (امانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۱). بدین ترتیب حقوق زندانیان به مفهوم شناسایی و پیاده‌سازی همه حقوقی است که محکومین به مجازات حبس در طول دوره محکومیت خود از آن برخوردارند. با توجه به وضعیت مخاطره‌آمیز آنان با وجود ارتکاب جرم، لازم است هر یک از کنشگران مرحله اجرای احکام کیفری در راه پاسداری از آن کوشا باشند.

۲-۱- مبانی

حقوق زندانیان به مفهوم پیش‌گفته مبانی فقهی و حقوقی بسیار مهمی را دارد که در ادامه به شماری از این مبانی پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱- مبانی فقهی

از میان مبانی فقهی می‌توان قاعده مهم و کاربردی لاضرر را در هنگام بررسی بایسته‌های کنشگری نظام عدالت کیفری برای پاسداری از حقوق زندانیان در هنگام بیماری‌های همه‌گیر در نظر گرفت. ویژگی تئوکراتیک نظام جمهوری اسلامی ایران که آشکارا در اصل چهارم قانون اساسی بر آن تأکید شده است، سبب استناد به قواعد فقهی در هر یک از قوانین موضوعه نیز شده است. از همین‌رو دیده می‌شود که در هر یک از اجزای نظام حقوقی و کیفری ایران می‌توان نشانگان آشکاری برای پیاده‌سازی قواعد فقهی را دریافت. در این پژوهش نیز لاضرر مبنای مهمی برای نقش‌آفرینی جهت مهار عوارض ناشی از کووید ۱۹ بر زندانیان است.

در عصر حاضر، مسائل و نیازهای نوپیدایی در جهان پیش آمده است که نسل حاضر را به لحاظ تعاملات فردی و اجتماعی متأثر از آثار سوء زیانبار خود ساخته است. بنابراین جنبه کاربردی قواعد مرتبط فقهی به ویژه در حوزه‌های شایع و کاربردی حقوق ضروری به نظر می‌رسد. قاعده لاضرر و لاضرار در اسلام نیز در منابع معتبر فقهی جایگاهی ویژه دارد و در طول سده‌های گذشته، فقهای بزرگی به مفهوم‌شناسی و نیز تعیین حدود آن پرداخته‌اند. با توجه به کاربردی بودن مقررات موجود در نظام حقوقی ایران، بررسی قاعده فقهی یاد شده در این قلمرو بسیار مناسب همراه با پیامدهایی ماندگار به نظر می‌رسد.

بررسی موارد استعمال واژه‌های ضرر و ضرار در منابع اسلامی نشان می‌دهد که ضرر شامل کلیه خسارت‌ها و زیان‌های وارد بر اشخاص است. ولی ضرار مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی به دیگری زیان وارد می‌سازد که در اصطلاح امروزی از چنین مواردی به سوء استفاده از حق تعبیر می‌شود (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۱۲). با توجه به این جایگاه، لازم است که نظام عدالت کیفری به منظور کاستن از وارد آمدن زیان‌های گوناگون بر زندانیان همه مراقبت‌های لازم را در راه کاستن از دامنه تکانش‌های گوناگون ناشی از کووید ۱۹ بر آنان انجام دهد. این هدف بر پایه راهبردهای ویژه‌ای انجا می‌شود که در مباحث آتی از نظر گذرانده می‌شوند.

۱-۲-۲- مبانی حقوقی

۱-۲-۲-۱- اصل تناسب جرم و مجازات

نخستین مبنای مهم برای ضرورت پاسداری از حقوق زندانیان را باید اصل تناسب جرم و مجازات دانست که خود در شمار اصول بنیادین حقوق کیفری عمومی جای دارد. در واقع، مرتکب جرم با

کنش جامعه‌ستیزانه خود افزون بر بزه‌دیده، زبانی عمده را به جامعه نیز وارد آورده است. در نتیجه لازم است با تحمل مجازات دین خود را به جامعه و نیز بزه‌دیده ادا نماید. با وجود این روند یاد شده تنها در صورتی عادلانه است که ادای دین با دین متناسب باشد. بنابراین در صورتی که در روند اجرای مجازات و بنا به دلایلی که به طور کامل به نظام عدالت کیفری مربوط است سلامت زندانی به مخاطره افتد، بی‌گمان اصل پیش‌گفته نقض شده و عدالت کیفری نیز به طور کامل رنگ باخته است. بر پایه همین واقعیت از آغاز همه‌گیری کووید ۱۹ بسیاری از نظام‌های عدالت کیفری به پیش‌بینی مرخصی برای زندانیان واجد شرایط روی آوردند تا چالش‌های گوناگون ناشی از این بیماری مرگبار نتواند اصل بنیادین تناسب جرم و مجازات را نسبت به زندانیان مخدوش کند.

۱-۲-۲- ضرورت ساماندهی مدیریت کیفری

رسالت بنیادین نظام عدالت کیفری در همه سطوح خود دستیابی به بیشترین میزان پیروزمندی در راه مبارزه با پدیده مجرمانه است. این آرمان مقتضی می‌دارد که در هر یک از مراحل فرایند کیفری مناسب‌ترین راهبردها در پیش گرفته شود تا از این راه بتوان انتظار داشت که با انجام کارکردهای بنیادین این نظام، بیشترین میزان مدیریت کیفری محقق و جامعه از مزایای گوناگون آن برخوردار شود. مدیریت کیفری مطلوب در دوران همه‌گیری بیماری‌ها نیز اقتضا می‌کند که با استفاده از راهکارهای مناسب در راه کاستن از عوارض گوناگون این پدیده بر کارکردهای هر یک از اجزاء نظام عدالت کیفری کوشش شود. چرا که اثرگذاری بیماری‌ها بر عملکرد هر یک از کنشگران انسانی این نظام سبب رخداد بی‌سازمانی اجتماعی آشکاری در جامعه می‌شود.

یکی از جلوه‌های مهم این مدیریت، در زندان‌ها است. در واقع، از آنجا که احتمال گسترش بیماری‌های همه‌گیر در زندان‌ها به خاطر عواملی چون نبود نسبی امکانات که خود ناشی از مقتضای زندان به عنوان یک محل اجرای مجازات است می‌تواند پیامدهای جرم‌شناختی، کیفرشناختی و حقوقی نامطلوب فراوانی را به همراه آورد، لازم است مدیریت کیفری مناسبی در برابر آن از سوی دست‌اندرکاران هر یک از اجزای جامعه همانند نظام‌های بهداشتی و عدالت کیفری انجام شود. این مدیریت اقتضا می‌کند که هر یک از عوارض بیماری بر زندانیان که البته با توجه به واقعیاتی مانند سن، جنسیت، بیماری‌های زمینه‌ای و ... ممکن است متفاوت باشد به خوبی شناسایی شده و امکانات مقابله‌ای مناسبی در برابر آن‌ها پیش‌بینی شود. از این راه می‌توان انتظار داشت که مدیریت کیفری مناسبی در برابر بیماری‌های همه‌گیری که ناقض حقوق گوناگون

زندانیان همانند حق بر سلامت آنان است، پیاده شود.

از چشم‌انداز تطبیقی باید خاطر نشان شود که به منظور مقابله با کووید ۱۹ در زندان‌های ایتالیا، قوانین تصویب شده برای مقابله با آن از فوریه ۲۰۲۰ دو قلمرو کلی را فرا می‌گیرد: الف- قاعده- گذاری پیرامون روابط با خارج از زندان و ب- وضع مقررات مربوط به زیست در داخل زندان (Cingolani et al, 2021: 5). بنابراین برای مدیریت مناسب کیفری زندان در دوران همه‌گیری‌های گوناگون لازم است نظام تقنینی از این دیدگاه و به گونه‌ای روزآمد فعال شود.

۲- چالش‌های فراروی حقوق زندانیان در وضعیت شیوع بیماری‌های واگیردار

پاسداری از حقوق زندانیان در وضعیت شیوع بیماری‌های واگیردار از این رو اهمیت دارد که چالش‌های بسیاری آنان را تهدید می‌کند از همین رو در آغاز مطالعه فشرده این چالش‌ها ضرورت دارد که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۲-۱- پاسداشت حق سلامت

حق سلامت در هر یک از گونه‌های جسمانی، روانی یا روان-تنی یکی از حقوق بنیادین انسان‌ها به شمار می‌رود. به گونه‌ای که بدون آن و یا در صورت رخداد چالش فراروی آن زیست انسان در نتیجه برخورداری وی از دیگر حقوق به کلی متنفی می‌شود. در نتیجه لازم است در هر زمان نسبت به پیش‌بینی بیشترین میزان روندهای پاسداری از آن در هر یک از سازه‌های کنشی و واکنشی دقت نظر صورت گیرد. با توجه به محدودیت‌هایی که به هر ترتیب مقتضای مجازات زندانی است، تردیدی وجود ندارد که امکان دسترسی وی به مراقبت‌های بهداشتی که ممکن است در خارج از زندان به وفور یافت شود وجود ندارد. در نتیجه لازم است که از راه‌های گوناگون در راه پاسداری از سلامت وی کوشش شود. در این راستا باید همواره به خاطر داشت که یکی از چالش‌های مهمی که ممکن است در هنگام بروز بیماری‌های همه‌گیر نسبت به زندانیان روی دهد این واقعیت است که هم خود و هم اعضای خانواده آن‌ها نیز ممکن است با چالش‌های مهمی برای سلامت خود مواجه شوند. چرا که افزون بر چالش‌های عملی فراروی سلامت زندانیان، تشویش و اضطراب خانواده آن‌ها نیز ممکن است وضعیتی بیماری‌زا را به همراه آورد که خود ناقض آشکار حق بر سلامت در نتیجه رخداد بیماری‌های همه‌گیر و اثرگذار بر سلامت است. به طور کلی معیارهای بین‌المللی مقرر می‌دارند که زندانیان باید خدمات سلامتی مشابهی را با جهان

خارج از زندان دریافت دارند. اما در واقعیت این گونه نیست (Burki, 2020: 412). این وضعیت که خود در تنافی آشکاری با اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است ممکن است از دیدگاه امکان پراکنش پیامدهای بیماری در سرتا سر جامعه و حتی در خانواده‌های مربوطه نیز مدنظر قرار گیرد. رهنمودهای سازمان بهداشت جهانی بیان می‌دارد که شیوع کووید ۱۹ نباید توجیهی برای اعتراض به بازرسی داخل زندان‌ها و بازداشت‌گاه‌ها از سوی سازمان‌های مستقل ملی یا بین‌المللی باشد که این کار را به منظور پیشگیری از شکنجه یا دیگر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و کرامت‌ستیز در زندان انجام می‌دهند (Muntingh, 2020: 31).

۲-۲- خطر مرگ

بیماری‌های واگیردار بیش از هر چیز ممکن است به رخداد مرگ در افراد منجر شود. با وجود آن که امروزه در نتیجه پیشرفت‌های گوناگون موجود در دانش پزشکی از این احتمال کاسته شده است، اما تجربه همه‌گیری‌های روی داد در دوران گذشته به خوبی نشان داده است که انسان تا چه اندازه در هر زمان در معرض خطر بیماری‌های گوناگون مرگبار قرار دارد. با توجه به این که زندانیان به خاطر حضور در محیط زندان آسیب‌پذیری بیشتری را نسبت به خارج از آن می‌یابند، تردیدی وجود ندارد که احتمال رخداد خطر مرگ نیز در آن‌ها با چنین همه‌گیری‌هایی افزایش می‌یابد. در نتیجه مناسب است با پیاده‌سازی راهبردهای مناسب از سوی مسئولین زندان در راه کاهش احتمال این پیامد مخاطره‌آمیز کوشش شود.

بیماری‌های واگیردار از قدیمی‌ترین دشمنان بشر هستند، همه‌گیری‌های بزرگ ایجاد شده توسط برخی از آن‌ها (مانند مالاریا، آنفلوانزا) در قرن‌های گذشته خسارات سنگینی بر جامعه بشری وارد کرده است. علیرغم پیشرفت‌های شگرف علم پزشکی در زمینه‌های پیشگیری و درمان بیماری‌های واگیر، متأسفانه هنوز هم بیماری‌های واگیردار به عنوان یک مشکل در سراسر جهان مطرح هستند. برای مدیریت صحیح کنترل بیماری‌های واگیردار، اطلاعات به روز در خصوص آن‌ها مورد نیاز جامعه است و ابزار تأمین این اطلاعات نظام مراقبت بیماری‌ها است. بیماری‌های واگیردار در حال حاضر مشکلات عمده‌ای را در جهان بوجود آورده و جان افراد زیادی را گرفته و به سرعت در حال پیشرفت می‌باشد (بیرامی و مصطفوی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۵۱). بنابراین کوتاهی در برابر این واقعیت اجتماعی آشکار می‌تواند به افزایش خطر مرگ در زندانیان منتهی شود.

۳- راهکارهای پاسداشت حقوق زندانیان در وضعیت شیوع بیماری‌های واگیردار

برای پاسداشت حقوق زندانیان در وضعیت شیوع بیماری‌های واگیردار راهکارهایی وجود دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱- میان-کنش پایدار نظری و عملی نظام عدالت کیفری با مدیریت بهداشتی کشور

به طور کلی مدیریت بهداشتی کشور با درک مخاطرات گوناگون پدید آمده در جامعه، راهبردهایی را برای پاسداری از سلامت عمومی در پیش می‌گیرد. از همین رو مناسب است که نظام عدالت کیفری و به طور مشخص نظام زندانبانی کشور نیز در راه پاسداری از حق بر سلامت زندانیان تا آنجا که ممکن است میان-کنش سازنده‌ای را با این مجموعه داشته باشد.

با توجه به ویژگی مخاطره‌آمیز محیطی زندانیان و شناسایی رخداد همه‌گیری‌های گوناگون در آن، بی‌گمان مسئولان زندان باید اهتمام ویژه‌ای را در راه میان-کنش با مدیریت بهداشتی کشور داشته باشند. در این راستا، در صورت پیش‌بینی پروتکل‌ها یا شیوه‌نامه‌های مصوب بهداشتی لازم است که هریک از آن‌ها به طور کلی و با دقت نظر در محیط زندان پیاده شود. چرا که بی‌گمان مخاطرات بهداشتی درون زندان چند برابر بیش از خارج از آن است.

۳-۲- مراقبت‌های بهداشتی پایدار

دیگر راهکار مهم پاسداشت حقوق زندانیان در وضعیت شیوع بیماری‌های واگیردار، پایداری در راه پیاده‌سازی آن است. در واقع، سختگیری در راه پیاده‌سازی راهبردهای گوناگون عمل‌گرا در برابر این بیماری‌ها کمترین مطالبه افکار عمومی از مسئولان سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور است. بنابراین مناسب است که در هر زمان نظارت‌های مناسبی برای اطمینان از پیاده‌سازی هر یک از مراقبت‌های لازم در دوران رخداد همه‌گیری پیش گفته روی دهد تا از این راه احتمال اثرگذاری منفی این پدیده بر سلامت جسم و روان زندانیان و نیز زندانبانان که در هر صورت ممکن است از آن متأثر شوند کاهش یابد. برای نمونه با توجه به آموزه‌های علوم بهداشتی باید خاطر نشان شود که می‌توان با آموزش علایم و راه‌های انتقال این بیماری، درمان افراد آلوده، بهبود وضعیت بهداشتی و کاستن تعداد زندانیان ساکن در هر اتاق این بیماری‌ها را کنترل کرد (نظری و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۸). از همین رو اطمینان از وجود هر یک از این معاییر انتظاری مهم از سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به شمار می‌آید.

در آغاز باید خاطر نشان شود که ماده ۱۱ از بند الف بخشنامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور درباره حقوق بازداشت‌شدگان از همان هنگام ورود آنان به بازداشتگاه صراحت دارد. این ماده مقرر می‌دارد: «پس از پذیرش، متهم باید در اسرع وقت توسط پزشک و روانشناس بازداشتگاه (جهت تشکیل پرونده سلامت و شخصیت) مورد معاینه، مصاحبه و غربالگری سلامت جسمی و روانی قرار گیرد. هرگاه بنا بر نتایج بررسی‌ها و مستندات بدست آمده، متهم دارای ناتوانی، بیماری جسمی یا روانی باشد و نگهداری وی همراه با مخاطرات جسمی و روانی برای او یا دیگر متهمان باشد یا شرایط مناسب و ایمن برای اقامت متهم ناتوان فراهم نباشد و یا حبس موجب تشدید و یا تأخیر در بهبودی بیماری وی گردد، مراتب فوراً به رئیس بازداشتگاه اعلام گردد تا در اسرع وقت به مرجع قضائی مربوط گزارش شود. در موارد فوری (اورژانسی)، متهمان بیمار به دستور مسئول واحد بهداشت و درمان و اجازه رئیس بازداشتگاه یا جانشین آن‌ها، به بیمارستان و مراکز درمانی خارج از بازداشتگاه انتقال یافته و موضوع در اسرع وقت به مقام قضائی اطلاع داده شود. در طول مدت بازداشت نیز مسئول بهداشت و درمان، موظف است شخصاً و یا توسط کادر متخصص به صورت دائمی و روزانه تمام متهمان بازداشتی را از حیث بیماریابی و مداوا مورد بررسی و پایش قرار دهد (موضوع مواد ۴ و ۶۰ آئین نامه اجرایی سازمان)». در این راستا لازم است شناسنامه سلامت زندانیان به طور کلی خواه در هنگام وجود بیماری‌های همه‌گیر و خواه صرف‌نظر از آن تهیه شود. در این صورت می‌توان جایابی زندانیان را در زندان بر حسب میزان احتمال خطر گسترش بیماری انجام داد به گونه‌ای که کمترین پیامدهای ناشی از آن برای محکومین به زندان روی دهد.

افزون بر این بیمارستان‌های زندان‌ها نیز باید تا آنجا که ممکن است با اقلام دارویی بهداشتی مربوط به بیماری‌های واگیردار مجهز شود. چرا که در هر صورت، زندان مکانی است که احتمال وجود و گسترش بیماری در آن بسیار بیشتر از دیگر مکان‌ها است. در نتیجه این دست از مراقبت‌های پیشینی یا پسینی برای افزایش ایستادگی زندانیان در برابر عوارض گوناگون ناشی از بیماری‌های واگیردار بسیار اهمیت داشته و مانع از نقض اصول بنیادینی چون تناسب جرم و مجازات و نیز شخصی بودن آن می‌شود.

به طور کلی رعایت بهداشت باید همواره یکی از مهم‌ترین الزامات زیست زندانیان باشد تا از این راه بتوان امیدوار بود که بیماری‌های همه‌گیر کمترین میزان چالش را برای حقوق گوناگون

زندانیان به همراه می‌آورند. در این راستا ماده ۴ از بند پ بخشنامه پیش‌گفته مقرر می‌دارد: «بازداشت شدگان باید ملزم به حفظ پاکیزگی شوند و به منظور حفظ بهداشت فردی و محیطی، باید آب گرم و لوازم بهداشتی در اختیار داشته باشند و همچنین برای حفظ سلامت، همه روزه از امکانات لازم برای تمرین ورزشی، هواخوری، استحمام، مطالعه، خدمات پزشکی، آب آشامیدنی و غذای مناسب برخوردار باشند (موضوع مواد ۹۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۵۳ و ۱۵۴ آئین‌نامه اجرایی سازمان)».

۳-۳- تعدیل در اجرای مجازات

دیگر راهکار مهم برای پاسداری از حقوق سلامت زندانیان، تعدیل در اجرای مجازات است. با وجود آن که لازم است در هر زمان در پیاده‌سازی مجازات مقرر در دادنامه کوشش شود تا از این راه واکنش جامعه در برابر جرم ارتكابی سامان یابد اما تردیدی وجود ندارد که دست‌کم در برخی از شرایط همانند رخداد بیماری‌های همه‌گیر، استواری صرف در پیاده‌سازی مجازات لزوماً نمی‌تواند اهداف از پیش برنامه‌ریزی شده جامعه را در این راه محقق سازد. بلکه حتی ممکن است این امر خود به چالش‌های مهمی نیز منجر شود. تعدیل یاد شده خواه در شکل اعطای مرخصی به زندانیان و خواه به صورت مجازات‌های جایگزین باید بر اساس پیشینه رفتاری افراد محکوم به مجازات حبس و در طول مدت اجرای مجازات آنان انجام شود تا از این راه اصول کلی حاکم بر کیفر همانند هدفمندی و رعایت کیفیت آن نیز به خوبی انجام شود.

در واقع از آنجا که هدف از رژیم اجرای احکام کیفری دستیابی به اهداف خاص مجازات‌ها همانند اصلاح و درمان است و بودجه عموم در این دوران برای دستیابی به این اهداف صرف می‌شود، لازم است با آغاز بیماری‌های همه‌گیر و در پرتو استعلام از دادیار ناظر زندان و نیز مددکاران و مأموران مراقبتی، آن دسته از زندانیانی که بر پایه معاییر رفتاری پذیرفته شده به گونه‌ای در زندان رفتار کرده‌اند که چه در هنگام تعدیل مجازات در هر یک از دو صورت یاد شده و چه پس از پایان مدت محکومیت خود احتمال تکرار جرم از سوی آنان نمی‌رود در کانون این فرایند ارفاقی قرار گیرند. بدین ترتیب روشن است که رویکرد تعدیل در اجرای مجازات حبس از سوی نظام عدالت کیفری ایران که از آغاز همه‌گیری کووید ۱۹ و در چهره‌ای چون اعطای مرخصی به زندانیان اجرا شد، نقش مهمی را در راه پیشینه‌سازی سلامت زندانیان به همراه داشته است. بنابراین تعدیل در اجرای مجازات که البته باید لزوماً با هر یک از مؤلفه‌های ساختاری آن نیز همگام و

متناسب باشد، می‌تواند از یک سو انتظار از جامعه را مبنی بر نمایش واکنش اجتماعی مناسب در برابر پدیده مجرمانه محقق سازد و از سوی دیگر نیز به حفظ سلامت زندانیان در پرتو اصل تناسب جرم و مجازات یاری رساند.

۴- نتایج حاصل از پاسداشت حقوق زندانیان در وضعیت شیوع بیماری‌های واگیردار

پاسداشت حقوق زندانیان در وضعیت شیوع بیماری‌های واگیردار نتایج آشکاری را به همراه دارد که در ادامه به شماری از این نتایج پرداخته می‌شود.

۴-۱- به‌زامداری کیفری

همان‌گونه که پیشگیری و یا پاسخ‌دهی به بیماری‌های واگیردار یکی از بایسته‌های مربوط به احراز سنج به‌زامداری در جامعه است، کوشش در راه مهار هر چه بیشتر پیامدهای این بیماری‌ها در حوزه مخاطره‌انگیزی همانند زندان نیز برای احراز به‌زامدای کیفری یا تحقق سنج حکمرانی مطلوب از سوی نظام عدالت کیفری به طور مشخص، نظام زندانبانی کشور ضرورت دارد. در این راستا باید تأکید شود که هر گونه کژکارکرد در این راستا زندانیان را به سوی شورش برای فرار از زندان به منظور ایمن نگاه داشتن خود از گزند بیماری‌های یاد شده رهنمون ساخته و از این رهگذر چالش‌های امنیتی و اجتماعی گوناگونی را برای جامعه و نظام عدالت کیفری پدیدار می‌سازد.

۴-۲- امکان تحقق اهداف گوناگون از مجازات‌ها

مبارزه مناسب با تکانش‌های گوناگون ناشی از بیماری‌های همه‌گیر بر حقوق زندانیان می‌تواند به تحقق هر چه بیشتر اهداف گوناگون از پیش اندیشیده برای مجازات‌ها منجر شود. در این راستا باید خاطر نشان شود که خواه هدف اصلاح و درمان یا بازپروری و خواه هدف طرد و ختنی‌کننده و به طور کلی بازداشتن از تکرار جرم هنگامی روی می‌دهد که برای نمونه در زندان فرد محکوم در پرتو اجرای برنامه‌های مناسب به بازخوانی رفتار جامعه‌ستیزانه خود بپردازد. بنابراین لازم است نظام زندانبانی کشور با استفاده از راهکارهای مناسب که برخی از آنها نیز در این پژوهش بررسی شد دست‌کم با هدف افزایش احتمال دستیابی به اهداف پیش‌گفته در مهار هر چه بیشتر آثار ناشی از بیماری‌های همه‌گیر بر زندانیان بکوشد. در غیر این صورت افزون بر آن که همه هزینه‌های مادی و انسانی ناشی از اداره مناسب زندان‌ها هدر رفته است، احتمال دارد که روحیه انتقام‌جویی و

کینه زندانیان نیز با باورمندی به کوتاهی نظام عدالت کیفری در راه پاسداری مناسب از سلامت آن‌ها در این هنگام، خود پدیداری رخدادهای جامعه‌سستیزانه دیگری را به همراه آورد.

نتیجه‌گیری

پاسداری از حقوق زندانیان به طور کلی انتظاری مهم از نظام‌های عدالت کیفری است و می‌تواند به خوبی نشان‌دهنده میزان رسوخ اندیشه‌های حقوق بشری در این سازه از نظام اجتماعی باشد. از همین رو در هر زمان باید در راه پاسداری بیش از پیش از حقوق زندانیان کوشید و با پیروزمندی بر چالش‌های احتمالی فراروی آن اطمینان از به‌کارکرد نظام کیفری را در این راستا محقق ساخت. ظهور بیماری‌های همه‌گیر به طور کلی یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در زندگی انسان بوده و به نوبه خود دگرگونی‌های شگرفی را در زندگی وی پدیدار ساخته است. از همین رو مطالعه ابعاد گوناگون اثرگذاری پیش‌گفته و شناسایی راهکارهای مناسب برای مهار آن همواره یکی از رسالت‌های مهم نظام‌های اجتماعی بوده است. واقعیات فیزیکی موجود در زندان و در هنگام پیاده‌سازی مجازات حبس، ضرورت چاره‌پردازی برای مهار هر چه بیشتر پیامدهای زیان‌بار بیماری‌های واگیردار را در این قلمرو مطرح کرده است. در واقع، گسترش بیماری‌های واگیردار در زندان می‌تواند تلفاتی بیش از خارج از آن را به همه داشته باشد. چرا که قاطبه زندانیان از مراقبت‌های مناسب بهداشتی در برابر این گونه بیماری‌ها بی‌بهره هستند.

افزون بر این، شماری از اصول بنیادین حقوق کیفری همانند اصل تناسب جرم و مجازات، اصل کیفی ساختن مجازات و نیز رهیافت اصلاح و بازپروری بزه‌کاران که به گونه‌ای آشکار از پدیداری و شیوع بیماری‌های واگیردار متأثر می‌شود، بر ضرورت کوشش‌های نظام عدالت کیفری در راه مهار هر چه بیشتر این چالش تأکید دارند. بدین ترتیب این پژوهش دریافته است که نظام عدالت کیفری باید با استفاده از روزآمدترین آموزه‌های دانش کیفرشناسی در راه پاسداری بیش از پیش زندانیان از گزند تکانش‌های گوناگون ناشی از بیماری‌های واگیردار کوشا باشد. در غیر این صورت ممکن است بسته به واقعیات و نیز استنباط‌های امنیتی، زندانی اقدام به شورش کرده و با پیروزی احتمالی خود در راه خروج از زندان چالش‌های گوناگونی را برای نظام عدالت کیفری و به طور کلی جامعه پدید آورند. در راستای این پژوهش پیشنهاد می‌شود که هر ساله بودجه مناسبی برای افزایش تدابیر بهداشتی در زندان تصویب شود تا از این راه بتوان در صورت شیوع بیماری‌های گوناگون واگیردار پاسخ‌های مناسبی را در برابر آن پیاده نمود.

آموزش چگونگی پاسداری از بهداشت زندان با توجه به ویژگی های موجود در همه گیری ها رویکرد مهمی است که باید همواره آن را در نظر داشت. از سوی دیگر باید خاطر نشان شود که پیروزمندی نسبی یا مطلق بسیاری از کشورها در مبارزه با کووید ۱۹ فرصت های مناسبی را برای پیاده سازی راهبردهای مورد استفاده آنها در سرتاسر جهان به دست داده است. در ایران نیز می توان با استفاده از این تجارب حق بر سلامت زندانیان را در این دوران تا اندازه بسیاری حفظ کرد. از همین رو پژوهش ها و داد و ستدهای کیفرشناختی بین المللی در این راستا بسیار مناسب به نظر می رسد.

منابع

الف) فارسی

- ۱) امانی، مصطفی؛ داورپناه، مسعود؛ امانی، مجتبی (۱۳۹۹). «بررسی اسناد بین‌المللی در رابطه با حقوق زندانیان زن»، نشریه آفاق علوم انسانی، شماره ۳۶، دوره ۴، صص ۷۱-۹۲.
- ۲) بیرامی، فریده؛ مصطفوی نژاد، سید ابوالحسن (۱۳۹۹). «بیماری‌های واگیردار و جلوگیری از گسترش آن‌ها در زندان‌ها»، هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران.
- ۳) پورمحمی آبادی، حسین؛ بوستانی، داریوش؛ قماش، سعید (۱۳۹۷). «سیطره حبس‌گرایی و رویای حبس‌زدایی در سیاست کیفری ایران (مطالعه موردی حوزه قضایی شهر کرمان)»، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱۷، صص ۳۳-۵۹.
- ۴) حسانی، جلال‌الدین؛ میرخلیلی، سید محمود؛ نظری‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۵). «رهیافت مدیریت ریسک جرم و جلوه‌های آن در نظام عدالت کیفری ایران»، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱۴، صص ۲۷-۵۲.
- ۵) محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۵). قواعد فقه، چاپ پنجاه و یکم، تهران: انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.

ب) لاتین

- 1) Bernstein, Gregory, Guzman, Stephanie, Hadley, Maggie, Huf, Alison, Rosalyn M., Hung, Anita N. Yandle, Alexis Hoag & Bernard E. Harcourt, COVID-19 and Prisoners' Rights, LAW IN THE TIME OF COVID-19, Kathrina Pistore, ed, Columbia Law School.
- 2) Burki, Talha (2020). Prisons are "in no way equipped" to deal with COVID-19, Lancet; 395 (10234).
- 3) Cingolani, Marianon, Caraceni, Lina, Cannovo, Nunzia, Fedeli, Piergiorgio (2020). The COVID-19 Epidemic and the Prison System in Italy, <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/32627645>.
- 4) Garland, David (2017). Theoretical advances and problems in the sociology of punishment, Punishment & Society, Vol. 20(1).
- 5) Muntingh, Lukas M (2020). Africa, Prisons and COVID-19, J Hum Rights Pract: huaa 031.
- 6) Piquero, Alex (2016). The Handbook Of Criminological Theory, Sage Publication, London.

Abstracts

Pathology of lack of financial independence and operational budgeting system of the judicial system in restoring and guaranteeing public rights

Ali akbar asefi semiromi

Naser nanayi zavare

Mohammad reza mehri

Abstract

In the direction of the pathology of the judicial system in the restoration and guarantee of public rights, this article has been written in a descriptive-surveillance method, and the data collection tool is the library and field method with a Delphi questionnaire. In this research, content (face) validity was used in the formulation of questionnaire questions and construct validity was used to examine the general relationships between factors and convergent and divergent validity, and Cronbach's alpha coefficient was used to measure the reliability of the research instrument. The value of Cronbach's alpha obtained for the financial independence of the judiciary was 0.982, the acceptance rate was 0.995, the ability rate was 0.995, and the process rate was 0.992. One-sample t-test was used to analyze the data, and Friedman's test with spss software was used to rank operational budgeting factors. In order to test the overall structure of the conceptual model of the research, the structural equation test was used using pls software. The results of the T-Tech test showed that the financial independence of the judiciary does not exist at the moment. But regarding the implementation of operational budgeting, it is currently possible to implement it. Also, among the determined factors and selected components including 1- acceptance (legal-political-social) 2- ability (human-financial-technical-operational resources) 3-process (motivation-time-functional) acceptance factor for financial independence Judiciary does not have an operational budgeting approach in the Judiciary, but there is an ability factor and a process to implement this issue.

Key words: Pathology, operational budgeting, public law, financial resources, judicial system.

Public rights in the context of protection of natural resources, national lands and prevention of agricultural land use change with the view of providing practical solutions

saeid ashkriz

Abstract

Currently, due to the needs of different strata of society for land and housing, on the one hand, and on the other hand, due to the heterogeneous economic policies of the government in providing housing for different strata of society, land and housing have turned from a consumer commodity into a commodity. Capitalized in such a way that many people who intend to increase their capital invest in this area and in order to earn more profit, they look for solutions with the lowest cost and without obtaining permits. It is necessary for the relevant authorities to proceed with unauthorized construction in the cities and its outskirts; Of course, some others even went beyond this and attempted to seize national lands, natural resources, river beds, etc., considering the high volume of violations and seizures, as well as the lack of timely action in dealing with such violations. From the relevant authorities, in the last two decades, we have witnessed the spread of phenomena such as land-grabbing, mountain-grabbing, river-grabbing and extensive conversion of agricultural lands to villa gardens in different parts of our country. An action that today not only affects the environment of the country, but also for the lack of support and the lack of effective and sufficient incentives for farmers by the government; It has affected the food security of the society. Based on this, it is necessary for the judicial system to enter into the issue of defending public rights in the field of preventing the seizure of national lands and preventing unauthorized changes of agricultural land uses in order to protect the environment and food security of the people, which can only be achieved with the correct and firm implementation of the laws. And regulations and quick and effective dealing with the wrongdoers will be possible; Otherwise, in the not too distant future, we will have to witness a major environmental and human disaster in our country. In this article, in two paragraphs, firstly, the pathology of the current situation in the field of protection and protection of national lands and natural resources is discussed, and then practical strategies for the correction and prevention of the seizure of national lands and preventing the change of unauthorized uses. Agricultural lands will be provided in order to preserve national lands and natural resources.

Key words: National lands, public rights, prosecutor, constitution, environment, natural resources.

The Right to Education and Employment of the Disabled in the Judgements of the General Assembly of the Administrative court of Justice

Mohammadreza Zadeh najaf

Abstract

Person with disabilities should enjoy all human rights as others; The prospect of access to education and employment, as well as its maintenance and development, has declined due to their disability. In this regard, it is necessary to establish laws and regulations to protect them; In the legal system of the Islamic Republic of Iran, this issue has been considered and laws and regulations have been enacted for them to achieve their rights and eliminate the existing negative discrimination; In practice, however, their rights are violated at various stages. In the above research of descriptive and analytical type with the method of data collection of library type, an attempt was made to answer the question of how the rights of the disabled are assessed in the light of the votes of the General Assembly of the court of administrative Justice? The result of the above article also indicates the effectiveness of the judicial procedure of the Administrative Court of Justice in guaranteeing the rights of the disabled. Judicial oversight of the Court guarantees effective enforcement to ensure that they enjoy their rights. The General Assembly of the Court shall prevent the violation of the rights of persons with disabilities by repealing government regulations which are in some way contrary to the Sharia, the law, ultra vires or in violation of the law.

Key words: Education, Employment, Administrative court of justice, Disabled, General Assembly.

The independence and impartiality of judges is a matter of international law

Mohammad Setayeshpour
Raziye seyfi pour

Abstract

One of the most important principles and criteria of a fair trial is the right to a hearing by an independent and impartial court, which leads to the vindication of rights and the provision of citizens' rights. This principle is considered a general principle of rights, which most international and regional human rights documents pay great attention to. Independence and impartiality are important principles in proceedings. These two terms overlap a lot. However, these two expressions do not have the same meaning. The right to trial in an independent and impartial court is one of the most important rights of the citizens of the society, which is provided in the domestic laws and international documents, which ensures a fair trial. Independence in international proceedings means that the court and proceedings are not influenced by external factors and pressures such as governments, international organizations and powerful people. This concept in the internal system originates from Montesquieu's theory of separation of powers, and it means that the executive branch does not influence the judicial branch. In other words, independence is an external factor, but impartiality is considered an internal factor, which means that the judge does not favor one of the parties during the proceedings. Basically, one of the factors that ensure impartiality is independence. In proceedings and proceedings, the principle is on the impartiality and independence of the judges and members of the court, which guarantees a just and fair trial.

Key words: International documents, principle of neutrality, principle of independence, human rights, fair trial.

Social security in the light of protection of public rights by the prosecutor

Mostafa abedzadeh

Abstract

Social security is one of the fundamental demands of citizens from governments. The restoration of public rights in the Constitution of the Islamic Republic of Iran is also the responsibility of the judiciary. Public law is the concept of various rights prescribed and assumed for citizens in various laws. Paragraph 2 of Article 156 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran and the "Monitoring and Pursuing Public Rights" directive of 2017 are the documents of public rights in our country. The requirements of social security in the light of protecting public rights by the prosecutor, including updating the prosecutor's approach to public rights, considering how to respond to this crime in the light of Social surveys and the fight against government crimes are in the realm of public rights protection. Subcultural cognitive conflicts, possible lack of trust in the capabilities of the criminal justice system, and strong fear of crime are some of the challenges facing this ideal. The results of maintaining social security arising from the prosecutor's activism towards public rights also include criminal governance and social capital.

Key words: Social security, public law, prosecutor, judiciary.

The rights of prisoners in the situation of outbreak of infectious diseases

Faezeh asgari
Rohollah akrami

Abstract

Protecting the rights of prisoners is one of the most important aspects of human rights. This research, which is written with a descriptive-analytical method, tries to answer the question that what is the mission of the criminal justice system in the way of protecting the rights of prisoners in the situation of the outbreak of epidemic diseases? The principle of proportionality of crime and punishment, as well as the need to organize criminal management, are among the most important principles of prisoners' rights. In the era of epidemics, there are various challenges such as illness and as a result, the intensification of suffering caused by punishment, impairment in the correction and rehabilitation process, and also the increase in the possibility of prisoners rioting. In order to combat these consequences, it seems appropriate to adopt strategies such as highlighting the health care of prisoners in this era, granting leave to prisoners with conditions, adapting rehabilitation programs and the like. This article has found that victory in the way of protecting the rights of prisoners in this era causes the occurrence of consequences such as criminal administration, social capital, etc.

Key words: Infectious diseases, prisoners' rights, criminology, imprisonment, criminal justice system.